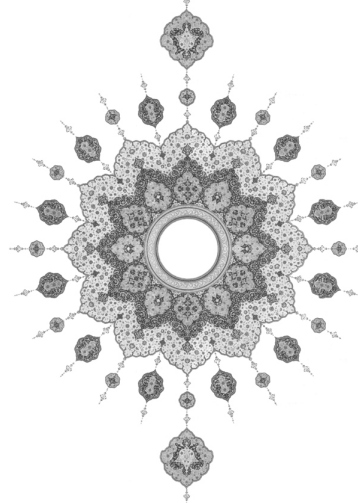


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# بررسی زمینه‌ها و عوامل سهل‌انگاری در نماز

مصطفی برغم‌دی



حق التالیف این اثر توسط مؤلف به ستاد اقامه نماز اهداء شده است.



**نام کتاب:** بررسی زمینه‌ها و عوامل سهل‌انگاری در نماز

**مؤلف:** مصطفی برغم‌دی

**ناشر:** مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز

**شمارگان:** ۵۰۰ نسخه

**نوبت چاپ:** اول - تابستان ۱۳۹۷

**چاپ و صحافی:** نگارش امروز

**قیمت:** ۱۴۰۰۰ تومان

**مراکز پخش:**

۱. تهران، خیابان ایتالیا، مقابل بیمارستان شهید مصطفی خمینی، پلاک ۴۲، انتشارات ستاد اقامه نماز،

تلفن: ۸۸۹۱۰۶۸ و ۸۸۹۰۰۵۹

۲. دفاتر ستادهای اقامه نماز سرار کشور

**شابک:** ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۱۸۹-۸

## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	۹
بخش اول: تبیین سهل انگاری در نماز .....	۱۱
الف. واژه شناسی .....	۱۳
ب. تعریف .....	۱۴
ج. بیان مصادیق .....	۱۵
فصل اول: سهل انگاری در نماز از نگاه قرآن .....	۱۷
نتیجه .....	۲۳
فصل دوم: سبک شمردن نماز .....	۲۵
آیات و روایات در مورد سبک شمردن نماز .....	۲۶
نتیجه .....	۲۹
فصل سوم: تحقیر کردن نماز .....	۳۰
آیات و روایات در مورد تحقیر کردن نماز .....	۳۰
فصل چهارم: تباه و ضایع کردن نماز .....	۳۴
آیات و روایات در مورد تباه و ضایع کردن نماز .....	۳۵
نتیجه .....	۴۰
فصل پنجم: ترک نماز .....	۴۲
آیات و روایات در مورد ترک نماز .....	۴۳
نتیجه .....	۴۵
نتیجه بخش .....	۴۶
بخش دوم: عوامل سهل انگاری در نماز .....	۴۹
فصل اول: عدم معرفت نسبت به نماز .....	۵۲
الف. نداشتن شناخت نسبت به خداوند و بی مهوری نسبت به او .....	۵۲

ب. آشنا نبودن به فلسفه نماز و عبادت .....	۵۶
ج. آشنا نبودن انسان‌ها به نیازهای واقعی خود.....	۶۶
نتیجه .....	۶۸
<b>فصل دوم: گناه کردن.....</b>	<b>۷۱</b>
الف. گناه و آلودگی به آن .....	۷۱
ب. احساس خودنمایی و ریاکاری .....	۸۰
نتیجه .....	۸۶
<b>فصل سوم: زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی .....</b>	<b>۸۷</b>
الف. زمینه‌های فردی .....	۸۷
۱. تن‌پروری و تنبلی .....	۸۸
۲. مسامحه‌کاری .....	۹۲
۳. بی‌برنامگی .....	۹۲
۴. بی‌علاقگی .....	۹۲
ب. زمینه‌های خانوادگی .....	۹۳
۱. سهل‌انگاری خانواده در امر نماز.....	۹۳
۲. سخت‌گیری‌های بی‌مورد خانواده.....	۹۴
۳. اصل اختیاری بودن مسائل دینی.....	۹۶
ج. زمینه‌های اجتماعی .....	۹۸
۱. عدم پرداخت کافی رسانه به بحث نماز.....	۹۸
۲. تغییر اولویت‌ها در میان اغلب عموم مردم جامعه .....	۱۰۰
<b>فصل چهارم: آثار دوستی با بدان نسبت به سهل‌انگاری در نماز .....</b>	<b>۱۰۳</b>
الف. پیامدهای انتخاب دوستان نامناسب.....	۱۰۳
ب. الگوپذیری نامناسب .....	۱۰۸

**بخش سوم: آثار و کیفر سهل انگاری در نماز ..... ۱۱۳**

الف. برخی از آثار سهل انگاری در نماز ..... ۱۱۶

۱. همشینی با شیطان ..... ۱۱۶

۲. قبول نشدن انفاقات و اعمال صالح ..... ۱۱۶

۳. مسخره کردن نماز و دنبال امور باطل ..... ۱۱۷

۴. متابعت از شهوات نفسانی گرفتار کیفر سخت ..... ۱۱۷

۵. افتادن در دوزخ و عذاب الهی ..... ۱۱۸

۶. محروم شدن از شفاعت اولیای خدا ..... ۱۱۸

ب. کیفر ..... ۱۱۹

**فصل اول: در دنیا ..... ۱۲۸**

مصیبت‌هایی که در دار دنیا بدان مبتلا می‌گردد ..... ۱۲۸

الف. خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد ..... ۱۲۸

ب. برکت از عمر و روزی شما گرفته می‌شود ..... ۱۲۹

ج. خداوند عزوجل نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید ..... ۱۳۰

د. در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود ..... ۱۳۱

ه. دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد ..... ۱۳۱

و. هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و . . . ..... ۱۳۲

**فصل دوم: هنگام مرگ ..... ۱۳۳**

الف. با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد ..... ۱۳۴

ب و ج: گرسنه و تشنه جان می‌سپارد ..... ۱۳۶

**فصل سوم: در عالم قبر و قیامت ..... ۱۳۸**

هول و هراس در قبر ..... ۱۳۸

مونس انسان در قبر ..... ۱۴۰

دیدار ملائکه از انسان در قبر.....	۱۴۱
نجات از وحشت قبر.....	۱۴۱
<b>بخش چهارم: راه‌های درمان سهل‌انگاری در نماز.....</b>	<b>۱۴۵</b>
<b>فصل اول: راه‌های فردی درمان سهل‌انگاری در نماز براساس آیات و روایات.....</b>	<b>۱۴۸</b>
الف. درمان سهل‌انگاری بابررسی کیفیت نماز حقیقی و . . .	۱۴۸
ب. درمان سهل‌انگاری با بررسی نقش نماز در سیره عملی انبیا و اولیای الهی.....	۱۵۱
ج. درمان سهل‌انگاری با بررسی جایگاه نماز در قرآن.....	۱۵۴
د. درمان سهل‌انگاری با بررسی احوالات کسانی که نماز را . . .	۱۵۶
ه. درمان سهل‌انگاری با اهمّیت دادن به نماز اوّل وقت.....	۱۵۸
<b>فصل دوم: نقش خانواده در درمان سهل‌انگاری در نماز.....</b>	<b>۱۶۷</b>
الف. سفارش و اقدام اهل بیت به نماز دربین خانواده خود و مردم.....	۱۶۸
ب. نقش والدین.....	۱۷۲
<b>فصل سوم: زمینه‌زدایی عوامل اجتماعی سهل‌انگاری.....</b>	<b>۱۷۶</b>
الف. اسلامی کردن جامعه و گرایش به معنویت در بین عموم.....	۱۷۶
ب. درمان سهل‌انگاری در نماز با آگاهی از روانشناسی نماز.....	۱۷۷
ج. درمان سهل‌انگاری در نماز با مشاوره گرفتن از کارشناس نماز.....	۱۸۱
د. نقش رسانه و تبلیغات در درمان سهل‌انگاری در نماز.....	۱۸۳
<b>فصل چهارم: نقش دوستان خوب و اهل نماز.....</b>	<b>۱۸۸</b>
<b>نتیجه‌گیری کلی.....</b>	<b>۱۹۳</b>
فهرست منابع.....	۲۱۱



## پیشگفتار

این کتاب به بررسی زمینه‌ها و عوامل سهل‌انگاری در نماز با مطالعه منابع می‌پردازد. در راستای این تحقیق، آیات و روایات و سیره‌ی اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفته است. در آغاز واژه‌ی «سهل‌انگاری» تبیین شده، آن‌گاه عدم معرفت جایگاه نماز، آثار گناه و زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و آثار دوستی با بدان، - از عوامل سهل‌انگاری نسبت به نماز - با استفاده از آیات، روایات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در آخر کیفر و چگونگی درمان سهل‌انگاری در نماز با استناد به آیات و روایات بررسی و نقش رسانه و تبلیغات، خانواده و دوستان خوب و اهل نماز به عنوان مهم‌ترین راه‌های درمان این آفت، تبیین می‌گردد.

درباره‌ی نماز کتاب‌های فراوانی نگاشته شده است؛ مانند آداب نماز (آداب الصلوة)، اسرار نماز (صلوة العارفين و معراج السالكين) از آثار امام خمینی رحمته‌الله، از ژرفای نماز، اثر آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌الله، حکمت عبادت اثر آیت‌الله جوادی آملی، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، همراه با نماز، پرتوی از اسرار نماز، اثر استاد محسن قرائتی و . . . در کلیه این کتاب‌ها به بحث نماز و آثار و برکات آن پرداخته شده است. در این کتاب‌ها اشاره‌ای اجمالی به

موضوع شده است لیکن کتاب جامعی در خصوص زمینه‌ها و عوامل سهل‌انگاری در نماز و راه‌های درمان آن نوشته نشده است.

این کتاب به شرح، تفسیر و اهمیت موضوع پرداخته و راهکارهای درمان سهل‌انگاری در نماز را تبیین نموده است. موضوعات فوق در چهار بخش بررسی شده است.

بخش نخست به تعریف واژه‌ی سهل‌انگاری و تبیین مفهوم و مصادیق آن می‌پردازد.

بخش دوم جاهل بودن نسبت به نماز، آثار گناه و زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و آثار دوستی با بدان به عنوان عواملی از سهل‌انگاری در نماز، با استفاده از آیات، روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

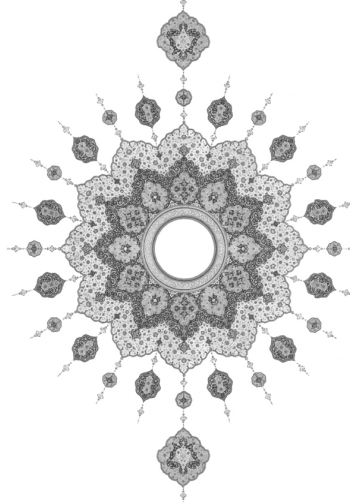
در بخش سوم آثار و کیفی سهل‌انگاری در نماز در دنیا، هنگام مرگ و در عالم قبر و قیامت در سه فصل مجزا، با استفاده از آیات و روایات بیان خواهد شد.

در بخش چهارم راه‌های درمان سهل‌انگاری در نماز با استفاده از منابع موجود بررسی و نقش رسانه و تبلیغات، خانواده و دوستان خوب و اهل نماز به عنوان مهم‌ترین راه‌های درمان این آفت، بررسی خواهد شد.

در قسمت پایانی نتیجه کلی تحقیق روشن می‌گردد.

بخش اول:

تبیین سهل انگاری در نماز





## الف. واژه‌شناسی

واژه‌ی سهل‌انگاری در اصطلاح عامیانه به معنای ساده گرفتن، سرسری گرفتن و جدی و مهم تلقی نکردن است. در لغت‌نامه دهخدا آمده است: «سهل‌انگاری به عمل سهل‌انگار گویند و سهل‌انگار آن کسی است که کارها را آسان بشمارد و به آن بی‌اعتنایی کند»<sup>۱</sup> و در لغت‌نامه معین نیز «سهل‌انگار به کسی گویند که همه چیز را آسان انگارد»<sup>۲</sup>. هم‌چنین معادل این کلمه به زبان عربی «لامبالات، تهاون، تلکاً، طاوَل و ماَطَل»<sup>۳</sup> و در زبان انگلیسی «negligence و neglect delinquency»<sup>۴</sup> می‌باشد که به لحاظ معنایی با کلمات «اهمال، فراموش‌کاری، غفلت، قصور، کوتاهی و تخلف» معادل است. البته به نظر می‌رسد غفلت از آثار سهل‌انگاری باشد نه معادل آن بنابراین چون موضوع بحث بررسی زمینه‌ها و عوامل سهل‌انگاری در نماز است، لذا

۱. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، ج ۱۶، ۱۳۴۲.

۲. <http://dictionary.abadis.ir>. فرهنگ لغت معین.

۳. <http://www.almaany.com/fa/dict/fa-ar/>. سهل - انگاری - کرد. وب

سایت‌المعانی.

۴. <http://www.vajehyab.com>. واژه یاب.

واژه نماز را هم در لغت کنکاش می‌کنیم.

«واژه نماز در لغت‌نامه دهخدا به معنای «بندگی و خدمت» و در لغت‌نامه معین به معنای الف: «عبادت و پرستش» ب: «عبادت مخصوص مسلمانان که به‌طور وجوب پنج بار در شبانه‌روز ادا می‌کنند». معادل این کلمه به زبان عربی صلاة و زبان انگلیسی prayer می‌باشد و مترادف این واژه دعا، فریضه و نیایش است.<sup>۱</sup> جمعی از اهل لغت در کتب خود این واژه را به معنی دعا بیان کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ب. تعریف

این دو واژه یعنی سهل‌انگاری و نماز وقتی در کنار هم آورده شوند، مفهومی را به شنونده القاء می‌کنند. برای درک بیشتر این مفهوم به سراغ آیات و روایات می‌رویم.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ وَمَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلَ وَالْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ.»<sup>۳</sup> و<sup>۴</sup>

رسول خدا ﷺ جایگاه نماز را هم‌چون ستون دین می‌دانند و تارک عمدی

۱. همان مدرک.

۲. مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۲۶۶ و لسان‌العرب، ج ۱۴، ص ۴۶۶ و التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۶، ص ۲۷۲.

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۲۰۲، باب ۱ فصل الصلاة و عقاب تارکها... ص ۱۸۸، شماره حدیث: ۱.

۴. سوره ماعون: ۱۰۷، آیه ۴ و ۵.

آن مجازات می‌شود. خداوند در قرآن فرمود: **وَيْلٌ لِّجَايِغَاهِ** کسانی است که در نمازشان سهل‌انگارند، زمانی که آن‌ها عمداً نمازشان را ترک کنند در حقیقت دینشان را ویران کرده‌اند، زیرا ساختمان بی‌ستون محکوم به فنا و نیستی می‌باشد. و کسی که به اوقات نماز اهمیت ندهد داخل «وَيْلٌ» خواهد شد و «وَيْلٌ» وادی‌ای در جهنم است.

محمد بن فضیل می‌گوید: «از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: منظور از سهو در این آیه «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»<sup>۳</sup> چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «هوالتضييع»: منظور، ضایع نمودن نماز است.»<sup>۴</sup>

### ج. بیان مصادیق

با توجه به روایات فوق به نظر می‌رسد سهل‌انگاری در نماز مصادیقی دارد که سبک شمردن، تحقیر کردن، تباه کردن و ترک کردن نماز از آن جمله است. به همین جهت به شرح هر یک از این موارد با استفاده از آیات و روایات خواهیم پرداخت. سهل‌انگاران در نماز با هم تفاوت‌هایی دارند، افرادی نماز را به‌طور کلی ترک می‌کنند و علت این کار مسامحه و کم‌اعتنایی به

۱. چاهی در جهنم.

۲. سوره ماعون: ۱۰۷، آیه ۴ و ۵: «فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ».

۳. سوره ماعون: ۱۰۷، آیه ۵؛ کسانی است که در نماز سهل‌انگارند.

۴. الکافی (ط - الإسلامية). ج ۳، ص ۲۶۸، باب من حافظ علی صلاته أو ضيعها... ص ۲۶۷، شماره حدیث: ۵. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ «۳» قَالَ هُوَ التَّضْيِيعُ.

امور اخروی است. بعضی نماز را در پاره‌ای از اوقات ترک می‌کنند و آن را سبک می‌شمارند، بعضی نماز می‌خوانند اما نسبت به شرایط و واجبات آن (مثل موالات، رکوع، قرائت، سجود، آرامش در نماز و ...) بی‌اعتنا هستند، همه این‌ها با تفاوت‌هایشان، مشمول تهدید الهی می‌باشند. هرچند هر کدام به میزان سهل‌انگاری‌اش در نماز، مشمول بخشی از این قهر و غضب خواهد گشت. بنابراین نظرات مفسرین قرآن کریم درباره آیات ۴ و ۵ سوره ماعون که به همین موضوع اشاره می‌کند را در فصل اول بیان می‌کنیم.



## فصل اول:

### سهل‌انگاری در نماز از نگاه قرآن

---

سید محمد ابراهیم بروجردی در تفسیر روایی خود آورده است: «سوره ماعون مشتمل است بر توبیخ و سرزنش کفار قریش و کفران نعمت آنان، این آیات عموماً درباره کفار قریش نازل شده است به ویژه در حق ابوجهل، ابوسفیان و ولیدبن مغیره، زیرا آن‌ها هر وقت شتر و یا گوسفندی ذبح می‌کردند و یتیم و یا درمانده‌ای از آنان چیزی درخواست می‌کردند با عصا آنان را مضروب می‌ساختند و از در خانه خود می‌رانند. خداوند متعال این سوره را درباره آن‌ها فرستاد و فرمود:

«ای رسول ما، آیا دیدی کفار قریش را که چگونه روز حساب را انکار و یتیم را از در خانه خود رانده و از حقشان منع کرده و مایل به غذا دادن به آن‌ها نبودند. وای بر آن نمازگزاران که از یاد خدا غافل هستند و توجه به مخلوق خدا ندارند، همان‌هایی که اگر اطاعتی کنند برای خودنمایی است و هر احسانی را اعم از حق واجب مانند خمس و زکات

یا مستحب مثل عاریه دادن اثاث خانه، به محتاجان منع می‌کنند»<sup>۱</sup>.  
 این آیات درباره منافقین نازل شده است چون مردم را می‌دیدند نماز و سایر واجبات را به جا می‌آوردند و چون نمی‌دیدند به جا نمی‌آوردند و اگر نماز می‌خواندند امیدی به خیر آن نداشتند و چنان چه رها می‌کردند از شرش نمی‌ترسیدند. با توجه به این تفسیر، ساهون به معنای ترک نماز و سبک شمردن آن تبیین شده است.

براساس تفسیر تربیتی سید عبدالحسین طیب، که در قرن پانزدهم (معاصر) آن را به نگارش درآورده است، به شرح این آیه می‌پردازیم، در این تفسیر آمده است: «جایگاه ویل برای نمازگزارانی است که در بند نماز نیستند شد شد نشد نشد، در اخبار و کلام مفسرین مصادیقی ذکر کرده‌اند ولیکن عمومیت دارد شامل کسانی که [نماز را] عمداً ترک می‌کنند و کسانی که ریاکارند و کسانی که رکوع و سجودش را تمام نمی‌کنند، و کسانی که مراعات اجزاء و شرایط آن را نمی‌کنند و کسانی که تأخیر می‌اندازند تا وقت منقضی شود. و بالجمله اهمیتی به نماز نمی‌دهند یا تارک الصلاة هستند ولو یک نماز صبح باشد یا ضایع الصلاة هستند»<sup>۲</sup>.

همان طور که در تفسیر فوق مشاهده گردید منظور از ساهون در این آیه

۱. تفسیر جامع، ج ۷، ص ۵۰۴ - ۵۰۵. سوره ماعون: ۱۰۷، آیه ۱۱ الی ۷: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)﴾.

۲. تفسیر اطمینان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۲۴۱.

کسانی هستند که از روی بی‌اعتنایی و بی‌اهمیتی و دریند نبودن، نماز می‌خوانند.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر المیزان در ارتباط با این آیات فرموده‌اند:

«آن‌هایی که از نمازشان غافلند، یعنی اهمیتی به امر نماز ندارند و از فوت شدنش باکی ندارند، چه این که به کلی فوت شود، چه این که بعضی از اوقات فوت گردد، چه این که وقت فضیلتش از دست برود و چه این که ارکان و شرایطش و احکام و مسائلش را ندانسته و در این صورت نمازی باطل بخوانند؛ در آیه شریفه تکذیب‌گر روز جزا به چنین نمازگزارانی تطبیق شده، چون حرف «فاء» در [فویل للمصلین] که بر سر جمله آمده می‌فهماند جمله مزبور نتیجه تکذیب روز حساب است و می‌رساند چنین نمازگزارانی خالی از نفاق نیستند، چون تکذیب روز جزا تنها به این نیست که به کلی آن‌را منکر شود، کسی هم که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز مسلمانان را می‌خواند، اما طوری می‌خواند که عملاً نشان می‌دهد باکی از روز حساب ندارد، او نیز روز حساب را تکذیب کرده.»<sup>۱</sup>

با توجه به تفسیر فوق، ساهون به کسانی که نماز نمی‌خوانند و روز قیامت را تکذیب می‌کنند نیز اطلاق می‌شود.

اکنون به تفسیر این آیه در ترجمه‌ی تفسیر جوامع‌الجامع می‌پردازیم:

«پس وای بر نمازگزارانی که از نماز غفلت می‌کنند و غفلتشان برای این است که به نماز اهمیتی نمی‌دهند تا نمازشان فوت شده یا وقتش می‌گذرد یا افعال نماز را سبک می‌شمارند و آن گونه که امر شده‌اند نماز نمی‌گذارند یعنی

---

۱. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۴.

ارکان آن را ادا نکرده و به حدود و حقوق نماز اقدام نمی‌کنند و هم‌چون کلاغ که نوک بر زمین می‌زند، بدون خشوع نماز می‌گذارند و از مکروهات مانند بازی کردن با موی سر و صورت و لباس و بسیار خمیازه کشیدن و کشیدن سینه و شانه و توجه به این سو و آن سو نمی‌پرهیزند، نماز گزارانی که عادت کرده‌اند در اعمالشان ریا کنند و تنها قصدشان اخلاص و نزدیکی به خدا نیست و حقوقی را که خدا در اموالشان دارد نمی‌پردازند.<sup>۱</sup>

همان‌طور که در تفسیر بالا مشاهده گردید منظور از «ساهون» در این آیه کسانی هستند که به نماز اهمیت نمی‌دهند، آن را سبک می‌شمارند و ریاکارند. اکنون آیات ۴ الی ۶ از سوره ماعون را در تفسیر احسن‌الحديث اثر سید علی‌اکبر قرشی مورد بررسی قرار می‌دهیم: «فاء نتیجه در [فویل للمصلین] نشان می‌دهد که ریا کنندگان و غفلت کنندگان از نماز نیز مصداق تکذیب کننده دین هستند. منظور از «ساهون» کسانی هستند که از نماز غفلت می‌کنند، به آن بی‌اعتنا هستند، آن را ترک می‌کنند و در وقتش نمی‌خوانند نه این‌که در ضمن نماز سهو و اشتباه می‌کنند و گرنه می‌فرمود: «فی صَلَاتِهِمْ» نه اینکه بفرماید «عَنْ صَلَاتِهِمْ».<sup>۲</sup>

با توجه به تفسیر فوق، سهل‌انگاری در نماز همان غفلت کردن از نماز، ترک نماز و بی‌اعتنایی به وقت آن است.

در تفسیر مجمع‌البیان نیز کسانی که در نمازشان سهل‌انگارند همان غافلان

۱. ترجمه تفسیر جوامع‌الجامع، ج ۶، ص ۷۱۶.

۲. تفسیر احسن‌الحديث، ج ۱۲، ص ۳۷۱.

از وقت آن و منافقان هستند. در این تفسیر آمده است: «پس وای بر نمازخوان‌هایی که از نمازشان غفلت می‌کنند، ابن‌عبّاس و مسروق گویند: ایشان آن‌هایی هستند که نمازشان را از اوقات خودش به تأخیر می‌اندازند. حضرت علی علیه السلام گویند: مراد از این آیه منافقین هستند، آن‌هایی که امید ثواب ندارند اگر نماز خواندند و اگر هم نخواندند ترس عقاب ندارند، پس ایشانند که از نماز غافلند تا وقت آن بگذرد.»<sup>۱</sup>

با توجه به تفسیر فوق نیز «ساهون» همان غافلان از وقت نماز هستند. در تفسیر نمونه نیز در این باره آمده است:

«در سومین وصف این گروه، می‌فرماید: وای بر نمازگزاران! همان نمازگزارانی که نماز خود را به دست فراموشی می‌سپارند، نه ارزشی برای آن قائلند و نه به اوقاتش اهمیتی می‌دهند و نه ارکان و شرایط و آدابش را رعایت می‌کنند. «ساهون» از ماده «سهو» در اصل به معنی خطایی [است] که از روی غفلت سرزند، خواه در فراهم کردن مقدماتش مقصر باشد یا نه، البته در صورت اول معذور نیست و در صورت دوم معذور است، ولی در این جا منظور سهو توأم با تقصیر است. باید توجه داشت که نمی‌فرماید: «در نمازشان سهو می‌کنند» چون سهو در نماز به هر حال برای هر کس واقع می‌شود، بلکه می‌فرماید: «از اصل نماز سهو می‌کنند» و کل آن را به دست فراموشی می‌سپرنند. روشن است این مطلب اگر یک یا چند بار اتفاق بیفتد ممکن است از قصور باشد، اما کسی که پیوسته نماز را فراموش می‌کند و آن را به دست

۱. ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۷، ص ۳۰۵.

فراموشی می‌سپارد، پیدا است که برای آن اهمیتی قائل نیست و یا اصلاً به آن ایمان ندارد و اگر گه‌گاه نماز می‌خواند از ترس زبان مردم و مانند آن است. در این که منظور از «سahون» در این جا چیست؟ علاوه بر آن چه در بالا گفتیم تفسیرهای دیگری نیز کرده‌اند، از جمله این که منظور تأخیر انداختن نماز از وقت فضیلت است و یا این که منظور اشاره به منافقانی است که نه برای نماز ثوابی معتقد بودند و نه برای ترک آن عقاب یا این که منظور کسانی است که در نمازهای خود ریا می‌کنند (در حالی که این معنی در آیه بعد می‌آید). البته جمع میان این معانی ممکن است هرچند تفسیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد.<sup>۱</sup>

بنابراین، منظور از ساهون، غافلان از اوقات، آداب و اصل نماز و نیز ریاکاران و تارکین نماز هستند. مقصود از «سahون» منافقین اند که به ثواب نماز امید و از ترک آن نیز باکی ندارند و از نماز غافل می‌گردند تا وقت نماز بگذرد لکن وقتی با مؤمنین باشند ریاکارانه با آنان نماز می‌خوانند و وقتی تنها هستند نماز را ترک می‌نمایند.

بانو امین اصفهانی رحمته‌الله می‌نگارد:

«وقتی آیات و اخباری که در علل تشریح نماز رسیده با این آیه «فَوَيْلٌ  
لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»<sup>۲</sup> به ضمیمه آن آیه «وَمَنْ أَعْرَضَ

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۹ - ۳۶۲.

۲. سوره ماعون: ۱۰۷، آیه ۴ و ۵. پس وای بر نمازگزاران، کسانی که در نمازهایشان سهل‌انگارند.

عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى<sup>۱</sup> با هم جمع نمائیم از مجموعش می‌توان استفاده نمود که چون سهو مقابل ذکر است شاید مقصود چنین باشد که «ویل» یا وای بر کسانی که نماز می‌خوانند لکن در نماز متذکر و به یاد خدا نمی‌باشند و خدا را فراموش می‌کنند یعنی برای فرمان برداری و ستایش حق تعالی نماز نمی‌خوانند بلکه از روی نفاق یا ریا یا عادت یا غیر آن، که اغلب عوام نماز آن‌ها از روی عادت است اصلاً نمی‌دانند: نماز چیست؟ و برای کی می‌خوانند؟ و در نماز چه می‌گویند و رکوع و سجود برای تعظیم کیست؟ که این نحو نمازها فقط در ظاهر، نماز می‌نماید لکن چون غافلند آن نمازی که مطلوب شارع است که تذکر و به یاد حق بودن باشد از آن‌ها ناشی نگشته.»<sup>۲</sup>

#### نتیجه

با توجه به تفاسیر نامبرده این است که «ساهون» که همان سهل‌انگاران در نماز هستند و به کسانی اطلاق می‌شود که شامل یکی از این مصادیق باشند؛ ۱. نماز را ترک می‌کنند. ۲. آن‌را سبک می‌شمارند یعنی از روی بی‌اعتنائی، بی‌اهمیتی و دریند نبودن، نماز می‌خوانند. ۳. نماز را از اول وقتش به تأخیر می‌اندازند. ۴. به جهت ریا برای مردم نماز می‌خوانند. ۵. روز قیامت را تکذیب می‌کنند. ۶. نماز را ضایع می‌کنند. هر کدام از این شش مورد مصداق بارز

۱. سوره طه، ۲۰، آیه ۱۲۳. و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم.  
 ۲. مخزن‌العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱۵، ص ۳۰۳.

سهل‌انگاری در نماز می‌باشد. از نگاه مفسرین قرآن، آن کسی که تارک نماز است، با آن کسی که نماز را سبک می‌شمارد یعنی نماز گاهی می‌خواند و گاهی نمی‌خواند در یک ردیف محسوب می‌شوند و آن ردیف منافقان است. شاید آن کسی که اصلاً نماز نمی‌خواند شرح حالش نسبت به کسی که نماز می‌خواند ولی از روی ریا نه برای خداوند متعال بلکه برای دیگران، بهتر باشد. زیرا آن کسی که اهل نماز نیست بعد از مدتی با اعمال خود، خودش را معرفی می‌کند ولی آن کسی که در جلوی من و شما، اهل نماز خودش را نشان می‌دهد ولی در حقیقت این‌گونه نیست به مراتب خطرش بیشتر می‌باشد. و این اعمال زمانی از انسان سر می‌زند که ذهنش نسبت به معاد بیگانه باشد، به‌طوری که یا آن‌را تکذیب می‌کند و یا نسبت به آن آگاهی سطحی و خامی دارد و این ضعف اعتقادی باعث فراموشی همان حداقل آگاهی می‌شود و حاصل آن آلوده شدن به گناه و ضایع کردن نماز است، همان نمازی که پادزهر گناهان انسان‌هاست.



## فصل دوم:

### سبک شمردن نماز

استاد مطهری در کتاب «آزادی معنوی» می‌نویسد:

«یکی از گناهان، استخفاف نماز یعنی سبک شمردن نماز است. نماز  
نخواندن یک گناه بزرگ است و نماز خواندن اما نماز را خفیف شمردن،  
استخفاف کردن، بی‌اهمیت تلقی کردن گناه دیگری است.»<sup>۱</sup>

پاره‌ای از مصادیق و مظاهر سبک شمردن نماز در جامعه به شرح ذیل است:

۱. چه بسا انسان برای امور عادی و روزمره و نیازهای مادی خود و دیگران  
ساعت‌ها وقت صرف می‌کنند اما برای نماز که نیاز روحی بشر است چنین  
اهمیتی قائل نیست.

۲. بسیاری از انسان‌ها در سفرها به نماز، اهمیت مناسب نمی‌دهند و حتی  
مشاهده شده زمانی که به رانندگان وسائل عمومی برای اقامه نماز تذکر داده  
می‌شود تا در مکان مناسب برای انجام این فریضه الهی توقف کنند، متأسفانه  
با بی‌توجهی آن‌ها مواجه می‌شویم.

۳. ترک نماز در پاره‌ای اوقات، مثلاً صبح‌ها به دلیل غلبه خواب‌آلودگی و مانند آن.

---

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، آزادی معنوی، ج ۲۳، ص ۵۰۹.

۴. تأخیر نماز از اول وقت، به دلیل اشتغال و یا به هر دلیل دیگر (غیر حالت اضطرار).
۵. اهمیت ندادن به یادگیری احکام نماز.
۶. رعایت نکردن آداب نماز، به طوری که رکوع، سجود، قرائت و ذکر در آن کامل نباشد.
۷. فراهم نکردن زمینه‌ی حضور قلب در نماز مانند آن که بدون مقدمه (با ترک اذان، اقامه و برخی از دعاهای مستحب پیش از نماز) وارد نماز شود.
۸. بدون تعقیبات (تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سجده شکر، دعا و طلب حاجت از خدا) از حال عبادت خارج شدن.
۹. با لباس غیر نظیف نماز خواندن.
۱۰. در محیط آلوده نماز خواندن.
- ارزش‌گذاری به نماز، نشانه ایمان به خدا و شناختن الطاف کریمانه او است. و بی‌اعتنایی به آن، به دلیل ضعف عشق و علاقه به معنویات و درک ناچیز از قدرت او است.

#### آیات و روایات در مورد سبک شمردن نماز

بنابر آیه ۲۳۸ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ» برای رسیدن به درجات عالی‌ه کمال الهی، باید از نماز محافظت کرد. به گونه‌ای که با آمادگی کامل، منتظر وقت نماز باشد و نماز را در اول وقت آن به جا آورد و در نماز توجه قلبی و خشوع داشته باشد، فکر و ذهن او متوجه خالق خود باشد و از سبک شمردن نماز بپرهیزد بدین معنا که نماز را جز در موارد اضطراری، از اول وقت آن تأخیر نیندازد، نماز را به جماعت و در مسجد

بخواند، بدون مقدمه وارد نماز نشود و بدون تعقیبات از آن خارج نگردد تا دچار نفرین نماز نشود که این بدترین هلاکت می باشد. روایتی از امام محمد باقر علیه السلام بیان شده است که می فرمایند: انجام تعقیبات و نوافل نماز باعث ازبین رفتن سهو در نماز می شود و همچنین در ادامه می فرمایند:

«هرکسی بدون دلیل از اقامه نماز اول وقت دوری کند آن نماز به سوی صاحب خود برمی گردد و می گوید تو من را ضایع کردی پس خدا تو را ضایع کند»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ...: وقتی بنده ای نماز خود را با عجله و شتاب به پایان می برد و آن را کوتاه می کند خدا به ملائکه می فرماید: آیا نمی بینید بنده ای من چگونه نماز خود را کوتاه می کند گویا می پندارد که بر آوردن حوائجش به دست غیر من است (که این گونه عجله می کند.) آیا نمی داند بر آوردن حوائجش به دست من

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ح ۴، ص ۲۶۸. جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ كُلُّ سَهْوٍ فِي الصَّلَاةِ يُطْرَحُ مِنْهَا غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُتِمُّ بِالنَّوْافِلِ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سَوَاهَا إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ بَيِّضَاءُ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ وَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ ضَيَعْتَنِي ضَيَعَكَ اللَّهُ.

است.»<sup>۱</sup>

پس از شهادت امام صادق علیه السلام ابوبصیر برای عرض تسلیت نزد ام‌حمیده<sup>۲</sup> آمدند. ام‌حمیده در حال گریستن بود، ابوبصیر هم که کور بود منقلب شد و گریست بعد از لحظاتی ام‌حمیده به ابوبصیر گفت:

«ابوبصیر! نبودی و لحظه‌ی آخر امام را ندیدی؛ جریان عجیبی رخ داد. امام در یک حالی فرو رفت که تقریباً حال بیهوشی بود. بعد چشم‌هایش را باز کرد و فرمود: تمام خویشان نزدیک مرا بگویند بیایند بالای سر من حاضر شوند. ما امر امام را اطاعت و همه را دعوت کردیم. وقتی همه جمع شدند، امام در همان حالات که لحظات آخر عمرش را طی می‌کرد یک‌مرتبه چشمش را باز کرد، رو کرد به جمعیت و همین یک جمله را گفت: هرگز شفاعت ما به مردمی که نماز را سبک بشمارند نخواهد رسید.»<sup>۳</sup>

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام آمده است:

۱. *الکافی* (ط - الإسلامية)، ج ۳، ح ۱۰، ص ۲۶۹. إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ أَمَا تَرَوْنَ إِلَيَّ عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنْ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِ غَيْرِي أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِي.

۲. ام‌حمیده علیها السلام همسر امام صادق علیه السلام بود.

۳. *بحار الأنوار* (ط - بیروت)، ج ۸۰، ص ۱۹، ح ۳۱، باب ۶ الحث علی المحافظة علی الصلوات و أدائها فی أوقاتها و ذم إضاعتها و الاستهانة بها... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مَا جِيلُوهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي سُمَيْبَةَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ الْمَيْمُونِيِّ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أَعَزَّيْهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَبَكَتْ وَ بَكَتْ لِبُكَائِهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا بَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا فَفَتَحَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ اجْمَعُوا لِي كُلَّ مَنْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَرَابَةٌ قَالَتْ فَلَمْ تَتْرُكْ أَحَدًا إِلَّا جَمَعْنَاهُ قَالَتْ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ.

«نماز را سبک مشمار که همانا پیامبر ﷺ هنگام رحلتش فرمود:  
هر کس نماز را سبک بشمارد از من نیست.»<sup>۱</sup>

### نتیجه

کسی که نمازش را سبک می‌شمارد، اولین مطلبی که به ذهن متبادر می‌شود این است که فرد در الفبای توحیدی خود دچار نقصان فراوانی است. زیرا اگر قدری در نعمت‌هایی که خداوند متعال به او عنایت کرده تفکر کند، هیچ وقت به خود چنین اجازه‌ای نمی‌دهد بلکه تمام اجزای بدن او همانند روحش فانی ذکر خدا می‌شود، چرا که هر چه کند ناتوان از شکر پروردگار خود می‌باشد و علاوه بر این اگر ما بدانیم لحظه‌ای فرا خواهد رسید که در مقابل خالق هستی باید به کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین اعمال خود پاسخ‌گو باشیم، به حساب خود دقیق‌تر از گذشته می‌پردازیم. مهم‌ترین مطلب این است که هرآنچه در این عالم بکاریم در آن دنیا درو می‌کنیم. همان‌گونه که در این دنیا، کشاورز یک بذر اصلاح شده را می‌کارد و بعد از مدتی محصولاتش چند برابر می‌شود، دنیا هم برای آخرت همه‌ی ما این‌گونه است.

---

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ح ۷، ص ۲۶۹. لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ، فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ.

## فصل سوم: تحقیر کردن نماز

«استهزاء از ریشه «هزاء» و در لغت به معنای طلب تحقیر است، با هر وسیله‌ای که صورت گیرد»<sup>۱</sup> و در اصطلاح عبارت است از «مسخره کردن افراد یا برخی امور با گفتار، یا کردار مانند اشاره با چشم و دیگر اعضای بدن که این عمل بیشتر به قصد تحقیر و توهین به دیگران صورت می‌گیرد و گاهی نیز با اهدافی دیگر مانند فراهم کردن زمینه‌ی خوشحالی خود و دیگران، تقویت روحیه‌ی خود و تضعیف روحیه رقیب، جبران کمبود شخصیت، ارضای روحیه‌ی دیگر آزاری و ... انجام می‌پذیرد.»<sup>۲</sup>

### آیات و روایات در مورد تحقیر کردن نماز

«قرآن کریم، استهزای نماز و بازیچه دانستن آن از سوی برخی اهل کتاب و کافران صدر اسلام را ناشی از ترک اندیشه و تعقل می‌داند.»<sup>۳</sup> در تفسیر

۱. التحقیق، ج ۱۱، ص ۲۵۶.

۲. معراج السعاده، ص ۵۳۳.

۳. سوره مائده: ۵، آیه ۵۸: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ».

نمونه در مورد شأن نزول آیه‌ی فوق آمده است: «که جمعی از یهود و بعضی از نصاری، صدای مؤذن را که می‌شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می‌دیدند، شروع به مسخره و استهزای آنان می‌کردند قرآن مسلمانان را از طرح دوستی با این‌گونه افراد بر حذر داشت.»<sup>۱</sup>

پیام‌های این آیات برگرفته از تفسیر نور:<sup>۲</sup>

۱. «از رابطه و دوستی با کسانی که اذان (و شعائر دینی) را مسخره می‌کنند

بپرهیزید «لَا تَتَّخِذُوا...»

۲. در این آیه استهزای نماز و در آیه قبل «اتَّخِذُوا دِينَكُمْ هِزْؤًا...»، استهزای

دین مطرح شد و از این دو آیه این‌گونه برداشت می‌شود، نماز سیمای دین است.

۳. شیوه‌ی عاقلان، برخورد منطقی است ولی بی‌خردان، اهل استهزا

هستند. «ذَلِكُ بَأْتَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ».

در ذیل، روایاتی از امام جعفر صادق عليه السلام آورده شده است که بیان می‌کند

چه اموری موجب تحقیر حقیقت و اصل نماز می‌شود؛ «امام جعفر صادق عليه السلام

از قول پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرمایند:

«کسی که همسایه مسجد می‌باشد نمازی برای او نیست مگر در مسجد»<sup>۳</sup>

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۳۶.

۲. تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۱۵.

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۰، ح ۴۷، باب ۸ فضل المساجد و أحكامها و آدابها... ص ۳۷۹. رُوِيَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام عَنْ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ فَقِيلَ وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ.

از این روایت این‌گونه برداشت می‌شود که اگر همسایه مسجد نمازش را در مسجد اقامه نکند در حالی که عذری نداشته باشد، نماز او کامل نیست. از این روایت اهمیت اقامه نماز در مسجد فهمیده می‌شود.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

«دِه مکان است که در آن‌ها نماز خوانده نمی‌شود: گِل، آب، حمام، گورستان، راهی که در آن رفت‌وآمد می‌شود، لانه مورچگان، جای باش شتران، راه آب، شوره‌زار و یخ و برف.»<sup>۱</sup>

برداشتی که از این روایت می‌شود این است که انسان وقتی که می‌خواهد شخصیت مهمی را دعوت کند طبیعتاً مکان و زمان مناسبی را برای او برنامه ریزی می‌کند تا بتواند حداکثر استفاده را از او ببرد زیرا در غیر این صورت این رفتار نامناسب مدعو باعث تحقیر مهمان می‌شود. حال وقتی ما می‌خواهیم با خالق خود ارتباط برقرار کنیم، اگر در مکان و یا زمان مناسب این اتفاق صورت نگیرد، علاوه بر اینکه نماز یعنی گفتگو با خالق، مورد تحقیر قرار گرفته، برای خودمان قطعاً نتیجه مناسبی رخ نمی‌دهد زیرا اولین شرط برقراری ارتباط یعنی آرامش خاطر برای ما حاصل نیست و در این روایت مصادیقی که بیان شده است بیان‌کننده همین مطلب است.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

در اتاقی که در آن شراب یا مست‌کننده دیگری هست، نماز نخوان؛ زیرا

۱. الخصال، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، ح ۱۵، ص ۲۰۲.



فرشتگان داخل آن نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

این روایت هم بیان‌کننده این است که نگاه‌داری از اشیاء حرام دارای آثار وضعی مربوط به خود می‌باشد، مورد بیان شده شراب، دور‌کننده فرشتگان از آن مکان است، زیرا ابزارگناه، محیط پیرامون خود را آلوده می‌کند و فرشتگان در محیط آلوده وارد نمی‌شوند و کسی که با علم به وجود شراب در اتاق نماز بخواند، نماز را تحقیر نموده و سبک شمرده است.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است:

«خداوند جز نیکو را نمی‌پذیرد، پس چگونه آن عملی را که مورد استخفاف واقع گردیده، بپذیرد»<sup>۲</sup>

به واقع نمازی که با سهل‌انگاری و تحقیر خوانده می‌شود مورد قبول خداوند متعال قرار نمی‌گیرد. از آیات و روایات مطرح شده فهمیده می‌شود که نماز در درگاه الهی بسیار جایگاه بالایی دارد و هر کسی با رفتار و گفتار خود آن را تحقیر کند، گویی که خداوند متعال را تحقیر کرده است زیرا که نماز برای بنده، ابزاری است تا به وسیله آن بتواند نور الهی را بر قلب و ذهنش بدرخشاند.

---

۱. لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۳، ص ۳۱۳. و لا يجوز الصلاة في بيت فيه خمر محصور في اية.

۲. الكافي (ط - دارالحدیث)، ج ۶، ص ۲۱، ۲ - باب من حافظ علی صلاته أو ضيعها... ص ۱۵. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «وَاللَّهِ، إِنَّهُ لَيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً، فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا؟ وَاللَّهِ، إِنَّكُمْ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جِيرَانِكُمْ وَ أَصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يُصَلِّي لِبَعْضِكُمْ مَا قَبَلَهَا مِنْهُ؛ لَأَسْتَخْفَاهُ بِهَا؛ إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ، فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُسْتَخْفَى بِهِ؟!»

## فصل چهارم: تباه و ضایع کردن نماز

واژه ضایع در لغت نامه دهخدا، معین و عمید به معنای ۱. تباه و تلف ۲. بی‌فایده و بی‌ثمر ۳. مهمل و بیکار بیان شده است<sup>۱</sup>. معنای این واژه در «تاج‌العروس» به معنای نابود شدن، از بین رفتن<sup>۲</sup> و در اصطلاح عامیانه به معنای این است که آدمی به علت سهیل‌انگاری در افعالش و عدم آگاهی لازم نسبت به آن کاری که انجام می‌دهد، عملکردش دچار کاستی‌هایی شود که در حقیقت، آن فعل را ضایع کرده است<sup>۳</sup>.

به این ترتیب ضایع کردن یک عمل یعنی آن‌را به نحوی انجام دهی که نتیجه و اثر واقعی آن ظاهر نشود به طوری که بود و نبودش و انجام دادن و ندادنش، مساوی باشد.

حال باید دید چگونه نماز ضایع می‌شود؟ آیا تنها ترک نماز، ضایع ساختن نماز است یا معانی دیگری هم برای آن قابل تصور است؟ یکی از راه‌های

۱. <http://www.vajehyab.com>. واژه‌یاب.

۲. تاج‌العروس، ج ۱۱، ص ۳۱۴.

۳. <http://www.vajehyab.com>. واژه‌یاب.

شناخت «اضاعه» یعنی ضایع کردن، شناخت معنای ضد آن است چون همیشه در قرآن، نماز با اقامه آمده است یعنی بر پا داشتن نماز است به‌نظر می‌رسد اضاعه، ضد اقامه باشد و اقامه یعنی سرپاداشتن و برافراشتن است مانند برافراشتن ستون و پرچم و...

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر آیه ۵۹ سوره مریم فرموده است:

«اضاعه مال، یعنی تباه کردن مال با سوء تدبیر و صرف مال در راهی که شایسته صرف کردن نیست و در نتیجه به تباه شدن مال می‌انجامد»<sup>۱</sup>.

نتیجه اینکه؛ منظور از اضاعه نماز؛ تباه کردن، سهل‌انگاری، خوار شمردن، به بازی گرفتن، ایجاد تغییر و ترک نماز توسط شخصی که پذیرای دین اسلام است می‌باشد.

### آیات و روایات در مورد تباه و ضایع کردن نماز

قرآن کریم در آیات گوناگون از تباه کردن نماز بیم داده است.

خداوند در سوره مریم آیه ۵۹ خطابش به کسانی است که نماز را ضایع می‌کنند زیرا ضایع کردن نماز از ترک نماز بدتر است چون ضایع کردن نماز یعنی تبدیل آن به چیزی که عاری از محتوی و حقیقت و خشوع است. در ادامه خداوند می‌فرماید:

«اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند و بزودی (مجازات) گمراهی خود را

---

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۱۰۴.

خواهند دید».<sup>۱</sup>

این آیه، ابتدا ضایع شدن نماز و سپس در دام شهوات قرار گرفتن را مطرح کرده است. چون نماز ریسمان ارتباط با خداست، همین‌که پاره شد، افتادن در وادی تباهی حتمی است، هم‌چون گسستن بند تسبیح، که همه دانه‌ها در اثر آن پخش و گم می‌شوند. نماز، سدّی است میان انسان و شهوت‌ها و اگر این سدّ شکسته شود، پیروی از شهوت‌ها برای انسان آسان می‌گردد. کیفر ضایع کردن نماز، سردرگمی است.<sup>۲</sup>

در تفسیر نمونه آمده است: «در حدیثی که در بسیاری از کتب دانشمندان اهل سنت آمده، چنین می‌خوانیم پیامبر هنگام تلاوت آیه؛ «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ...» فرمودند:

«یکون خلف من بعد ستین سنة... بعد از شصت سال، افرادی به روی کار می‌آیند که نماز را ضایع می‌کنند و در شهوات غوطه‌ور می‌شوند و به زودی نتیجه گمراهی خود را خواهند دید و بعد از آن‌ها گروه دیگری روی کار می‌آیند که قرآن را (با آب و تاب) می‌خوانند ولی از شانه‌های آن‌ها بالاتر نمی‌رود (چون نه از روی اخلاص است و نه برای تدبیر و اندیشه به خاطر عمل، بلکه از روی ریا و تظاهر است و یا قناعت کردن به الفاظ و به همین دلیل اعمال آن‌ها به مقام قرب خدا بالا نمی‌رود) قابل توجه این که اگر مبدأ شصت سال را هجرت پیامبر ﷺ بگیریم درست منطبق بر زمانی می‌شود که یزید بر اریکه قدرت نشست و سالار

۱. سوره مریم، ۱۹، آیه ۵۹؛ «ترجمه مکارم، فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا».

۲. تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۸۸.

شهیدان امام حسین علیه السلام و یارانش شربت شهادت نوشیدند و بعد از این، باقیمانده دوران بنی امیه و دوران بنی عباس است که از اسلام به نامی قناعت کرده بودند و از قرآن به الفاظی و پناه می‌بریم به خدا که ما جزء چنین گروه ناخلفی باشیم.»<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«نمازتان را ضایع نکنید؛ به درستی که هر کس نمازش را ضایع کند خداوند او را با قارون و فرعون و هامان (که لعنت و ننگ الهی بر آنها باد) محشور نماید و واجب است بر خداوند که داخل کند او را با منافقین. پس وای بر کسی که بر نمازش محافظت ننماید.»<sup>۲</sup>

از امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«همواره شیطان از بنی آدم گریزان است مادامی که بر نمازهای پنج‌گانه محافظت می‌نماید اما هنگامی که آنها را ضایع نماید بر او جرأت پیدا کرده و او را دچار گرفتاری‌های بزرگ می‌کند.»<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

---

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳ ص ۱۰۳. یکون خلف من بعد ستین سنة اضعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا ثم یکون خلف یقرءون القرآن لا یعدوا تراقیهم، و یقرأ القرآن ثلاثة مؤمن و منافق و فاجر.

۲. جامع‌الأخبار (للشعیری)، ص ۷۴، الفصل الرابع و الثلاثون فی تارک الصلاة. لا تضعوا صلاتکم فان من ضیع صلاته حشره الله مع قارون و فرعون و هامان و لعنهم الله و اخزاهم و کان حقا علی اللہان یدخله النار مع المنافقین فالویل لمن لم یحافظ علی صلاته.

۳. کافی (ط - دارالحدیث) ج ۶ ص ۲۰ باب من حافظ علی صلاته أو ضیعها. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعْرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخُمْسِ، فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ، فَأَدْخَلَهُ فِي الْعُظَائِمِ.»

«نماز بر چهار بخش بنا شده است: وضوی شاداب، رکوع، سجده و خشوع. پرسیدند ای رسول خدا خشوع چیست؟ فرمود: «فروتنی در نماز و این که بنده با تمام قلبش متوجه خدا باشد. اگر او رکوع و سجود و بخش‌های نماز را کامل به‌جای آورد، نمازش با درخشندگی به آسمان بالا رود و درهای آسمان به رویش باز شود. چنین نمازی نمازگزار را دعا کند و گوید: همان‌گونه که مرا پاس داشتی، خدایت تو را پاس دارد و فرشتگان نیز گویند درود خدا بر صاحب این نماز. ولی اگر بخش‌های نماز را کامل نکند، نمازش با تیرگی بالا می‌رود و درهای آسمان به رویش بسته می‌گردد، چنین نمازی به نمازگزار گوید: خدا تو را ضایع کند چنان که مرا ضایع کردی و خدا آن‌را به روی صاحبش می‌کوبد.»<sup>۱</sup>

و نیز فرمود:

«کسی که نماز را ضایع کند، نسبت به غیر نماز، تزییع بیشتری خواهد داشت.»<sup>۲</sup>

علی بن ابراهیم از ابن عباس روایت کرده: «گفت در سال حجةالوداع با پیغمبر به حج مشرف شده بودیم رسول اکرم ﷺ پس از اداء اعمال حج حلقه در کعبه را به‌دست مبارک گرفت و متوجه ما شد، فرمود: آیا شما را به علامت‌های آخر

۱. بحارالانوار (ط-بیروت)، ج ۸۱، ص ۲۶۴. باب ۱۶. آداب الصلاة ودعائم الاسلام. ج ۱. ص ۱۵۷ و ۱۵۸. وَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ بُنِيَتْ الصَّلَاةُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَسْهُمٌ سَهْمٌ مِنْهَا إِسْبَاعُ الْوُضُوءِ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الرُّكُوعُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا السُّجُودُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الْخُشُوعُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... .

۲. بحارالانوار (ط - بیروت)، ج ۸۰، ص ۲۴، باب ۶ الحث علی المحافظة علی الصلوات و أدائها فی أوقاتها و ذم إضاعتها و الاستهانة بها... ص ۱. مِنْ ضَيِّعِ الصَّلَاةِ فَهُوَ لِغَيْرِهَا ضَيِّعٌ.

زمان خیر بدهم؟ و نزدیک‌ترین مردم به آن حضرت سلمان بود، عرض کرد: ای رسول خدا ما را خبر دهید. فرمودند: یکی از علائم آخر زمان ضایع کردن نماز و پیروی نمودن از شهوات و میل نمودن به هوای نفس است.<sup>۱</sup>

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«همواره، شیطان از انسان با ایمان، هراسان است تا هنگامی که بر نمازهای پنجگانه مواظبت ورزد. پس هرگاه آن‌ها را تباه کند بر او جرأت می‌یابد و او را در گناهان بزرگ وارد می‌کند».<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«علی بن ابیطالب علیه السلام مردی را دید که در نمازش نوک می‌زند (تند و شتابان خم می‌شود و بر می‌خیزد) پس گفت: چه مدت است این‌گونه نماز می‌خوانی؟ مرد گفت: از فلان زمان. پس حضرت فرمود: مثال تو نزد خداوند مثال نوک زدن کلاغ است. اگر تو مرده بودی بر غیر دین ابوالقاسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌مردی. سپس علی علیه السلام فرمود: دزدترین مردم کسی است، که از نمازش می‌دزدد».<sup>۳</sup>

پیامبر خدا ﷺ

۱. تفسیر التیمی، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲. روضة الواعظین، ترجمه مهدوی دامغانی، ص ۵۱۱، مجلس چهل و یکم در بیان فضایل نماز.

۳. المحاسن، ج ۱، ح ۱۱، ص ۸۲، عقاب من تهاون بالصلاة... ص ۷۹. وَ فِي رِوَايَةٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَبْصَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَ رَجُلًا يَنْقُرُ بِصَلَاتِهِ فَقَالَ مُنْذُكُمْ صَلَّيْتُمْ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا فَقَالَ مَتَلُكَ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ الْغُرَابِ إِذَا مَا نَقَرَ لَوْ مِتَّ مِتَّ عَلَيَّ غَيْرَ مِلَّةِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَسْرَقَ النَّاسِ مَنْ سَرَقَ صَلَاتَهُ.

«کسی که رکوع و سجودش را تمام به جا نمی‌آورد، نمازی ندارد.»<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام:

«فرشته‌ای بر نماز گمارده شده است که کار دیگری غیر از آن ندارد. پس هنگامی که تمام می‌شود آن را می‌گیرد و بالا می‌برد. پس اگر از پذیرفتنی‌ها باشد، پذیرفته می‌شود و اگر از آن‌ها باشد که پذیرفته نمی‌شود، به او گفته می‌شود: آن را به بندهام بازگردان. پس آن را پایین می‌آورد تا به صورتش بزند. سپس می‌گوید: اف بر تو، همواره عمل تو مرا به زحمت می‌اندازد.»<sup>۲</sup>

### نتیجه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»<sup>۳</sup>

از مطالبی که در این فصل جمع‌آوری شد این گونه به نظر می‌رسد انسان‌ها

۱. بحارالأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۱، ح ۵۱، ص ۲۵۳، باب ۱۶ آداب الصلاة... ص ۲۲۶. نوادر الراوندی، بإسناده عن موسى بن جعفر عن أبيه عليه السلام قال قال رسول الله ص لا صلاة لمن لا يتم ركوعها وسجودها.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه غفاری، ص ۵۱۸، کیفر آنکه در خارج وقت نماز بخواند... ص ۵۱۷. المحاسن، ج ۱، ح ۱۱، ص ۸۲، عقاب من تهاون بالصلاة... ص ۷۹ عنه عن البرقي عن صفوان بن يحيى عن هارون بن خارجة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الصلاة وكل بها ملك ليس له عمل غيرها فإذا فرغ منها قبضها ثم صعد بها فإن كانت مما يقبل قبلت وإن كانت مما لا يقبل قيل ردها على عبدي فيأتي بها حتى يضرب بها وجهه ثم يقول أف لك ما يزال لك عمل يعينني.

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۴، باب وجوب محاسبة النفس كل يوم و ملاحظتها و حمد الله على الحسنات و تدارك السيئات... ص ۱۵۲.



اگر به دنبال معیارهایی برای سنجش و حسابرسی خود می‌گردند، کیفیت و چگونگی انجام این فریضه الهی یعنی نماز، معیار خوبی برای سنجش اعمال ما می‌باشد. زیرا انسان‌هایی که غافلند، نمازهای خود را ضایع می‌سازند، در روایت آمده است: «اولین چیزی که از ما سؤال می‌شود نماز است؛ اگر نماز قبول افتد هر چه وابسته به نماز باشد قبول می‌شود، و اگر نماز قبول نشود هر چه وابسته به نماز باشد اگرچه نیکو بوده ردّ می‌کنند.»<sup>۱</sup>

بنابراین ضرورت توجه ما به نماز و پذیرش آن از سوی خداوند متعال از این روایت برداشت می‌شود، به‌راستی که یکی از علائم آخر زمان ضایع کردن نماز و پیروی نمودن از شهوات و میل نمودن به هوای نفس است و شیاطین گام به گام حرکت می‌کنند تا ما را از مسیر حقیقی دور و به لذت‌های زودگذر دنیا مشغول کنند.

---

۱. شرح فارسی شهاب الأخبار، ح ۱۶۷، ص ۷۰.

## فصل پنجم: ترک نماز

قرآن مجید، عامل آرامش را در ذکر و یاد خدا می‌داند: «آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.»<sup>۱</sup> از سوی دیگر غفلت از خدا منشأ ناآرامی دل است. قرآن مجید می‌فرماید: «هر کس از یاد من روی بگرداند، زندگی سختی در پیش خواهد داشت.»<sup>۲</sup>

اگر می‌خواهید به آرامش برسید، باید عامل آرامش که ذکر و یاد خداست، پیدا کنید. چگونه انتظار دارید به آرامش برسید، در حالی که نماز را براساس آیات قرآن و روایات، بهترین وسیله برای شناخت پروردگار و بالاترین ذکر و عامل آرامش است، را ترک می‌کنید؟ ذکر و یاد خدا را در اقامه نماز می‌داند، اگر می‌خواهید به آرامش و اطمینان قلبی برسید، باید مداومت بر نماز داشته باشید. مداومت داشتن یعنی در هیچ شرایطی نماز را ترک نکنید و برای اقامه آن کوشش کنید. به‌راستی در نماز چه اسراری نهفته است که به هیچ مسلمانی اجازه ترک آن صادر نشده بلکه توصیه شده است به اقامه آن، حتی

۱. سوره رعد: ۱۳، آیه ۲۸؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».  
 ۲. سوره طه: ۲۰، آیه ۱۲۴؛ «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا».

اگر شخص مسلمان نابینا و مریض باشد.

### آیات و روایات در مورد ترک نماز

در قرآن کریم آمده است: در قیامت یکی از سؤال‌هایی که بهشتیان از جهنمیان می‌پرسند در خصوص علت جهنمی شدن آن‌ها می‌باشد که آن‌ها جواب می‌دهند ما به خاطر این جهنمی شدیم که نماز نمی‌خواندیم. خداوند متعال این مکالمه را چنین بیان فرمودند:

«آن‌ها (مؤمنان) در باغ‌های بهشتند و سؤال می‌کنند از مجرمان: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»<sup>۱</sup>  
هم‌چنین خدای متعال تصریح نموده است هر کس از یاد الهی رویگردان شود زندگی سختی خواهد داشت و در قیامت کور محسور می‌شود، آن‌جا که می‌فرماید: «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!»<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«هر که نماز را ترک کند و امیدی به پاداش آن نداشته باشد و از کیفر آن نترسد، باکی ندارم که یهودی یا نصرانی یا مجوسی بمیرد.»<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ فرمودند:

۱. سوره مدثر: ۷۴، آیه ۴۰ تا ۴۳، ترجمه مکارم؛ «فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿۴۰﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۱﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿۴۲﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿۴۳﴾».
۲. سوره طه: ۲۰، آیه ۱۲۴، ترجمه مکارم؛ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿۱۲۴﴾».
۳. جامع الأخبار، ص ۷۴، الفصل الرابع و الثلاثون في تارك الصلاة...، مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ لَا يَرْجُو ثَوَابَهَا وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا فَلَا أُبَالِي أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا.

«هر که نماز را سه روز ترک کند، وقتی فوت کند، غسل و کفن نمی‌شود و در قبرستان مسلمانان دفن نمی‌گردد.»<sup>۱</sup>  
 احتمال دارد منظور روایت شامل کسی که منکر نماز باشد و نماز را ترک کند، شود. زیرا ایشان منکر یکی از ضروریات دین شده است و منکر ضروری دین کافر است.

در روایت نبوی ﷺ آمده است که فرمود: «فاصله‌ی بین بنده و کفر جز ترک نماز نیست».<sup>۲</sup>

البته منظور کفر عملی است نه اعتقادی. نماز ستون و اساس دین است. قدرت نمازگزاران از نماز و خداوند است. کسی که نماز می‌خواند در هر نمازی با گفتن: *إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ*<sup>۳</sup>، از خداوند طلب یاری می‌جوید اما بی‌نماز خود را از این یاری محروم می‌نماید و ضعیف می‌ماند. کسی که نماز نمی‌خواند همواره مضطرب و نگران است، زیرا دل انسان تنها با نماز و یاد خدا آرام می‌شود: «و نماز را برای یاد من بپادار!»<sup>۴</sup> و در آیات دیگری از قرآن برای این ذکر و یاد خدا ویژگی‌هایی مطرح نموده است از جمله این که با ذکر و یاد الهی است که دل‌ها آرام می‌گیرد: «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها

۱. همان مدرک. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَإِذَا مَاتَ لَا يُغَسَّلُ وَلَا يُكْفَنُ وَلَا يُدْفَنُ فِي قُبُورِ الْمُسْلِمِينَ.

۲. همان مدرک. لیس بین العبد و بین الکفر الا ترک الصلاة.

۳. سوره حمد: ۱، آیه ۴. پروردگارا فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری

می‌جوییم.

۴. سوره طه: ۲۰، ص ۱۴؛ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».

آرامش می‌یابد»!<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«کسی که بدون دلیل نمازش را رها کند تا این که قضا شود به درستی که اعمالش را باطل کرده است».<sup>۲</sup>

### نتیجه

آنچه که از مضامین آیات و روایات در این فصل نوشته شده فهمیده می‌شود، خداوند متعال نسبت به کسی که تارک نماز است عذاب سختی در نظر گرفته است. حرمت ترک نماز، از انجام بسیاری از اعمال حرام، سنگین‌تر است. چون انسان در ارتکاب بعضی از اعمال حرام، قصد بی‌حرمتی به خدای متعال و دین را ندارد، بلکه جنبه حیوانی انسان بر او غلبه کرده و چه بسا بعد از مبتلا شدن به فعل حرام، به شدت از خدای متعال می‌ترسد و توبه می‌کند. در حالی که رها کردن نماز، متأثر از غلبه شهوات بر انسان نیست، بلکه ناشی از ضعف ایمان و بی‌توجهی به دستور الهی است. البته این کفر تا زمانی که همراه با انکار نماز نباشد، سبب جاری شدن احکام کافر نمی‌شود و تنها در جایی که انکار نماز به شکل انکار ضروری دین باشد، این احکام برای شخص لازم است.

۱. سوره الرعد: ۱۳، ص ۲۸؛ ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾.

۲. جامع الأخبار، ص ۷۳. من ترک صلاته حتی تفوته من غیر عذر فقد حبط عمله.

### نتیجه بخش

با توجه به آیات و روایات فوق که در این بخش بررسی شد مصادیق سهل‌انگاری در نماز عبارتند از: سبک شمردن، تحقیر کردن، تباه کردن و ترک کردن نماز. لذا در هر جایی که انسان دچار غفلت و سهل‌انگاری شد یکی از موارد فوق شامل آن می‌باشد. نماز از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی است که ترک آن از روی عمد، به کفر می‌انجامد و از روی بی‌اعتنایی و مسامحه به فسق می‌رسد و اگر گه‌گاه بخواند، آثار و عواقب سختی در پی خواهد داشت. مسئله‌ای که مطرح است، تفاوت بین ترک نماز و سبک شمردن نماز می‌باشد و ترک نماز غیر از ضایع کردن آن است. از اینرو انسان برای تقرب به خدا باید به نماز خود اهتمام ورزد؛ در غیر این صورت کم‌کم انسان نسبت به نماز بی‌میل شده و آن را به ورطه غفلت می‌کشاند این همان سبک شمردن نماز است که انسان با عواقب خطرناک و زیانبار آن، هم در دنیا و هم در آخرت مواجه می‌شود. همان‌گونه که در آیات و روایات این بخش بیان کردیم، «در روایت نبوی ﷺ آمده است که فرمود فاصله‌ی بین بنده و کفر جز ترک نماز نیست»<sup>۱</sup> و یا در روایت دیگری امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیان شد: دزدترین مردم کسی است، که از نمازش می‌دزدد.<sup>۲</sup> به واقع انسان‌هایی که برای اقامه و یا

۱. جامع الأخبار، ص ۷۴، الفصل الرابع و الثلاثون فی تارک الصلاة. لیس بین العبد و بین الکفر الا ترک الصلاة.

۲. المحاسن، ج ۱، ح ۱۱، ص ۸۲، عقاب من تهاون بالصلاة... ص ۷۹. وَ فِي رِوَايَةٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَبْصَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَ رَجُلًا يَنْقُرُ بِصَلَاتِهِ فَقَالَ مُنْذُكُمْ صَلَّيْتُمْ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا فَقَالَ مَتَلِكٌ عِنْدَ اللَّهِ

خواندن به صورت فرادا کم‌کاری می‌کنند و با بهانه‌های متفاوت پاسخ وجدان خود را می‌دهند نسبت به نماز چه ادراکی دارند؟ به‌راستی هر کسی که حقیقت نماز را درک کند چنان عاشق آن می‌شود که دیگر لحظه‌ای بدون آن ممکن نیست. این حالت قابل توصیف نیست و خود باید تجربه کنیم.

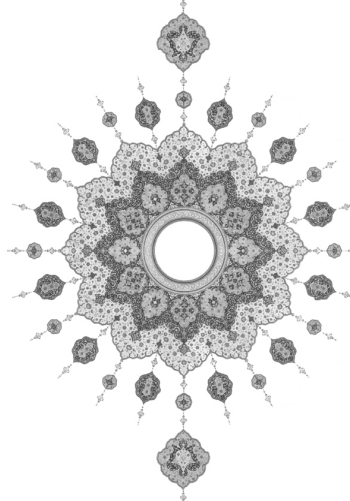
---

...→  
كَمَثَلِ الْغُرَابِ إِذَا مَا نَقَرَ لَوْ مِتَّ مِتَّ عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ  
أَسْرَقَ النَّاسَ مَنْ سَرَقَ صَلَاتَهُ.





بخش دوم:  
عوامل سهل انگاری در نماز





عوامل متفاوتی می‌تواند سبب سهل‌انگاری در نماز شود. انسان از بدو تولد در محیط خانواده قرار می‌گیرد و شخصیت اولیه او در این محیط ساخته می‌شود اما وقتی در مراحل دیگر زندگی دنیایی خود قدم می‌گذارد با اجتماع و دوستان نیز ارتباط برقرار کرده و تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرد. براین اساس هر یک از خانواده، اجتماع و دوستان می‌تواند او را در جهت رسیدن به کمال الهی کمک کند و یا او را از این هدف اصلی باز دارد. بدینسان می‌توان نتیجه گرفت، هر یک از محیط نامناسب، خانواده، اجتماع و دوستان می‌تواند از عوامل مؤثر بر سهل‌انگاری در امر نماز باشد.

البته یکی دیگر از عوامل سهل‌انگاری، خود فرد است. هم‌چنین آگاهی ضعیف فرد نسبت به کیفیت نماز مقبول و معاصی وی، عوامل مهم دیگری در این زمینه است. زیرا این عوامل باعث می‌شود انسان به حقیقت نماز، که قرب الهی است، دست نیابد.

لذا در این بخش عدم معرفت نسبت به نماز، گناه و آثار آن، زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و آثار دوستی با بدان را به عنوان عواملی از سهل‌انگاری در نماز بحث خواهیم کرد.

## فصل اول:

### عدم معرفت نسبت به نماز

در این فصل نداشتن آگاهی و معرفت نسبت به امر نماز را در سه مبحث؛ نداشتن شناخت نسبت به خداوند و بی‌مهری نسبت به او، آشنا نبودن به فلسفه نماز و عبادت و آشنا نبودن انسان‌ها به نیازهای واقعی خود مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### الف. نداشتن شناخت نسبت به خداوند و بی‌مهری نسبت به او

زمانی که شناخت کافی نسبت به کاری نداشته باشیم، آن را بارغبت کم، بلکه بی‌میلی انجام می‌دهیم و طبیعتاً در آن کار پیشرفتی احساس نمی‌شود. حال اگر ما نسبت به فعالیت‌هایی که انجام می‌دهیم شناخت کافی داشته باشیم برای رسیدن به آن تلاش فراوانی می‌کنیم و آن شناخت، انگیزه می‌شود تا با سرعت و اشتیاق کامل فعالیت کنیم. برای مثال می‌توان گفت: یک قهرمان ملی کشور به واسطه انگیزه‌های متفاوت، مخصوصاً خوشحال کردن مردم کشورش، سختی‌های زیادی را از جمله دوری از خانواده، تمرینات طاقت‌فرسا و ... تحمل می‌کند تا به اهدافش برسد ولی اگر کسی شناخت لازم از کاری که انجام می‌دهد را نداشته باشد، در آن سهل‌انگاری و سستی می‌کند. برای مثال،

یک کارمند یا یک کارگر باید در طول روز، هشت ساعت مفید برای آن شرکت یا کارفرما کار کند، حال اگر آن کارمند یا کارگر، شناخت کافی و انگیزه‌ی مناسب نسبت به نتیجه‌ی کاری که انجام می‌دهد را نداشته باشد، نمی‌تواند فرد مفید و مؤثری برای شرکت یا کارفرما باشد. او در صورتی فرد مفید محسوب می‌شود که صادقانه برای رضای خداوند، خدمت به مردم و آسایش و آرامش خانواده خود تلاش کند و روزی حلال کسب نماید.

با بیان این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت اگر کسی در هنگام خواندن نماز بداند برای چه نماز می‌خواند و در واقع شناخت کافی نسبت به این امر داشته باشد با انگیزه بیشتر و سهل‌انگاری کمتر آن را انجام می‌دهد. با توجه به این که هدف اصلی وجوب نماز از سوی خداوند متعال، کسب معرفت و شناخت اوست، رسیدن به این شناخت، می‌تواند انگیزه اصلی هر انسانی باشد زیرا برپا کردن نماز مهمترین ابزار رسیدن به شناخت و معرفت خداوند متعال است. خداوند متعال در سوره‌ی طه می‌فرماید:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>۱</sup> برای یاد من نماز را اقامه کن.

کسی که حبّ دنیا دارد، دچار غفلت بزرگی در زندگی خود شده است و این نشان می‌دهد که فرد، معرفت لازم نسبت به دنیا و خدای خود ندارد و کم‌رنگ شدن انگیزه پرستش خدا به علت معرفت کم او است. شاید کسی که دنیا را دوست دارد و برای بقا در دنیا دست به هر کاری می‌زند نماز هم بخواند ولی در نماز به جای یاد خدا، به دنبال منافع‌های شخصی خود می‌گردد در نتیجه

۱. طه: ۲۰، آیه ۴. نماز را اقامه کنید برای یاد خدا.

لذتی از نماز و ارتباط با خداوند نمی‌برد و با گذشت اندک زمانی در انجام فریضه نماز، سست می‌شود و چه بسا نماز را ترک کند، چرا که آدمی تا زمانی که از فعلی لذت نبرد نسبت به آن حریص نمی‌شود بلکه از آن دوری می‌کند. نماز ذکر خدا است و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و کسی که از ذکر خداوند اعراض کند زندگی نکبت‌باری دارد».<sup>۱</sup> وقتی این آیه‌ی شریفه را با تفکر و تدبّر می‌خوانیم، این سؤال به ذهن می‌رسد که برخی از انسان‌ها اهل نماز نیستند ولی زندگی خوبی دارند. در پاسخ به این سؤال باید «خوب بودن» را تعریف کرد. آیا ثروت فراوان داشتن یعنی زندگی خوب؟ خیلی از ما نسبت به آن چه که در ظاهر می‌بینیم قضاوت‌هایی عجولانه‌ای انجام می‌دهیم در حالی که اگر یک مقدار از باطن زندگی دیگران خبر داشته باشیم حاضر نیستیم یک روز هم به‌جای آن‌ها خود را قرار دهیم. آیا پول زیاد، صفا و آرامش را هم می‌آورد یا خیر؟ این‌گونه افرادی که نماز و یاد خدا را فراموش کرده‌اند، در مشکلاتی که برای آن‌ها پیش می‌آید چقدر به تنهایی و بدون عنایت خدا می‌توانند پیش روند؟ این‌گونه افراد به انسان‌های دیگر چگونه نگاه می‌کنند؟ انسان اهل نماز واقعی روح بسیار لطیفی دارد اما روح این‌گونه انسان‌ها چگونه است؟ این‌گونه انسان‌ها چقدر به سرنوشت خود بعد از این دنیا اعتقاد دارند؟ در جامعه‌ای که به نماز کارآمد یعنی نمازی که مؤثر واقع شود، اهمیت ندهند، در مشکلات فراوانی که برای مردم به‌وجود می‌آید چه عملکردی دارند؟ آمار جرم و جنایت، فحشا، زلزله‌های خانوادگی، ضعف

۱. طه: ۲۰، آیه ۱۲۴. مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا.

اعصاب، سوء ظن داشتن به همدیگر، خیانت، فرار فرزندان از محیط خانواده، استرس‌های ناشی از زندگی دنیایی، آمار خودکشی، بالا بودن آمار طلاق و کم بودن ازدواج و ... در کدام جامعه بیشتر است، در جامعه‌ای که اهل نماز و یاد خدا هستند یا در جامعه‌ای که نماز و یاد خدا در آن نیست؟

طبیعتاً کسی که اهل نماز و یاد خدا باشد، نماز او را از انجام تک تک معاصی نهی می‌کند و وقتی که همه‌ی مردم جامعه، اهل نماز باشند، یا به عبارتی دیگر جامعه‌ی دیندار، یقیناً دچار این مشکلات نیست. زیرا هر آن‌چه که باعث دوری از خدا شود در این جامعه در نطفه از بین می‌رود و اجازه پیدا کردن پر و بال به آن داده نمی‌شود. این اتفاق زمانی به‌وجود می‌آید که همه‌ی مردم آثار واقعی نماز را درک کنند. برای مثال نیروی انتظامی بیان می‌کند که در روز تاسوعا و عاشورا یا شب‌های قدر، آمار جرم و جنایت بسیار پایین می‌آید. سؤال بنده این است، چرا؟ غیر از این نیست که جامعه‌ی امروز ما، این زمان‌ها را باور کرده، به‌سوی خدا روی آورده و به آرامش می‌رسد! این آرامش باعث می‌شود بتوانند بر شیطان و هوای نفس‌شان پیروز شوند.

به‌طور طبیعی، نتیجه‌ی اشک، غم و اندوه است جز اشک ریختن برای خدا که بعد از آن، انسان به آرامش می‌رسد. حال این اتفاق مطلوب چند بار هر سال، در کشور ما رخ می‌دهد و همه‌ی ما حال معنوی که در جامعه تزریق می‌شود را حس کرده‌ایم. اگر نمازهایمان این‌گونه باشد یعنی این‌که در هر وعده از نماز، با خدای خود ارتباط برقرار کنیم آیا امکان دارد شیطان در ما نفوذ کند؟

علت این‌که متأسفانه نمازهایمان رنگ و بوی الهی ندارد آن است که جای میل به خداشناسی در زندگی‌مان را به امیال دیگر داده‌ایم و آن‌ها را تقویت

کرده‌ایم و تا زمانی که این‌گونه باشیم، رشد معنوی برای ما وجود ندارد. پس برای شناخت هرچه بیشتر خدای متعال باید آگاهی و معرفت خود را نسبت به روش‌هایی که ما را به خدا نزدیک می‌کند ارتقا دهیم.

«معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: گرامی‌ترین چیزی که عامل تقرب حضرت احدیت باشد، چیست؟ و محبوب‌ترین آن کدام است؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: بعد از شناخت خداوند چیزی را برتر از نماز نمی‌بینم. آیا نمی‌بینی که بنده صالح، عیسی بن مریم علیها السلام فرمود: خداوند مرا به نماز توصیه نموده است.»<sup>۱</sup>

### ب. آشنا نبودن به فلسفه نماز و عبادت

هر تکلیفی که برای ما انسان‌ها از سوی خداوند متعال صادر می‌شود دارای معنا و فلسفه‌ی خاصی است. همه‌ی تکالیفی که از سوی خداوند متعال بر ما واجب شده است را همانند یک پازل (جورچین) می‌توان تصور کرد. هر تکلیف شرعی مانند یک قطعه از پازل است که با هم ارتباط تنگاتنگی دارند، به گونه‌ای که اگر یکی از تکالیف به‌طور کامل انجام نشود تکلیف بعدی دچار ضعف می‌گردد.

اما سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که چه‌طور می‌شود همه‌ی تکالیف را به‌طور کامل انجام داد؟

در جواب، این‌گونه می‌توان بیان کرد؛ ما فطرتاً به چیزی که برای ما

۱. من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، علی‌اکبر و محمدجواد و بلاغی، صدر، ج ۱، ۳۱۳، باب فضیلت نماز... ص ۳۰۸.



اهمیت دارد توجه داریم و برای رسیدن به آن تلاش بیشتری انجام می‌دهیم. موضوعی که باعث تلاش بیشتر می‌شود، آگاهی از فلسفه آن عمل است. یکی از علت‌های ترک یا سهل انگاری در تکالیف الهی مثل نماز، آشنا نبودن با فلسفه آن است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«انسان‌ها دشمن چیزی هستند که به آن جهل دارند»<sup>۱</sup>.

به واقع اگر ما بدانیم چرا تکالیف الهی همانند نماز وضع شده است و چرا باید نماز بخوانیم و این نماز چه آثار و برکاتی برای زندگی ما در دنیا و آخرت خواهد داشت و اگر در انجام آن سهل انگاری کنیم و یا اصلاً نماز را ترک کنیم چه عواقب خطرناکی برای ما به دنبال خواهد داشت، دیگر در انجام آن سستی نمی‌کنیم.

آگاهی از این مطالب نقش مهمی در تربیت نفوس دارد. چرا که همه‌ی ما به دنبال عبادت و پرستش خدای متعال هستیم. البته بعضی از ما در مصداق، دچار اشتباه شده‌ایم، همان گونه که در تاریخ آمده است؛ انسان‌ها بت را به عنوان خدا می‌پرستیدند و برای برخی امروزه پول، ثروت و مقام، جایگزین خدا شده است و برای رسیدن به این امیال و جایگاه‌های دنیوی تلاش بسیار می‌کنند اما به واقع از مسیر راه هدایت منحرف شده‌اند و علت انحراف را باید در زیربناهای فکری‌شان بررسی کرد.

دشمن این خوراک فکری مسموم را ارائه می‌کند که در ظاهر زیبا و

---

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱، ص ۲۱۹، باب ۶ العلوم التي أمر الناس بتحصيلها و ينفعهم و فيه تفسير الحكمة... ص ۲۰۹. الناس أعداء ما جهلوا.

متفکرانه است و اما در باطن بسیار زشت و به دنبال بی‌هویت کردن ما مسلمان‌ها می‌باشد و احکام و تکالیف ما را به سخره می‌گیرند. این‌ها همه نشانه این است که دشمن با تمام امکانات و ابزار وارد میدان نبرد شده، ما هم باید امروز این‌گونه عمل کنیم که با تمام امکانات و ابزارهایی که در دست داریم نقاب از چهره مزورانه‌ی آن‌ها برداریم و این اتفاق زمانی به‌وجود می‌آید که ما مسلمان‌ها به فلسفه دین و اسلام و تکالیف آن آگاهی داشته باشیم. خداوند متعال برای ما یک ابزار عملی وضع کرده است. به عبارت دیگر خداوند متعال یک وسیله سنجش برای ما قرار داده که با آن می‌توانیم عمل خود را بسنجیم و آن نماز است. وقتی به فلسفه نماز آگاهی پیدا کنیم اگر در دیگر امور سستی داشته باشیم آن سستی‌ها به واسطه نماز حقیقی رفع می‌شود و یا حداقل ضعف‌ها شناسایی و در صدد رفع آن برمی‌آییم. بله، نماز از همه‌ی عبادات دیگر با فضیلت‌تر است و هیچ عملی مثل نماز، بنده را به خدا نزدیک نمی‌کند.

از جابر روایت شده است که گفت: «به رسول خدا ﷺ عرضه داشتند: فلان شخص روزها نماز می‌خواند و شب‌ها سارق مال مردم است، حضرت فرمودند: همانا نمازش او را از آن عمل باز خواهد داشت.»<sup>۱</sup> برداشتی که از روایت می‌شود این است که رسول خدا ﷺ نماز حقیقی را هم‌چون سوهانی می‌داند که به هنگام عمل، یعنی نماز خواندن، این سوهان

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۱۹۸، باب ۱ فضل الصلاة و عقاب تارکها... ص ۱۸۸. وَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّي بِالنَّهَارِ وَيَسْرِقُ بِاللَّيْلِ فَقَالَ إِنَّ صَلَاتَهُ لَتُرَدُّعُهُ.

هر آن چه را که با دین خدا تطابق نمی‌کند از بین می‌برد. روایاتی که در ذیل آمده است قطره‌ای در مقابل دریا بوده و همه مطالب در راستای این است که فلسفه نماز و عبادت را بهتر درک کنیم. و چه منبعی بالاتر از فرمایشات اهل بیت علیهم‌السلام که بعد از قرآن، دستورات و تکالیف الهی را برای ما شرح می‌دهد.

روایاتی از امام جعفر صادق علیه‌السلام آمده است که می‌فرماید:

«چون خواهی نماز بخوانی مانند کسی بخوان که با نماز وداع می‌کند، چنانچه که گویا دیگر پس از آن به نمازی موفق نخواهی شد و چشمت را به جای سجده بدوز، که اگر بدانی چه کسی در چپ و راست تو است خوب نماز خواهی کرد و بدان که تو در برابر کسی ایستاده‌ای که تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی.»<sup>۱</sup>

و همچنین فرمودند:

«برای نماز گزار سه چیز است: چون به نماز ایستد خوبی‌ها از اطراف آسمان بر سرش فرود آید و ملائکه از زمین تا فراز آسمان‌ها پر می‌شوند و ملکی فریاد می‌کند: ای نماز گزار اگر بدانی که با چه کسی مناجات می‌کنی هرگز غفلت نخواهی کرد.»<sup>۲</sup>

و آن حضرت علیه‌السلام همچنین فرمودند:

«هر که دو رکعت نماز گزارد و در نماز حضور قلب داشته باشد و متوجه باشد که چه می‌گوید، از نماز که فارغ شود برای او گناهی نیامرزیده

۱. مکارم/الأخلاق، ترجمه میرباقری، ج ۲، (در فضیلت نماز) ... ص ۷۳ و ۷۴.

۲. همان، ص ۷۴.

نماند.»<sup>۱</sup>

نبی اکرم ﷺ فرمود:

«دو رکعت مختصر با تدبیر بهتر است از یک شب تا صبح نماز خواندن با غفلت و بی‌حضور قلب.»<sup>۲</sup>

نیز حضرت فرمود:

«چون بنده‌ای روی به نماز آورد خداوند نیز به او روی می‌آورد و ملکی بر وی گماشته شود، که قرآن را از دهانش فرا گیرد و اگر در نماز فکرش به غیر خدا متوجه باشد خداوند از او روی می‌گرداند و به آن ملک واگذارش می‌کند و اگر با تمام وجود به خدا توجه کند، خداوند با همه عظمت خود به او روی کند تا نمازش بالا رود و اگر در نماز گرفتار سهو و غفلت گردد و یا فکرش به چیزی متوجه شود آن مقدار از نمازش که با توجه و حضور قلب بوده بالا رود و به دل غافل چیزی عطا نشود.»<sup>۳</sup>

ضمربه‌بن حیب می‌گوید وقتی از اسرار و حکمت‌های نماز از پیامبر ﷺ می‌پرسند با چهره باز بالبداهه بیست و نه راز و رمز وجوب نماز را برای نمازگزار می‌فرماید. حضرت در پاسخ، خواص و فواید دنیوی و اخروی نماز را چنین بیان فرمود:

«الصَّلَاةُ مِنْ شَرَايِعِ الدِّينِ، وَ فِيهَا مَرْضَاتُ الرَّبِّ، وَ هِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ، وَ هَدْيٌ، وَ إِيْمَانٌ وَ نُورٌ الْمَعْرِفَةِ، وَ بَرَكَاتٌ فِي الرِّزْقِ...» نماز از احکام دین است که این

۱. همان مدرک.

۲. همان مدرک، ص ۷۴ و ۷۵.

۳. همان مدرک ص ۷۶.

اسرار را در بر دارد: ۱. رضا و خرسندی پروردگار ۲. راه پیامبران به سوی خدا ۳. محبوبیت نزد فرشتگان ۴. وسیله راهنمایی به حق ۵. سرمایه‌ی ایمان ۶. روشنایی برای شناخت خدا ۷. افزایش روزی ۸. آسایش بدن ۹. ناخرسندی و آزار شیطان ۱۰. سلاح برای نبرد با کافران ۱۱. اجابت دعا و نیایش ۱۲. پذیرش اعمال عبادی ۱۳. توشه‌ی مؤمن از دنیا برای آخرت ۱۴. واسطه میان نمازگزار و فرشته مرگ ۱۵. همدم عالم قبر ۱۶. فرش بستر آرامگاه ۱۷. پاسخ بازجویی نکیر و منکر ۱۸. تاج افتخار بر سر ۱۹. نورانیت چهره ۲۰. پوشاک بدن ۲۱. مانع میان بنده و آتش جهنم ۲۲. پروانه گذر از صراط ۲۳. کلید ورود به بهشت ۲۴. کابین سیه‌چشمان بهشتی ۲۵. بهای بهشت موعود ۲۶. وسیله‌ی عروج به مرتبه‌ی بالای بهشتی است. زیرا نماز ۲۷. تسبیح، ۲۸. تهلیل (لا اله الا الله گفتن)، ۲۹. تمجید، بزرگداشت، تقدیس و تنزیه خدا از عیب و کاستی است و گفتار حق و فراخوانی به‌سوی درستی و خوبی‌ها است.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام نیز در سخنانی درباره حکمت‌های احکام، برجسته‌ترین

۱. الخصال، ج ۲، فی الصلاة تسع و عشرون خصلة... ص ۵۲۲. الصلوة من شرایع الدین، و فیها مراضات الرب، و هی منهاج الانبیاء، و للمصلی حب الملائكة، و هدی، و ایمان و نور المعرفه، و بركة فی الرزق، و راحة للبدن، و كراهة الشیطان، و سلاح علی لكافر، و اجابة للدعا، و قبول للأعمال و زاد المؤمن من الدنیا الى الآخرة، و شفیع بینه و بین الملک الموت، و أنس فی القبر، و فراش تحت جنبه، و جواب لمنكر و نکیر، و تكون صلاة العبد عند المحشر تاجاً علی رأسه، و نوراً علی بدنه، و سترأ بینه، و بین النار، و جوازاً علی الصراط، و مفتاحاً للجنة، و مهوراً للخور العین، و ثمناً للجنة بالصلوة یبلغ العبد الى الدرجة العلی، لان الصلوة تسبیح، و تهلیل، و تمجید، و تكبیر، و تمجید، و تقدیس، و قول و دعوة.

فلسفه‌ی نماز را کبر زُدایی می‌دانند و می‌فرمایند:

«خداوند حکیم نماز را برای پاک‌سازی انسان از بیماری کبر و خود برترینی مقرر فرموده است.»<sup>۱</sup>

هم‌چنین حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌ی گران‌سنگ فدکیه فلسفه‌ی نماز را این‌گونه بیان می‌فرمایند: «فلسفه نماز این است خدا شما را از کبر و خودپسندی پاک می‌کند.»<sup>۲</sup>

به راستی که کبر و خودپسندی انسان‌ها را از عرش به فرش می‌کشانند این صفت از رذایل اخلاقی محسوب می‌شود و بسیار خطرناک است، زیرا خیلی از انسان‌ها و اجنه را به کام خود کشانده است. برای مثال؛ شیطان بعد از مدت‌ها عبادت پروردگار در برابر دستور خداوند متعال که به همه فرشتگانش امر نمود بر حضرت آدم علیه السلام سجده کنید، از فرمان الهی سرپیچی کرد. البته برای این عمل توجیهی شیطانی مطرح کرده است از جمله: من از آتشم و او از خاک، من صدها سال خداوند را عبادت کرده‌ام ولی او خیر و ... و این توجیه‌ها مورد پذیرش خداوند متعال قرار نگرفت و او از درگاه الهی رانده شد. نکته اخلاقی که می‌توان در این‌جا بیان کرد این است؛ بعضی از ما وقتی مغرور می‌شویم همانند شیطان از عمل مغرورانه خود دفاع می‌کنیم و با این کار در توبه را بر روی خود می‌بندیم.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که فلسفه عبادت و پرستش چیست؟

خداوند متعال در آیه ۵۶ سوره ذاریات می‌فرماید:

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ح ۷۸، ص ۱۹۰. وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهَا عَنِ الْكِبْرِ.

۲. همان مدرک.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۱</sup>

انسان برای عبادت خداوند قادر خلق گردیده است. در حدیثی، امام جعفر صادق علیه السلام درباره تفسیر این آیه فرموده‌اند:

«خلقهم للعبادة» انسان برای عبودیت آفریده شده است. راوی می‌گوید: سؤال کردم: آیا گروه خاصی منظور است یا همه مردم؟ امام فرمود: همه‌ی مردم.<sup>۲</sup> اما مهم این است که بدانیم حقیقت عبادت چیست؟ آیا تنها انجام مراسمی مانند رکوع و سجود و قیام و قعود و نماز و روزه منظور است؟ یا حقیقتی ماورای اینهاست؟ هر چند عبادات رسمی نیز همگی واجد اهمیتند. برای یافتن پاسخ این سؤال باید روی واژه «عبد» و «عبودیت» تکیه کرد و به تحلیل آن‌ها پرداخت. «عبد» از نظر لغت عرب «به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست اوست. در برابر او مالک چیزی نیست، و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد.»<sup>۳</sup> و «عبودیت» آن‌گونه که در متون لغت عرب آمده، «اظهار آخرین درجه خضوع در برابر معبود است.»<sup>۴</sup>

«و به همین دلیل تنها کسی می‌تواند معبود باشد که نهایت انعام و اکرام را

---

۱. سوره ذاریات: ۵۱، آیه ۵۶. جن وانس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند.  
۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۴، حدیث ۷. علل الشرائع ابن المتوکل عن السعدآبادی عن البرقی عن الحسن بن فضال عن نعلبة عن جميل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل وما خلقت الجن والإنس إلا ليعبدون قال خلقهم للعبادة قلت خاصة أم عامة قال لا بل عامة.

۳. العین، ج ۲، ص ۴۸.

۴. قاموس القرآن، ج ۴، ص ۲۷۹.

کرده است و او کسی جز خدا نیست. بنابراین عبودیت، اوج تکامل یک انسان و قرب او به خدا است، عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک او است، عبودیت، اطاعت بی قید و شرط و فرمان برداری در تمام زمینه‌هاست و بالاخره عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد، جز در راه او گام بر ندارد، و هر چه غیر او است فراموش کند، حتی خویشتن را! و این هدف نهایی آفرینش بشر بوده که خدا برای وصول به آن میدان آزمایشی فراهم ساخته و علم و آگاهی به انسان داده، و نتیجه نهائیش نیز غرق شدن در اقیانوس رحمت او است.<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«بهترین مردم آن کسی است که به پرستش و نیایش عشق بورزد.»<sup>۲</sup>

«از نظر نهج‌البلاغه، عبادت تنها انجام یک سلسله اعمال خشک و بی‌روح نیست. اعمال بدنی، صورت و پیکره‌ی عبادت است، روح و معنی چیز دیگر است، اعمال بدنی آن‌گاه زنده و جاندار است و شایسته‌ی نام واقعی عبادت است که با آن روح و معنی توأم باشد.»<sup>۳</sup>

«خوب عبادت کردن و از مواهب آن بهره‌مند شدن حساب و قاعده و به اصطلاح مکانیسمی دارد و مربوط است به حسن مدیریت خود، یعنی خود را، احساسات خود را، عواطف خود را، غرایز خود را و بالاخره قلب و دل خود را

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۸۷ و ۳۸۸.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۱۴۸، ۱۷ باب تأکد استحباب حب العبادة و التفرغ لها... أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ.

۳. استاد شهید مطهری، سیری در نهج‌البلاغه، ص ۹۲.



خوب اداره کردن. دل و احساس و عاطفه از هر چیز دیگر بیشتر نیازمند به مدیریت صحیح است.<sup>۱</sup>

از این بحث نتیجه می‌گیریم: وقتی انسان به فلسفه کاری که انجام می‌دهد، آگاهی نداشته باشد با گذر زمان نسبت به آن کار بی‌میل می‌شود به طوری که آن‌را کنار می‌گذارد اما اگر انسان فلسفه کاری را بداند و یقین کند برای او سودمند است، با تمام وجود تلاش می‌کند که آن‌را به دست آورد. برای مثال انسان به یقین رسیده است که داشتن مال سبب رفاه می‌شود به همین دلیل برای به دست آوردن آن تلاش زیادی می‌کند. ما نسبت به نماز و دیگر عبادات باید حسی بالاتر از فعل مادی داشته باشیم.

حضرت رسول ﷺ می‌فرمایند:

«خوشا به حال کسی که به عبادت عشق بورزد، عبادت به صورت معشوقش در بیاید و از صمیم قلب عبادت را دوست داشته باشد و با بدنش به آن بچسبد.»<sup>۲</sup>

در نامه ۴۵ نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «خوشا به حال آن کس که وظیفه واجبش را نسبت به پروردگارش ادا کرده، سختی و مشکلات را تحمل نموده، خواب را در شب کنار گذارده، تا آن‌گاه که [خواب] بر او غلبه کند روی زمین دراز بکشد و دست زیر سر بگذارد و استراحت کند در میان

۱. استاد شهید مطهری، *امدادهای غیبی*، ص ۱۰۵.

۲. *بحار الأنوار* (ط - بیروت) ج ۶۷، ص ۲۵۳، باب ۵۵ العبادة والاختفاء فیها و ذم الشهرة بها... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَتْهَا وَأَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَبَأْسَرِهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أُمَّ عَلَى يُسْرِ.

گروهی باشد که از خوف معاد، چشم‌های‌شان خواب ندارد، پهلوه‌های‌شان برای استراحت در خوابگاهشان قرار نگرفته، همواره لب‌های‌شان به ذکر پروردگار در حرکت است، گناهانشان بر اثر استغفار از بین رفته، آن‌ها حزب‌الله‌اند، آگاه باشید که حزب‌الله رستگارانند.<sup>۱</sup>

### ج. آشنا نبودن انسان‌ها به نیازهای واقعی خود

بعضی از انسان‌ها بیشتر از آن‌چه که دین توصیه شده خود را درگیر کار و تلاش می‌کنند. بعضی دیگر آن قدر می‌خوانند و همیشه هم نالان هستند که به هیچ کار خود نمی‌رسند. اما برخی با اینکه در همین دنیا زندگی می‌کنند و همان ظرفیت‌هایی که برای دیگران است، دارند. به همه‌ی فعالیت‌هایی که دین به آنان توصیه کرده است، می‌رسند. یکی از مهمترین دلیل ضعف کسانی که دچار غفلت می‌شوند و در اجرای برنامه‌های خود عملکرد ضعیفی دارند، آشنا نبودن به نیازهای واقعی خود می‌باشد.

با این مقدمه این سؤالات به ذهن انسان می‌رسد، که نیاز واقعی انسان چیست؟ انسان باید به چه مرحله از زندگی دنیا برسد تا آن نیاز رادرک کند؟ آیا این نیاز مادی است و یا معنوی؟ آیا برای رسیدن به این نیاز باید مقدماتی را بگذرانند؟ ما برای اینکه بتوانیم پاسخ مناسب به این پرسش‌ها بدهیم باید

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵، ترجمه دشتی. طویی لئفس ادت الی ربها فرضها و حرکت بجنیها بوسها، و هجرت فی اللیل غمضا، حتی اذا غلب الکرى علیها افترشت ارضها، و توسدت کفها، فی معشر اسهر عیونهم خوف معادهم، و تجافت عن مضاجعهم جنوبهم، و همهمت بذكر ربهم شفاههم، و تقشعت بطول استغفارهم ذنوبهم، اولئک حزب الله، الا ان حزب الله هم المفلحون؛

نیازهای موجود در انسان را بشناسیم. انسان دو دسته نیاز مهم دارد، دسته اول: نیازهای مادی که هدف آن بقای جسم و نسل بشری باشد؛ همانند نیاز به نفس کشیدن، خوردن، آشامیدن و... و دسته دوم: نیازهای معنوی که هدف آن تکامل بُعد روحانی ماست؛ همانند دوست داشتن، نیاز به راز و نیاز با خداوند متعال و پرستش او و... دین اسلام درصدد تأمین هر دو دسته از نیازها برای همه انسان‌ها در تمامی نسل‌هاست.

رفع نیاز انسان یعنی در حقیقت پاسخ‌گویی مناسب به امیال موجود در انسان‌ها. انسان بر اساس دو میل و گرایش عمل می‌کند از یک طرف مثل فرشتگان تحت تأثیر جاذبه‌ها و کشش‌های ماورای مادی (معنوی) قرار دارد که او را به سمت پرستش و عبادت، کسب علم و دانش و... می‌کشاند و از طرف دیگر انسان همانند دیگر جانداران تحت تأثیر جاذبه‌ها و کشش‌های مادی قرار دارد که او را به سمت غذا، استراحت، آسایش، امور جنسی و... می‌کشاند. وجود این دو نوع گرایش باعث شده است راه انسان از سایر موجودات مادی متفاوت شود.

وقتی که انسان، نیاز به خداوند متعال را از اعماق وجودش حس می‌کند، عاشقانه او را عبادت کرده و همیشه به یاد او است. اما انسانی که یاد خدا در زندگی وی کم‌رنگ است و آگاهی لازم به نیاز اصلی خودش یعنی خداشناسی ندارد میل به پرستش خداوند یگانه در او کم و کمتر می‌شود و غرق در امیال مادی خود می‌گردد. تشخیص نیاز واقعی انسان زمانی امکان‌پذیر است که غرق در امیال مادی خود نشده و همچنین اهل تفکر و اندیشه باشد. تفکر درچه؟ تفکر در نظام آفرینش و ناظم آن، تفکر در چگونگی خلقت آسمان‌ها،

زمین، انسان، حیوانات، دریا، ... و آفریننده آن‌ها. اسلام سعی دارد انسان را به گونه‌ای رشد دهد که تمام فعالیت‌هایش باعث شود او را به هدف نهایی آفرینش که همان «قرب الهی» است نزدیک‌تر کند. از نظر اسلام فقط ارضای نیازهای واقعی است که می‌تواند انسان را به هدف نهایی خلقت نزدیک کند.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می‌فرماید:

«پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین یعنی دین اسلام کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. در آفرینش خدا تغییری نیست. این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»<sup>۱</sup>.

### نتیجه

در این فصل یکی از عوامل سهل‌انگاری در نماز را عدم معرفت نسبت به آن بیان کردیم و برای ریشه‌یابی عامل سهل‌انگاری سه موضوع پیشنهاد شد، الف. نداشتن شناخت نسبت به خداوند و بی‌مهری نسبت به او ب. آشنا نبودن به فلسفه نماز و عبادت ج. آشنا نبودن انسان‌ها به نیازهای واقعی خود، و هر موضوع را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار دادیم. در صورتی که مکلف بتواند تا حد توان، این نقصان معرفتی را با مطالعه و عمل به آن رفع کند دیگر نماز خواندن برایش بی‌مفهوم نیست بلکه آن را غذای روح تلقی می‌کند و برایش جاذبه فراوانی دارد. به واقع انسانی که جاهل است درگیر زرق و برق دنیاست و درک صحیحی نسبت به نماز ندارد و اما انسانی که عالم به اسرار نماز شد

۱. سوره روم: ۳۰، آیه ۳۰؛ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

دیگر آن‌را رها نمی‌کند چرا که به گمشده خود رسیده است. رسول خدا ﷺ هرگاه که وقت نماز فرا می‌رسید، گویا کسی را نمی‌شناخت و حال معنوی خاصی پیدا می‌کرد. در روایتی نقل شده است که حضرت رسول اکرم ﷺ به اباذر فرمودند: «گرسنه از غذا سیر و تشنه از آب، سیراب می‌شود ولی من از نماز، سیر نمی‌شوم».<sup>۱</sup>

«امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از روزهای جنگ صفین و در گیر و دار شدید معرکه جهاد مرتباً به آفتاب نظر داشت و از آن مراقبت می‌نمود تا ببیند، کی از وسط آسمان می‌گذرد تا برای نماز آماده گردد. ابن عباس که حال وی را زیر نظر داشت عرض کرد: یا علی، توجه به زوال آفتاب برای چیست؟ فرمود: «برای به جای آوردن نماز است»؛ عرض کرد آیا این زمان، زمان نماز خواندن است؟ یعنی فعلاً که در حلقه محاصره جنگ قرار گرفته‌ایم، برای پیشرفت جنگ بکوشیم و نه برای نماز!! فرمود: «ای ابن عباس! ما برای چه با دشمن می‌جنگیم؟ مگر نه این است که ما برای اقامه نماز با این‌ها می‌جنگیم».<sup>۲</sup>

به واقع اهل بیت علیهم السلام نسبت به همه چیزها از جمله اقامه‌ی نماز فهم و درک عمیقی داشتند و هنگام نماز عاشقانه خداوند متعال را می‌پرستیدند.

۱. مکارم/الأخلاق، ترجمه میرباقری، ج ۲، ص ۴۵۶، (فصل پنجم) (وصیت رسول اکرم ﷺ به ابی ذر رضی الله عنه) ... ص ۴۴۸.  
 ۲. آینه یقین (ترجمه کشف‌الیقین)، ص ۱۴۸، ح ۱۳۸، مبحث اول در باره عبادت و پرستش اوست ... ص ۱۴۵.

## فصل دوم: گناه کردن

این فصل را در دو قسمت بیان می‌کنیم. در قسمت اول گناه و آلودگی به آن و در قسمت دوم احساس خودنمایی و ریاکاری را به عنوان عوامل سهل‌انگاری در نماز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### الف. گناه و آلودگی به آن

ما همانند چشمه و رود هستیم، کمال چشمه و رود به این است که یک زمانی خود را به دریا و اقیانوس برساند و هر آن‌چه که مانع بشود سعی بر کنار زدن آن می‌کند، چون به خوبی می‌داند ماندن در یک جا و حرکت نکردن، یعنی نرسیدن به مقصود و کمال؛ مرگ رود زمانی است که از حرکت بایستد و تبدیل به آب راکد شود که بعد از مدتی، دیگر قابل شرب نیست بلکه تبدیل به مرداب می‌شود.

اگر به یک رودخانه دقت کنیم، آب هنگام برخورد به مانعی، صبر می‌کند تا با جمع شدن بیشتر پشت مانع و در واقع با انرژی زیاد مانع را از سر راه خود بردارد. شاید رود، تشنه‌ی رسیدن به کمال است و شعور نسبت به این امر به او انرژی بیشتر می‌دهد.

وجه تشابه ما به رود و چشمه همین رسیدن به کمال است. کمال ما زمانی است که به خدا برسیم و هر آنچه مانع رسیدن به این کمال شود را کنار بزنیم. موانع رسیدن به کمال زیاد است، وابستگی به دنیا، مال، مقام، زن، فرزندان و ... می‌تواند مانع راه شود؛ لیکن مانع بزرگی که شاید همه‌ی این موارد، ناشی آن باشد گناه است. بله؛ این گناهان ما است که سبب منفعل شدن و راکد ماندن، بلکه شاید در بعضی از موارد بدتر از راکد ماندن، یعنی تبدیل به مرداب شدن، باشد که آیه‌ای از قرآن به آن اشاره کرده است:

«اولئك كالانعام بل هم اضل»<sup>۱</sup>.

این آیه اشاره به انسان‌های غافلی دارد که از حیوان هم پست‌تر شده‌اند چرا که حیوان از روی غریزه، بدون اندیشه و عقل، اعمالش را انجام می‌دهد در حالی که خداوند نعمتی به نام شعور و عقل به انسان داده ولی او از آن استفاده نکرده و غرق در هوای نفس خود شده است.

گناهان روح انسان را کدر و سنگین می‌کند به گونه‌ای که دیگر از هیچ کاری لذت نمی‌برد مگر به همان لذت‌های زودگذر گناه بسنده کند. شاید بتوان این‌گونه بیان کرد، وقتی انسان‌ها توسط خداوند متعال آفریده شدند، فطرتاً به دنبال موجودی برتر که او را پرستش کنند، آن‌ها به دنبال شناخت خدا و رسیدن به او بودند و عقل هم اثبات می‌کند که این جهان آفرینش با این عظمت و نظمی که دارد بدون خالق و ناظم بی‌نقص ممکن نیست. اما چه شد که با دانستن این مطالب باز هم انسان‌ها اسیر این ویروس مهلک

۱. سوره اعراف: ۷، آیه ۱۱۷۹ آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند [آری] آن‌ها همان غافل‌ماندگانند.

یعنی گناه شده‌اند. اولین بار وقتی یک ویروس مانند ویروس سرماخوردگی وارد بدن می‌شود اولین کاری که انجام می‌دهیم مراجعه به پزشک است. پزشک دستورالعمل‌ها و داروهایی را تجویز می‌کند و از کارهایی ما را برحذر می‌دارد و ما برای رهایی از این ویروس که در بدن ما پخش شده ملزم به عمل کردن به آن‌ها و استفاده به‌موقع از داروهای تجویز شده هستیم و یقین داریم که اگر این‌گونه نباشد سلامتی جسم خود را به‌دست نمی‌آوریم؛ اما برای این ویروس کشنده روح، یعنی گناه، بعضی از ما برنامه‌ای نداریم و نمی‌دانیم بهترین آنتی‌ویروس (وسیله‌ای که این ویروس را از بین می‌برد) عمل کردن به دستورات خداوند متعال که از زبان پیغمبر در قرآن کریم آمده است و مراجعه به مفسرین این کتاب الهی یعنی اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

حال کسی که در اثر گناه، روح خود را سنگین می‌کند یعنی نیرو و توان خود را ضعیف شده می‌بیند و توانایی مقابله با آثار وضعی این گناهان را ندارد و گناه مانع رسیدن او به خدا می‌شود لذا هنگام اقامه نماز نیز نمی‌تواند فکر خود را متمرکز کرده تا نماز او را بالا ببرد. در واقع انسان هرچه به شیطان نزدیک‌تر شود و بیشتر گناه کند از خداوند متعال دورتر می‌شود و بر اثر مرور زمان این دوری باعث سهل‌انگاری در عبادات از جمله نماز می‌شود. حال اولین کمک برای بازسازی انسان گناه‌کار این است که زنگار گناه بر روح خود را با توبه و استغفار پاک کند. بدین منظور همان‌طور که بیان کردیم باید به آنتی‌ویروس گناه مراجعه کند که طبق آیه‌ی قرآن این آنتی‌ویروس کمک گرفتن از نماز و صبر است:



«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»<sup>۱</sup>.

حقیقت نماز، رسیدن به مقام قرب و نزدیکی به خداوند متعال است، برای رسیدن به این مقصد بزرگ تلاش فراوانی لازم است. انسان باید در تمام لحظاتهش مراقب هوای نفس و دشمن قسم خورده خود شیطان باشد. از مسائل مهمی که در همه عبادات به‌ویژه نماز، قطعاً باید مورد توجه قرار گیرد، مسأله قبولی در درگاه حق است، قبولی نماز همان شرط کمال نماز است و اندازه قبولی نماز بستگی به اندازه تأثیر نماز در پاک‌سازی و به‌سازی دارد، قرآن به‌طور کلی می‌فرماید:

قطعاً خداوند آن اعمالی را می‌پذیرد که از افراد پرهیزکار سرزنند.<sup>۲</sup>

یعنی اعمال گناه‌آلود، پذیرفته نمی‌شود. نتیجه این که در همه اعمال و در نماز باید به قبولی و پذیرش آن فکر کنیم، وگرنه سعی ما باطل و بی‌محتوا خواهد شد. به عنوان مثال شخصی هندوانه بزرگ خریداری می‌کند و پول گزافی برای آن می‌دهد، همه هدفش این است که قرمز و شیرین باشد، حال اگر آن را برید و کال درآمد، مورد قبول خود و دیگران واقع نشده و سعی و سرمایه‌اش تلف شده و تازه باید زحمت بکشد تا آن هندوانه سنگین را ببرد و به زباله‌دانی بیاندازد.

۱. سوره بقره: ۲، آیه ۴۵. از شکیبایی و نماز یاری جوئید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان.

۲. سوره مائده، ۵، آیه ۲۷؛ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«نماز را در دو طرف روز و اوایل شب برپا دار، چرا که حسنات، سیئات و آثار آن‌ها را برطرف می‌سازند، این تذکری است برای آن‌ها که اهل تذکرند.»<sup>۱</sup>

در این آیه، انگشت روی یک دستور از مهم‌ترین دستورات اسلامی که در واقع روح ایمان و پایه اسلام است گذارده شده و آن، فرمان به اقامه نماز است و می‌گوید: «نماز را در دو طرف روز و در اوایل شب برپا دار.»<sup>۲</sup> سپس خصوصاً برای اهمیت نماز روزانه و عموماً برای همه عبادات و حسنات چنین می‌گوید: «حسنات، سیئات را از بین می‌برد و این تذکر و یادآوری است برای آن‌ها که توجه دارند.»<sup>۳</sup> آیه فوق همانند قسمتی دیگر از آیات قرآن تأثیر اعمال نیک را در از بین بردن آثار سوء اعمال بد بیان می‌کند.

در سوره نساء آمده:

«اگر از گناهان بزرگ دوری کنید گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم»<sup>۴</sup>

۱. سوره هود: ۱۱، آیه ۱۱۴؛ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّكِّرِينَ».

۲. همان مدرک.

۳. سوره هود: ۱۱، آیه ۱۱۴؛ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّكِّرِينَ».

۴. سوره نساء: ۴، آیه ۳۱؛ «إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكُفَّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ».

و در سوره عنکبوت ذکر شده:

«کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند گناهان آنان را می پوشانیم»<sup>۱</sup>

و به این ترتیب اثر خنثی کننده گناه را در طاعات و اعمال نیک تثبیت می کند.

در روایات متعدد از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام تعبیراتی دیده می شود که از اهمیت فوق العاده نماز در مکتب اسلام پرده برمی دارد. ابوعثمان می گوید: من با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودم، او شاخه خشکی را گرفت و تکان داد تا تمام برگ هایش فرو ریخت، سپس رو به من کرد و گفت سؤال نکردی چرا این کار را کردم. گفتم: بگو ببینم منظورت چه بود؟ گفت: این همان کاری بود که پیامبر ﷺ انجام داد. هنگامی که خدمت ایشان زیر درختی نشسته بودم، سپس پیامبر این سؤال را از من کرد و گفت سلمان نمی پرسی چرا چنین کردم؟ من عرض کردم بفرمایید چرا؟ فرمود: «هنگامی که مسلمان وضو بگیرد و خوب وضو بگیرد، سپس نمازهای پنجگانه را به جا آورد، گناهان او فرو می ریزد، همان گونه که برگ های این شاخه فرو ریخت، سپس همین آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ...» را تلاوت فرمود.»<sup>۲</sup>

۱. سوره عنکبوت: ۲۹، آیه ۷؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ».

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۳۱۹، باب ۵، أوقات الصلوات... إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى الصَّلَاةَ الْخَمْسَ تَحَاتَّتْ خَطَايَاهُ كَمَا تَحَاتَّتْ هَذِهِ الْوَرَقُ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ...».

و نیز از حضرت علی عَلِيٌّ از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود:

«نمازهای پنجگانه برای امت من هم‌چون یک نهر آب جاری است که بر در خانه یکی از شما باشد، آیا گمان می‌کنید اگر آلودگی در تن او باشد و سپس پنج بار در روز در آن نهر غسل کند آیا چیزی از آن بر بدن او خواهد ماند؟ مسلماً نه، به خدا سوگند نمازهای پنجگانه برای امت من اینچنین است.»<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین عَلِيٌّ در خطبه‌ی ۱۹۷ نهج‌البلاغه درباره نماز، زکات و ادای امانت و پس از توصیه و تأکیدهایی درباره نماز، می‌فرماید:

«نماز گناهان را مانند برگ درخت می‌ریزد و گردن‌ها را از ریسمان گناه آزاد می‌سازد، پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز را به چشمه آب گرم که بر در خانه شخص باشد و روزی پنج نوبت خود را در آن شستشو دهد تشبیه فرمود، آیا با چنین شستشوها چیزی از آلودگی بر بدن باقی می‌ماند؟»<sup>۲</sup>

به هر حال جای شک و تردید نیست که هرگاه نماز با شرایطش انجام شود، انسان را از عالم دنیا جدا و در عالم معنویت و روحانیت فرو می‌برد. و در این صورت است که رابطه انسان با خدا چنان محکم می‌شود که آلودگی‌ها و آثار گناه

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۲۲۰، فباب ۱ فضل الصلاة و عقاب تاركها... انما منزلة الصلوات الخمس لامتی کنهر جار علی باب احدکم فما یظن احدکم لو کان فی جسده درن ثم اغتسل فی ذلک النهر خمس مرآت کان یبقی فی جسده درن فکذلک و الله الصلوات الخمس لامتی.

۲. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۰، ح ۸، ۷ باب تحریم إضاعة الصلاة و وجوب المحافظة علیها... ص ۲۷ و نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۷. و انها لتحت الذنوب حت الورق و تطلقها اطلاق الریق و شبهها رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بالحمه تكون علی باب الرجل فهو یغتسل منها فی الیوم و اللیله خمس مرآت فما عسی ان یبقی علیه من الدرین؟

را از دل و جان او شستشو می‌دهد. نماز انسان را در برابر گناه بیمه می‌کند. نماز کامل و مقبول ریسمانی است که ما را به خداوند جهان متصل می‌کند. ممکن است در این جا سؤال شود که از کجا بفهمیم نماز ما قبول شده یا نه؟ پاسخ سؤال این است که هر شخصی باید به تأثیرگذاری نماز در پاک‌سازی خود توجه کند، هر اندازه که تأثیر بگذارد، قبول شده است.

بر همین اساس امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که دوست دارد بداند که نمازش در پیشگاه خداوند قبول شده یا نه، باید بنگرد که آیا نمازش، او را از زشتی‌ها و گناهان بازداشته است؟ به همان مقدار که بازداشته، نمازش قبول می‌شود.»<sup>۱</sup>

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین آمده که فرمود:

«کسی که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد هیچ بهره‌ای از نماز جز دوری از خدا حاصل نکرده است!»<sup>۲</sup>

در حدیث دیگری از همان حضرت چنین آمده است:

«کسی که اطاعت فرمان نماز نکند نمازش نماز نیست و اطاعت نماز آن است که نهی آن را از فحشا و منکر به کار بندد.»<sup>۳</sup>

بازدارندگی از گناه، اثر طبیعی نماز است. خداوند می‌فرماید: «انسان، حریص و کم طاقت آفریده شده، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و

۱. ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۶۵.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۱۹۸، باب ۱ فضل الصلاة و عقاب تارکها... من لم تنهه صلاته عن الفحشاء و المنکر لم یزدد من الله الا بعداً.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۶۱، لا صلوة لمن لم یطع الصلوة، و طاعة الصلوة ان ینتهی عن الفحشاء و المنکر.

هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می‌شود. مگر نمازگزاران، آن‌ها که نماز را مرتباً به جا می‌آورند.<sup>۱</sup> انسان، حریص و کم طاق و خودخواه است، در بدی‌ها بی‌تابی می‌کند و خوبی‌ها را منحصرأً برای خود می‌خواهد؛ مگر نمازگزاران که نمازشان و ارتباطشان با خالق یکتا، آن‌ها را از هر فحشا و منکری باز می‌دارد:

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَأَن‌هَا كَمَا بِرَ نَمَازٍ مَّوَاطِبَتٍ دَارِنَد.»<sup>۲</sup>

نمازگزارانی که نماز را با حفظ ظاهر (آداب، شرایط، ارکان و خصوصیات آن) و حفظ روح (حضور قلب) به‌طور دائم می‌خوانند و این ویژگی‌ها سبب بازدارندگی از گناه دارد.

برداشتی که از این مباحث می‌شود این است که گناه، مهم‌ترین عامل سقوط آدمی به اسفل سافین است. انباشته شدن گناه، قلب انسان را سیاه کرده و از تکالیفی که خداوند متعال به انسان سپرده دور شده است و اما اگر کسی بخواهد توبه کند در هر حالی خداوند توبه او را می‌پذیرد و این جمله از آیه ۵۳ سوره زمر فهمیده می‌شود، در آنجایی که خداوند به پیامبر اسلام می‌فرماید:

«بِگَوِای بِنَدگان مَن كَمَا بِر خَوِیشتن زیاده روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نَأْمِید نشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود

۱. سوره معارج: ۷۰، آیه ۱۹ تا ۲۳؛ «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقٌ هَلُوعًا ﴿۱۹﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿۲۰﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرٌ مَنُوعًا ﴿۲۱﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾»  
 ۲. سوره معارج: ۷۰، آیه ۳۴؛ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»

آمرزنده مهربان است.<sup>۱</sup>

خداوند متعال به کسانی که گناهکار هستند و به نفس خودشان ستم کرده‌اند گناهکار، آثم، مجرم و... خطاب نمی‌کند بلکه می‌فرماید: ای بندگان من که برخویشتن اسراف و زیاده روی کرده‌اید، و ثانیاً استفاده از تعبیر «علی انفسهم» که نشانگر بازگشت آثار این گناهان به خودشان است و ثالثاً تعابیر ناامید نشدن از رحمت خدا و قید «جمعاً» که تأکید بر بخشش همه گناهان آدمی است. همگی دال بر این است که خداوند متعال چقدر همه بندگان به ویژه بندگان گناه کاری که قصد توبه دارند را دوست دارد و لطف خودش را از آن‌ها بر نمی‌دارد.

#### ب. احساس خودنمایی و ریاکاری

ریا در قرآن: «ریا از ماده «رأی» به معنی این است که شخص کاری را به انگیزه جلب توجه مردم انجام دهد<sup>۲</sup> و نیز به معنای تظاهر و نشان دادن به غیر است<sup>۳</sup> و در اصطلاح به معنی این است که انسان کار خوبی انجام دهد و قصدش تظاهر و نشان دادن به مردم باشد نه برای خدا، خواه این کار عبادی باشد مانند نماز و خواه غیر عبادی باشد مانند انفاق».

درباره ریا در عبادت از پیامبر اسلام ﷺ روایت شده است:

۱. سوره زمر: ۳۹، آیه ۵۳؛ «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

۲. ابن فارس؛ معجم مقاییس اللغة، المكتب الاعلام الاسلام، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۲، ص ۴۷۳.

۳. قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، قم، دارالکتب اسلامیه، ششم، ج ۳، ص ۳۰.

«هر کس نماز بخواند و ریا کند شرک ورزیده است.»<sup>۱</sup>

آن‌گاه این آیه را خواند:

«پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام

دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.»<sup>۲</sup>

ریاکاری در نماز از ویژگی‌های منافقان و نشانه‌های نفاق به شمار رفته است:

«منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با

کسالت برمی‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد

نمی‌نمایند.»<sup>۳</sup>

«از رسول خدا ﷺ پرسیدند: فردا (قیامت) عامل نجات چیست؟ فرمودند:

نجات فقط در این است که با خداوند خدعه نکنید تا خداوند هم با شما خدعه

نکند. زیرا بدون شک کسی که با خدا خدعه کند، خدا نیز با او خدعه نموده و

روح ایمان را از او می‌گیرد و اگر بفهمد در حقیقت با خودش خدعه نموده

است. پرسیدند: انسان چگونه با خداوند خدعه می‌کند؟ فرمودند: کاری را که

خداوند عزوجل دستور داده انجام می‌دهد، ولی به‌خاطر غیر خدا. از خدا

بترسید به‌خاطر ریا که قطعاً ریا شرک به خداست. بدون شک ریاکار را در روز

قیامت با چهار اسم صدا می‌زنند: ای کافر! ای فاسد! ای حيله‌گر! ای زیانکار!

۱. *آداب راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز* (ترجمه عدة الداعی)، ج ۱، ص ۱۷۷، اول ریا...  
ص ۱۷۷.

۲. سوره کهف: ۱۸، آیه ۱۱۰؛ «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا».

۳. سوره نساء: ۵، آیه ۱۴۲؛ «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا

إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا».



عملت باطل شد؛ پاداشت از میان رفت و امروز هیچ ثوابی نداری؛ پاداشت را از همان کسانی بخواه که برایشان کار می‌کردی.<sup>۱</sup>

در روزگاری که تظاهر و ریا بر جامعه سیطره افکنده بود و حتی بزرگان جامعه نیز به سوی ظاهرسازی روی آورده بودند، امام حسین علیه السلام شعار قیام برای خدا و به دور از رنگ و ریا سر داد. حتی بعضی از آنان که جزء چهره‌های برجسته بودند و سابقه خوب و درخشانی هم داشتند، مهر سکوت بر لب زدند و برخی حتی امام خویش را نصیحت کردند. برخی هم که دست نشانده شده بودند، داغ تظاهر به جبین زدند و عدم ایجاد شکاف در جامعه را شعاری بر ضد امام علیه السلام قرار دادند؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان علیه السلام نیز این رفتار ریاکارانه آنان را به هنگام دفاع از دین، موجب خواری حق و اهل آن برشمرده بود و فرموده بود:

«حق را خوار کردند و باطل را نیز یاری نمودند.»<sup>۲</sup>

این دورویی که نه به یاری حق می‌شتافتند و نه در جبهه باطل قرار می‌گرفتند و خامت اوضاع را بیشتر می‌کرد، به‌طوری که سبب می‌شد هیچ‌کسی از مردم تکلیف خود را به وضوح نشناسد؛ چه این که مردم از

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه بندرریگی، ۵۴۹، مجازات ریاکار... ص ۵۴۹.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۴، ص ۲۸۶، [الباب الرابع و الثلاثون]، باب فیه ذکر أصحاب النبی صلی الله علیه و آله و أمير المؤمنين علیه السلام الذین کانوا علی الحق و لم یفارقوا أمير المؤمنين علیه السلام و ذکر بعض المخالفین و المنافقین زائدا علی ما آوردنا [ه] فی کتاب أحوال النبی صلی الله علیه و آله و... ص ۲۷۱ خذلوا الحق ولم ینصروا الباطل.

سویی، بزرگان خود را در سکوت می‌دیدند و از سوی دیگر، امام خویش را در تلاطم دفاع از حق و این‌گونه، بزرگان جامعه به خیال خود برای آن‌که دستشان به خون آلوده نشود، معجز ریا به سر کردند تا نه جایگاه خود را در بین مردم از دست بدهند و نه وارد جنگ زمانه شوند. امام حسین علیه السلام نیز در نكوهش این چهره‌های مزور و ریاکار فریاد برآورد:

«شما با دیدن عهدالهی که شکسته می‌شود، فریاد بر نمی‌آورید و با ستمگران نیز به سازش‌کاری می‌پردازید و جایگاه خود را منظور می‌دارید. اگر از حق جدا نمی‌شدید، در سنت اختلاف نمی‌کردید و در راه خدا رنج‌ها را تحمل می‌نمودید، جریان کارها به دست شما بود و ستمگران بر شما مسلط نمی‌شدند؛ ولی شما آن‌ها را بر خود چیره ساختید و کارها را به دست آنان دادید که به شبهات عمل کنند و خواسته‌های خویش را پیش برند»<sup>۱</sup>.

مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی نیز در این زمینه فرموده‌اند:

«اگر کسانی که برای حفظ جانشان راه خدا را ترک می‌کنند، آن‌جا که باید حق را بگویند، نمی‌گویند؛ چون جانشان به خطر می‌افتد یا برای مقامشان یا برای پولشان یا برای محبت به اولادشان، برای محبت به خانواده‌شان، به نزدیکانشان راه خدا را رها می‌کنند. اگر عده این‌ها زیاد بشود، آن وقت واویلا است. آن وقت دیگر حسین بن علی علیه السلام‌ها به مسلخ کربلا خواهند رفت، به قتلگاه کشیده خواهند شد»<sup>۱</sup>.

۱. *تحف العقول ابن شعبه الحرانی*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴، ه. ق، ص ۲۳۸.

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، در تاریخ ۷۵/۳/۲۰. [khamenei.ir](http://khamenei.ir).

آری، همین‌گونه هم شد. بسیاری از این چهره‌های برجسته کوفه بر سجاده ریا و تظاهر خود نشسته بودند که سر عزیز خدا، امام حسین علیه السلام را در چند قدمی شهرشان، کوفه، از بدن جدا نمودند.

«ریا و تظاهر اغلب به‌خاطر احساس حقارت، عدم عزت نفس، غفلت از استعدادهاى بالفعل و بالقوه و طلب زیادتر از حق و هوای نفس پدید می‌آید. ضعف‌ها و زبونی‌ها، کمبودها و نارسایی‌ها، ناداری‌ها و ناتوانی‌ها و بالاخره کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها در زندگی عموم افراد مسائلی هستند که آنان را به احساس کمتری و کوچکی و حقارت وا می‌دارد»<sup>۱</sup>

حال گاهی افراد برای جبران این کمبودها دست به اعمال جبرانی می‌زنند تا اعلام کنند که من چیزی کم ندارم و... اما اغلب این جبران مشکلاتی به بار می‌آورد. فردی که از درون احساس پوچی می‌کند به هر ترفندی چنگ می‌زند تا از آن نجات یابد اما همه بی‌فایده‌اند. او بیش‌تر تلاش می‌کند به دیگران بنمایاند که او چیزی کم ندارد و این خودنمایی و تظاهر را در لباس، گفتار و نوع کلمات، شیوه‌های رفتاری حتی در عبادات نشان می‌دهد. گاهی انسان به‌خاطر کسب منفعت و دفع ضرر، مقابل دیگران تظاهر و خودنمایی و ریا می‌کند. در کارهای خیر لازم به ظاهرسازی دروغین نیست اما برخی برای جلب منفعت و دفع خطر و ضرر از این ترفندها کمک می‌گیرند (یکی از راه‌هایی که دشمن و شیطان از آن برای فریب استفاده می‌کند، همین راه است.)

---

۱. نیازهای جوانان، احمد صادقی اردستانی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۶، ص ۲۳۱.

### نتیجه

با توجه به مطالبی که در این فصل بیان شد نتیجه می‌شود گناه و آلودگی به آن و احساس خودنمایی و ریاکاری، که یکی از مصادیق اعظم گناه است، عامل مهمی در ایجاد سهل‌انگاری در نماز می‌باشد زیرا همان طور که بیان شد نماز سدّی در میان انسان و گناهان است، هنگامی که این سدّ شکسته شد، نتیجه قطعی آن غوطه‌ور شدن در شهوات بوده و به تعبیر دیگر همان‌گونه که پیامبران، ارتقاء مقام خود را از یاد خدا شروع کردند و به هنگامی که آیات خدا بر آن‌ها خوانده می‌شد به خاک می‌افتادند و گریه می‌کردند و اما برخلاف پیامبران، انسان‌های ناخلفی بودند که آغاز سقوط و انحراف‌شان، فراموش کردن یاد خدا بود. لذا وقتی انسان‌ها دچار این معاصی شوند، خودشان را در مسیر سیلاب شهوات و هوای نفس و دوری از خدا قرار داده‌اند.

## فصل سوم: زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی

---

### الف. زمینه‌های فردی

وقتی که انسان متولد می‌شود، در دوران کودکی، تنها از کارهای دیگران تقلید می‌کند و از لحاظ فردی آن چنان قدرت تصمیم‌گیری در امورات زندگی را ندارد و پس از گذراندن این دوران، در دوره نوجوانی که به رشد و بلوغ فکری می‌رسد، سؤالاتی، در مورد کارهایی که خود و حتی دیگران انجام می‌دهند و یا شبهات و تردیدهایی در مسائل اعتقادی در ذهن او تداعی می‌شود. حال این بستگی به خود این شخص دارد، اگر او برای انجام امور خود با تحقیق و پژوهش، پاسخ سؤالاتش را بیابد و نسبت به آن پاسخ قانع شود، چه بسا آن امور را قوی‌تر از گذشته ادامه دهد و در غیر این صورت با گذشت زمان در آن امور سهل‌انگاری کرده و چه بسا در نهایت آن کارها را رها کند. البته در برخی موارد، شخص با تنبلی یا مسامحه‌کاری، دیگر به سراغ پاسخ حقیقی سؤالات خود نمی‌رود و آن امور را ترک می‌کند. یکی از این امور مهم، نماز است. در ذیل، این دو عامل را به‌عنوان زمینه‌های فردی سهل‌انگاری در نماز بررسی می‌کنیم.

### ۱. تن‌پروری و تنبلی

تنبل در لغت‌نامه عمید به معنای تن‌پرور آمده است؛ کسی که مایل به کار نباشد و تن به کار ندهد و کسی که از کار گریزان است.<sup>۱</sup> «در زبان عربی واژه‌ی کسل مترادف با تنبلی می‌باشد. سستی در آن‌چه نباید در آن سستی کرد و لذا مذموم است؛ در قاموس‌القرآن آمده است: «الکَسَلُ التَّأَقُّلُ عَمَّا لَا يَنْبَغِي أَنْ يُتَّاقَلَ عَنْهُ» کسل بفتح کاف و کسر سین و کسلان به معنی سست و بی‌حال است.»<sup>۲</sup>

«در اصطلاح علم اخلاق، به هر نوع بی‌میلی و بی‌رغبتی به کار، تنبلی نمی‌گویند؛ زیرا در برخی از موارد، عامل گریز از کار، ضعف جسمانی و وجود یک بیماری جسمی است و گاهی نیز اهمیت نداشتن یک موضوع خاص در اعتقاد شخصی سبب بی‌رغبتی آن شخص برای انجام آن موضوع است، به طوری که اگر اهمیت موضوعی برایش قطعی شود، با چابکی و نشاط انجامش می‌دهد و همه‌ی جوانب کار را نیز رعایت می‌کند. از این رو در علوم تربیتی به کسی تنبل اطلاق می‌شود که شخص بدون داشتن کوچک‌ترین ضعف جسمانی، مهم‌ترین کارهای خود را به تأخیر انداخته و یا با اکراه و اجبار انجام می‌دهد.»<sup>۳</sup>

در قرآن از کسالت و تنبلی به خصوص در کارهای نیک و در راه عبادت خدا، به زشتی یاد می‌کند و این صفت از ویژگی‌های منافقان برشمرده شده

1. vajehyab.com.

۲. قاموس‌القرآن، ج ۶، ص ۱۱۱.

۳. خرد و سپاه‌او، انتشارات کلینی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۶۹.

است. در دو آیه از آیات قرآن که از واژه‌ی کُسالی در توصیف منافقان استفاده شده، که به این معنا دلالت دارد.

«منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آن‌ها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با تنبلی برمی‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند.»<sup>۱</sup>

«هیچ چیز مانع قبول انفاق‌های آن‌ها نشد، جز این که آن‌ها به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز جز با تنبلی به جا نمی‌آورند و فقط از روی اجبار انفاق می‌کنند.»<sup>۲</sup>

«چون نماز وسیله‌ی پیدایش حالت ارتباط با خداوند متعال و ظهور عبودیت و خضوع در مقابل خداوند متعال است، آن که منافق باشد، چون در باطن کافر و مخالف است و هم طالب ارتباط و توجه نیست، اگر نمازی می‌خواند توأم با تکلف و سستی خواهد بود. افرادی هم که روی عادت نماز می‌خوانند و هیچ‌گونه علاقه و توجهی به حقیقت نماز که اظهار عبودیت و خضوع و خشوع است، ندارند و از نماز جز حرکات آن‌را درک نمی‌کنند و نماز را چون باری بر دوش خود می‌بینند که باید آن‌را بر زمین نهند، در این خصلت مانند منافقان می‌باشند و با سستی برای ادای این فریضه‌ی الهی قیام می‌کنند.»<sup>۳</sup>

۱. سوره نساء: ۵، آیه ۱۴۲؛ «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»

۲. سوره توبه: ۹، آیه ۵۴؛ «وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ»

۳. تفسیر روشن، ج ۶، ص ۲۶۸.

در سخنان ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام نیز از تنبلی به زشتی یاد شده و همواره سفارش این بزرگواران به دوستان و نزدیکان‌شان دوری از این صفت ناپسند بود.

در فرازی از سخنان رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین آمده است:

«علامت تنبل، چهار چیز است: سستی در کار تا سر حد کوتاهی، کوتاهی تا حد تباهی و خرابی کار، تباهی تا حد ملالت (و بی‌نشاطی) و ملالت تا حد گناه و نافرمانی.»<sup>۱</sup>

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«هر که تسلیم سستی و سهل‌انگاری گردد، حق خود و دیگران را تباه سازد.»<sup>۲</sup>

«در کارهای خود بر آدم تنبل تکیه مکن.»<sup>۳</sup>

«هر که کاهلی و سستی ورزد، او را پشیمانی و ندامت فرا گیرد.»<sup>۴</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«درباره معیشت خود تنبلی مکن که در این صورت، بار دوش دیگری و یا کسانت خواهی شد.»<sup>۵</sup>

۱. مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، ج ۱۲، ص ۶۶، ۶۶ باب کراهة الضجر و الكسل... ص ۶۵.

۲. غرر‌الحکم و درر‌الکلم، ص ۶۷۰. من أطاع التَّوَانِي، ضيَع الحقوق و الحياة، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۵۴۱.

۳. الحياة، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۵۳۷.

۴. الحياة، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۵۳۷، حدیث... ص ۵۳۵.

۵. مکاتیب‌الائمة علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۱۴۰، ۲۴ کتابه علیه‌السلام إلی رجل فی النهی عن المماراة و الجدال و الكسل، ص ۱۳۹. وَلَا تَكْسَلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلًّا عَلَى غَيْرِكَ. أَوْ قَالَ: عَلَى أَهْلِكَ.



و در روایت دیگری از امام آمده است:

«کسی که در طهارت و نماز خود کاهل باشد، در آخرت خیری نمی‌بیند و کسی که در اصلاح معاش خود تنبل و کاهل باشد، در دنیا خیری نمی‌بیند.»<sup>۱</sup> از مهم‌ترین عوامل درمان این آفت، تقویت شناخت و معرفت لازم نسبت به آن، مراقبت و خودسازی دائمی در همه امورات می‌باشد، وقتی انسان بداند خیر او در چیست و با خودسازی انگیزه‌های خیر را در خود تقویت کند، انجام کارها راحت می‌شود ضمن این‌که هر عملی سبب توفیق عمل دیگر می‌شود و در اثر تکرار، نورانیتی پیدا می‌کند که حاضر نیست هیچ عمل خیری را از دست بدهد.

برای این‌که انسان استمرار بر عمل داشته باشد باید نشاط در عبادات را رعایت کند. تا وقتی نشاط دارد ادامه دهد و وقتی خسته شد، رها کند. بعضی از اوقات افراط در عمل سبب زدگی و فرار نفس می‌شود.

قلبها اقبال و ادبار دارند، همانا دل‌ها دارای خواهش هستند، گاه به چیزی رو می‌کنند و گاه روی می‌گردانند. پس، هرگاه خواستند و اقبال کردند، آن‌ها را به کار گیریم هرگاه پشت کردند به انجام فرائض بسنده کنیم.

داشتن نشاط در عبادت عاملی است برای استمرار آن، ولی اگر نفس خود را هنگامی که آمادگی ندارد خسته کردیم، زدگی ایجاد می‌شود و ممکن است انجام عبادات معمول هم برای او سخت باشد. استمداد از خدای متعال و ائمه هدی علیهم‌السلام برای توفیق عبادت مؤثر می‌باشد.

---

۱. گزیده کافی، ج ۴، ص ۲۴۶.

## ۲. مسامحه‌کاری

«مسامحه‌کاری در لغت‌نامه دهخدا به معنای سهل‌انگاری و آسان‌شمردگی و تهاون و تغافل آمده است.»<sup>۱</sup> علل مسامحه‌کاری بی‌برنامه بودن و بی‌علاقه بودن این افراد می‌توان نام بُرد و در ذیل به این دو پرداخته شد.

## ۳. بی‌برنامگی

یکی از شایع‌ترین عوامل امروز و فردا کردن، نداشتن برنامه است، برنامه نشان دهنده مسیر انسان در زندگی بوده و تنها معیاری است که برای انجام دادن و ارزیابی امور در دست داریم و نبود آن، نشانه عدم شناخت فرد از خود، انتظارات و اهدافش است، و انسانی که در برنامه روزانه و مادی خود سستی و سهل‌انگاری می‌کند طبعاً در امورات معنوی از جمله اقامه نماز اول وقت هم سستی می‌نماید.

## ۴. بی‌علاقگی

انسان به‌طور طبیعی و فطری به سوی اموری گرایش دارد که برایش جالب است و از امور کسالت‌بار و ناراحت‌کننده می‌گریزد. از این رو کارهایی که به نوعی برایمان خوشایند نیستند در معرض به تعویق افتادن قرار می‌گیرد. بی‌علاقگی و انزجار از کار، یکی از دلایلی است که موجب به تأخیر انداختن کارها می‌شود.

لذا اگر ما درک مناسبی از نماز نداشته باشیم، چنین حالتی برایمان به‌وجود می‌آید.

و در مسامحه‌کاری علت‌های دیگری از جمله کمال‌طلبی، ترس، تنبلی و ... وجود دارد و هر کدام می‌توانند علت سهل‌نگاری باشد، اما آن دو عامل فوق‌علل اصلی می‌باشند؛ فرد مسامحه‌کار قبل از انجام فعلی باید به آن عمل علاقه داشته باشد و بعد برای انجام دادن آن عمل، برنامه‌ریزی دقیق به همراه مشورت با متخصصین عمل مورد نظر و باتوکل برخداوند متعال درصدد انجام آن شوند.

### ب. زمینه‌های خانوادگی

سهل‌انگاری خانواده در امر نماز، سخت‌گیری‌های بی‌مورد برخی خانواده‌ها و اصل اختیاری بودن مسائل دینی از مهم‌ترین زمینه‌های سهل‌انگاری خانواده در امر نماز می‌باشد. لذا هر یک را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱. سهل‌انگاری خانواده در امر نماز

عدم توجه و سهل‌گرفتن نماز، معلول عوامل فراوانی است. ممکن است این امر به دلیل عدم تربیت صحیح و دینی والدین در خانواده باشد، چرا که کودکان از همان ابتدای کودکی، حدود شش یا هفت سالگی باید به نماز خواندن عادت کنند، در غیر این صورت، اگر شخص بزرگ شود و به سن تکلیف برسد و بخواهد به نماز خواندن عادت کند، تا حدود زیادی دشوار خواهد بود. یا امکان دارد که شخص نمازخوان هست، ولی در اثر شبهه‌ای که از ناحیه شیاطین به ذهن او وارد شده، اعتقاداتش خدشه‌دار و نسبت به عبادت خداوند بی‌تفاوت شده است و یا در اثر عدم رعایت حضور قلب از آن لذت نمی‌برد و به همین خاطر آن را عبث و بی‌فایده می‌داند. اما ما معتقدیم که اغلب جوانان، دین باورند و مشکل آنان بیش‌تر از ناحیه غفلت از خدا و نقش

خداوند در زندگی انسان و تنبلی و ندانستن اهمیت موضوع است. مهم‌ترین چیزی که باید به آن توجه نمود مسئله نماز و خانواده می‌باشد. آیا می‌دانیم که ما مسئول نماز خواندن خاندان خودمان، یعنی زن و فرزند خودمان هستیم؟ هر فردی از ما نیز هم مسئول نماز خودش است و هم مسئول نماز خانواده‌اش.

خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است:

«ای پیامبر؛ خاندان خودت را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش.»<sup>۱</sup> قرآن در ستایش حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «او اهل خود را به نماز فرمان می‌داد.»<sup>۲</sup> لقمان هم به فرزندش سفارش نماز می‌کرد: «یا بَنِي اِقِمِ الصَّلَاةَ»<sup>۳</sup> لذا مسئولیت والدین علاوه بر تأمین معاش زندگی و تربیت صحیح مسئول خواندن نماز فرزندان خود هم می‌باشند.

## ۲. سخت‌گیری‌های بی‌مورد خانواده

متأسفانه، بعضی از والدین به دلیل حساسیت نداشتن و اهمیت ندادن به مسائل دینی و بعضی به دلیل سخت‌گیری‌ها، آموزش‌های غلط و ناآشنایی با سیره و روش معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام و روش‌های تربیتی، به گونه‌ای با کودک رفتار می‌کنند که آنان نسبت به مسائل دینی بی‌تفاوت، کم‌رغبت و حتی متنفر می‌شوند.

با کمال تأسف، باید گفت که بعضی از والدین حساسیت و دقتی را که

۱. سوره طه: ۲۰، آیه ۱۳۲: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا».

۲. سوره مریم: ۱۹، آیه ۵۵: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ».

۳. سوره لقمان: ۳۱، آیه ۱۷. ای پسرک من نماز را برپا دار.

درباره‌ی امور دنیوی همچون: تغذیه، لباس، مسائل درسی، کلاس کنکور، معلم خصوصی و... فرزندانشان از خود نشان می‌دهند، نسبت به مسائل معنوی و دینی اظهار نمی‌کنند. به‌راستی، این گروه از والدین مصداق کلام نورانی رسول خدا ﷺ می‌باشند که فرمودند: «وای بر فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان. گفته شد: یا رسول‌الله! منظور شما پدران مشرکند؟ فرمودند: خیر، بلکه پدران مؤمنی که واجبات دینی را به فرزندان خود آموزش نمی‌دهند و اگر آنان خود بخواهند احکام دین را فرا گیرند، ایشان جلوگیری می‌کنند، (و حال آن‌که) اگر کالایی به دست بیاورند، از آنان راضی و خوشحال خواهند شد. من از ایشان بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.»<sup>۱</sup> دین اسلام درباره همه موضوعات مرتبط با کمال آدمی، حرف برای گفتن دارد و آیات و روایات ما بسیار غنی می‌باشند. عبدالله بن فضاله گوید:

«از امام صادق و امام باقر علیهما السلام شنیدم که می‌فرمودند: «هنگامی که پسر سه ساله شود به او گفته می‌شود: بگو لا اله الا الله هفت بار، سپس رها می‌گردد تا سه سال و هفت ماه و بیست روزش کامل گردد. پس به او گفته می‌شود که بگو: محمد رسول خداست، هفت بار، باز رها می‌شود تا چهار سالش کامل گردد، سپس به او گفته می‌شود که هفت بار بگو صلی الله علی محمد و آله (درود خدا بر محمد و خاندان او باد) سپس رها می‌گردد تا پنج سالش کامل گردد پس از آن به او گفته می‌شود: دست راست و چپت کدام است و چون دست راست و چپش را شناخت چهره‌اش را به سوی قبله می‌گردانند و به او گفته می‌شود

۱. منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۶، ص ۸۵۱، باب ۶۲ تعلیم و تربیت فرزند و احترام به او... ص ۸۴۹.

سجده کن. سپس رها می‌شود تا هفت سالتش کامل شود و چون هفت سال او تمام گشت به او گفته می‌شود صورت و دو دستت را بشوی و چون این دو را شست به او گفته می‌شود نماز بخوان سپس رها می‌شود تا نه سالتش کامل گردد و چون نه سالتش تمام شد وضو و نماز به او می‌آموزند و دستور نماز خواندن به او داده می‌شود و چون وضو و نماز را آموخت خداوند او و پدر و مادرش را می‌آمرزد ان شاء الله<sup>۱</sup>.

### ۳. اصل اختیاری بودن مسائل دینی

«انسان به اقتضای داشتن فطرت الهی، موجودی مختار است که کرامتش را با اختیار خود می‌تواند کسب کند. در واقع از دیدگاه اسلام، انسان میل‌ها و جاذبه‌های معنوی دارد، که دیگر موجودات آن را ندارند. انسان قادر است که در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کند و فرمان آن‌ها را اجرا نکند، یا به بعضی از آن‌ها پاسخ گوید و بعضی دیگر را کنترل نماید، یا از آن‌ها در جهتی خاص استفاده کند. این توانایی انسان، به حکم نیروی اراده است که به فرمان عقل عمل می‌کند. این توانایی بزرگ، از مختصات انسان است. اساس این توانایی، آن است که انسان موجودی آزاد، انتخابگر و صاحب اختیار می‌باشد»<sup>۲</sup>.

در دعوت کودکان و نوجوانان به دین، باید به گونه‌ای عمل نماییم که احساس آزادی کنند. با توجه به این موضوع که انسان فطرتاً خداجو است،

۱. منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۶، ص ۸۵۱، باب ۶۲ تعلیم و تربیت فرزند و احترام به او... ص ۸۵۳ الی ۸۵۵.  
 ۲. مطهری، راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام، ص ۴۲.

لازم است که با تذکر روش‌های صحیح، این فطرت را در وجود آنان بیدار کنیم و به طرف پذیرش دین سوق دهیم. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز با نرم‌خویی و با زبان نرم، افراد را به دین اسلام دعوت می‌کردند. به تجربه هم ثابت شده است که با زور و اکراه، نمی‌توان کسی را به راه راست هدایت کرد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «پس آیا تو مردم را به اجبار و می‌داری که ایمان بیاورند»<sup>۱</sup>.

«این آیه بار دیگر تهمت ناروایی را که دشمنان اسلام به کرار گفته و می‌گویند با صراحت نفی می‌کند، آن‌جا که می‌گویند: اسلام آئین شمشیر است و از طریق زور و اجبار بر مردم جهان تحمیل شده است، آیه مورد بحث مانند بسیاری از آیات دیگر قرآن می‌گوید ایمان اجباری بی‌ارزش است و اصولاً دین و ایمان چیزی است که از درون جان برخیزد، نه از برون و به وسیله شمشیر و مخصوصاً پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از اکراه و اجبار کردن مردم برای ایمان و اسلام بر حذر می‌دارد»<sup>۲</sup>.

اگر به مفاد آیه‌ی: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...»<sup>۳</sup> توجه نماییم، معلوم می‌شود که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وظیفه تبیین دارند. لذا پس از تبیین، دیگر جای اکراه و جای انتخاب کردن به‌جای مردم وجود ندارد. هم‌چنین

۱. سوره یونس: ۱۰، آیه ۹۹؛ «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ».

۲. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۰.

۳. سوره بقره: ۲، آیه ۲۵۶. در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن‌را گسستن نیست جنگ زده است و خداوند شنوای داناست.

خداوند می‌فرماید: «پس بر تو تبلیغ است و بس».<sup>۱</sup> همانا وظیفه پیامبر ﷺ بیان، توضیح، تشبیه، ابلاغ، انذار و بشارت می‌باشد و او مبعوث به دعوت مردم شده است نه اجبار.

خانم زهرا مصطفوی، فرزند امام خمینی رحمته الله علیه نقل می‌کند:

«همسرم به جهت عادت خانوادگی، دخترم را از خواب صبحگاهی بیدار می‌کرد و به نماز وا می‌داشت. امام رحمته الله علیه وقتی از این ماجرا خبردار شدند، برایش پیغام فرستادند: چهره شیرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن. این کلام آن چنان مؤثر افتاد و اثر عمیقی بر روح و جان دخترم به‌جای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش کرد که برای نماز صبح به موقع بیدارش کنم».<sup>۲</sup>

### ج. زمینه‌های اجتماعی

#### ۱. عدم پرداخت کافی رسانه به بحث نماز

«بدون تردید نمایش نماز خواندن یا به مسجد رفتن شخصیت‌های فیلم، آن‌را دینی یا غیر دینی نمی‌کند اما عدم توجه به این مقوله به نحوی که در کمتر فیلمی می‌توان توجه بازیگران به عنوان یک مسلمان به این مسئله را مشاهده کرد می‌تواند مخاطب را به این سمت رهنمون کند که شکافی میان فیلم‌سازان، بازیگران و دیگر دست‌اندرکاران رسانه ایران با مردم جامعه ایران، که هر روز با نماز مواجه هستند، وجود دارد و حتی سیاست‌گذاری‌های حکومت اسلامی نیز در این امر ناکام بوده است. بر این اساس می‌توان گفت اگرچه نماز یکی از

۱. سوره آل عمران: ۳، آیه ۲۰؛ «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ».

۲. ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۲۳.



مقوله‌های مهم در شریعت اسلامی است و باید توسط دولتمردان برای نهادینه کردن این آموزه دینی مهم در رسانه اقدامات لازم انجام گیرد؛ اما عدم پرداخت کافی به مسئله‌ای که مواجهه‌ی هر روز افراد جامعه مسلمان ایرانی است نشان دهنده شکل‌گیری امری خلاف واقعیت اجتماعی در رسانه است که اگرچه ممکن است برنامه‌ریزی شده و از روی سوء نیت نباشد. به هر حال به نظر می‌رسد رسانه باید به سمتی هدایت شود که در آن نماز به عنوان بُعدی از زندگی مسلمانان در نظر گرفته شود و نمایش نماز به عنوان ستون دین حداقل نشانه مسلمان بودن شخصیت‌های فیلم‌ها باشد، نماز نباید منحصر در چادری‌ها، مذهبی‌ها، کسانی که ریش دارند، کسانی که بسیار موجه هستند، کسانی که نگاه بسیار مثبتی در فیلم‌ها در مورد آن‌ها وجود دارد باشد، بلکه نماز مقوله‌ای است که حتی برخی از شخصیت‌های بد داستان‌ها می‌توانند بخوانند. هم‌چنین مقوله‌ی نماز نباید منحصر در فیلم‌هایی باشد که موضوع‌شان مذهبی است بلکه نماز می‌تواند در فیلم‌های کمدی، اجتماعی، انتقادی و خلاصه هر نوع فیلم دیگری ظهور و بروز داشته باشد.<sup>۱</sup>

رسانه حقیقتاً یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در تغییر دادن نوع عقیده و تفکر حتی نوع ذائقه مردم می‌باشد. لذا از این ابزار می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق بهره‌های فراوانی از جمله رساندن حقایق ناب اسلامی به گوش همه مردم جهان و پاسخ دادن به همه شبهاتی که توسط دشمنان اسلام تولید می‌شود، پرداخته شود.

---

1. <http://film.eshragh.info/portal/home/?news/>.

## ۲. تغییر اولویت‌ها در میان اغلب عموم مردم جامعه

مردم ما مشکل ایمانی ندارند، ولی متأسفانه در جامعه و فرهنگ ما عوامل غفلت فراوان است، مانند برنامه‌هایی که تا نیمه شب ادامه دارد و باعث می‌شود شخص برای نماز صبح خواب بماند و یا توجه روزافزون به لذت طلبی‌های افراطی و گرایش به دنیا است که زمینه اصلی غفلت انسان از حرکت به سوی کمال و خدای متعال را فراهم کرده است.

در این راستا باید توجه کرد که دوست داشتن دنیا و علاقه‌ی قلبی به تمایلات نفسانی، قوی‌ترین عاملی است که انسان را دچار غفلت نموده و نیز ریشه‌ی بسیاری از خطاها و گناهان می‌باشد. مؤمن واقعی کسی است که فکر و ذکرش خدا است و خدامحوری تمام زندگی او است. اگر کسی فکر و ذکرش دنیا شد، از نظر معنوی ضعیف خواهد شد و نمی‌تواند به سمت قرب الهی حرکت کند.

و نکته مهم‌تر این که انسان‌ها دارای امیال‌های متفاوت هستند و اکثر این امیال‌ها در درون ما موجود و نهفته است. هنگامی که به هر میلی، بهای بیشتری بدهیم، آن میل تقویت شده و خواه ناخواه امیال دیگر کمرنگ و یا سرکوب می‌شوند.

یکی از حواس ما انسان‌ها حس بینایی است و این حس کمک فراوانی در جهت فعال کردن امیال نهفته می‌کند. برای مثال: در میان نوجوانان و جوانان میل به ورزش کردن وجود دارد، اما سؤال من این است، در میان این همه ورزش‌ها چرا ورزش فوتبال در میان این قشر جامعه بلکه اقشار دیگر اهمیت و رونق فراوانی دارد. پاسخ آن این است که وقتی در میان اغلب مردم، این

ورزش بیشتر تبلیغات می‌شود و مردم این ورزش را بیشتر می‌بینند، نتیجه آن گرایش همه اقشار به ویژه نوجوانان و جوانان به این ورزش می‌شود. نمونه‌های دیگری هم وجود دارد که می‌توان از آن‌ها نام برد، از جمله تغییر سبک زندگی اغلب مردم که در آن میل به معنویت جای خود را به مادیات داده است. برای مثال در روایات آمده است: «ایام روز خود را به سه بخش تقسیم کنید، یک بخش آن کسب درآمد حلال و بخش دیگر عبادت و بخشی هم استراحت و تفریح می‌باشد»<sup>۱</sup> ولی در سبک زندگی فعلی اغلب مردم جامعه این‌گونه دیده نمی‌شود بلکه اغلب افراد میل به کار بیشتر جزء برنامه‌های زندگی‌شان شده است. همان‌گونه که گفته شد وقتی یک میلی بیش از اندازه معمول به آن بها داده شود امیال دیگر کمرنگ و یا سرکوب می‌شوند. متأسفانه نماز که یک میل عبادی است جزء اولویت‌های ضعیف این نوع سبک زندگی محسوب شده است.

نتیجه این فصلی که بحث شد چنین است که نماز به عنوان یک عبادت که مورد نیاز همه مسلمانان می‌باشد زمانی رونق پیدا می‌کند که ما بتوانیم آثار سوئی که در زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی است را برطرف کنیم و این زمانی به‌وجود می‌آید که ما به دنبال راه‌حلی سنجیده و عالمانه در راستای پاسخ دادن به این مجهولات باشیم.

---

۱. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۷۲۵، برنامه‌ریزی صحیح در زندگی ... ص ۷۲۵.

## فصل چهارم:

### آثار دوستی با بدان نسبت به سهل‌انگاری در نماز

#### الف. پیامدهای انتخاب دوستان نامناسب

یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در تربیت انسان، دوستان و معاشران هستند. در دنیای امروز نمی‌توان درب منزل را بست، اما باید دقت داشت فرزندان با چه کسانی ارتباط دارند؟

بی‌شک، امور مختلفی عامل سازنده‌ی شخصیت انسان است، از مهم‌ترین آن‌ها بعد از اراده و تصمیم‌همنشین و دوست مناسب می‌باشد. چرا که انسان خواه و ناخواه تأثیرپذیر اطرافیان به ویژه دوستان خود است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش یاد می‌گیرد. گاهی نقش دوست در خوشبختی و بدبختی یک انسان از هر عاملی مهم‌تر می‌شود و او را تا سر حد فنا و نیستی می‌برد و گاه تا اوج افتخار می‌رساند. چه بسیار نوجوانانی که در اثر همنشینی با دوستان ناباب به انحراف کشیده شده‌اند و پس از خطاکاری و اشتباه خود می‌گویند: «وای بر من، ای کاش فلان

شخص را دوست خود نگرفته بودم.»<sup>۱</sup> این آیه شأن نزول عبرت‌انگیزی دارد. «در عصر پیامبر ﷺ دو نفر دوست در میان مشرکان به نام عقبه و اُبی بودند هر زمان عقبه از سفر می‌آمد غذایی ترتیب می‌داد و اشراف قومش را دعوت می‌کرد و در عین حال دوست می‌داشت به محضر پیامبر ﷺ برسد هر چند اسلام را نپذیرفته بود. روزی از سفر آمد و طبق معمول ترتیب غذا داد و دوستان را دعوت کرد ضمناً از پیامبر اسلام ﷺ نیز دعوت نمود. هنگامی که سفره را پهن کردند و غذا حاضر شد پیامبر ﷺ فرمود: «من از غذای تو نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من دهی»، عقبه شهادتین بر زبان جاری کرد. این خبر به گوش دوستش اُبی رسید، گفت ای عقبه از اُیئت منحرف شدی؟ او گفت نه به خدا سوگند من منحرف نشدم، و لکن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غذایم بخورد جز این که شهادتین بگویم، من از این شرم داشتم که او از سر سفره من برخیزد بدون آن که غذا خورده باشد لذا شهادت دادم! اُبی گفت من هرگز از تو راضی نمی‌شوم مگر این که در برابر او بایستی و سخت توهین کنی! عقبه این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام در جنگ بدر در صف کفار به قتل رسید و رفیقش اُبی نیز در جنگ احد کشته شد.<sup>۲</sup> این آیه سرنوشت مردی را که در این جهان گرفتار دوست گمراهش می‌شود و او را به گمراهی می‌کشاند شرح می‌دهد.

در حدیثی از نهمین پیشوای بزرگ اسلام امام محمد تقی الجواد علیه السلام می‌خوانیم:

«از هم‌نشینی بدان بپرهیز که هم‌چون شمشیر برهنه‌اند، ظاهرش زیبا و

۱. سوره فرقان: ۲۵، آیه ۲۸: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا».

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۶۹.

اثرش بسیار زشت است»<sup>۱</sup>.

اسلام به مسأله دوستی توجه خاصی نموده و حتی معیار سنجش فرد را دوست او دانسته است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«افراد تابع عقیده دوست خود هستند»<sup>۲</sup>

پس مواظب باشید که با چه کسی دوست می‌شوید. دسته‌ای از جوانان استدلال می‌کنند که تحت تأثیر دوست قرار نمی‌گیرند، اما این‌گونه نیست و بنا بر فرمایش پیامبر خدا انسان‌ها تابع عقیده دوست خود هستند، این جمله بیان‌کننده این حقیقت است که باورها و اعتقادات دوستان روی هم اثر مستقیم دارد. براین اساس اسلام جوانان را از دوستان ناباب بر حذر می‌دارد.

سفیان ثوری گفت: بر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام وارد شدم و عرض کردم:

«مرا به مطلبی سفارش فرما که پس از شما آن را حفظ کنم، فرمودند:

ای سفیان پدرم مرا به سه چیز سفارش کرده و بر سه چیز نهی کرده و

اما سفارشات پدرم این بود: ۱. ای فرزندم، هر کس با دوست بد نشیند

سالم نماند، ۲. و هر کس گفتارش را کنترل نکند پشیمان و نادم گردد،

۳. و هر کس به مکان‌های بد نام رود متهم گردد و فرمودند: ۱. مرا از

رفاقت با کسی که سخن‌چینی می‌کند ۲. و بر نعمت‌های دیگران

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۱، ص ۱۹۸، باب ۱۴ من لا ینبغی مجالسته و

مصادقته و مصاحبتہ و المجالس التي لا ینبغی الجلوس فیها... ص ۱۹۰.

۲. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص ۶۹۵، باب ۴، من تکره مجالسته و مرافقته...

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ.

حسادت می کند، ۳. و در گرفتاری شماتت می نماید، نهی کرد.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«آن کسی که تو را می گریاند، ولی خیرخواه تو است، با او رفیق شو! نه آن کسی که مرتب جک می گوید و می خندد».<sup>۲</sup>

آن کسی که جک می گوید و می خندد، تو را غافل می کند. البته نمی خواهیم بگوییم که اسلام مزاح ندارد، اسلام مزاح دارد، تفریح دارد، ورزش دارد، اسلام دین شاد است. خنده را اسلام قبول دارد. خدا انسان را می خنداند.

قرآن می فرماید:

«خداوند هم می خنداند و هم می گریاند».<sup>۳</sup>

اسلام با لذت، با تفریح، با شادی، با خنده موافق است. اما به چه قیمتی؟ به قیمت این که فردی را مسخره کنیم و بخندیم؟ شکلک در بیاوریم و بخندیم؟ یعنی یک مسلمانی را تحقیر کنیم، تنقیص کنیم بخندیم، خنده به این قیمت؟ نه! با چه کسی رفیق شویم؟

حضرت عیسی علیه السلام فرمودند:

«با کسی رفیق شوید که نگاهش می کنی، یاد خدا بیافتی، حرف که

---

۱. تحف العقول، ترجمه جعفری، ص ۳۵۵، سخنانی کوتاه از امام صادق علیه السلام در زمینه های: پند، حکمت، زهد و امثال آن ... ص ۳۳۶.

۲. الکافی (ط - اسلامیة)، ج ۲، ص ۶۳۸، باب من یجب مصادقته و مصاحبتة ... ص ۶۳۸. عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَبِي الْعَدْبِيسِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَا صَالِحُ اتَّبِعْ مَنْ يُبْكِيكَ وَهُوَ لَكَ نَاصِحٌ وَلَا تَتَّبِعْ مَنْ يُضْحِكُكَ وَهُوَ لَكَ غَاشٌّ وَ سَتْرُدُونَ عَلَى اللَّهِ جَمِيعًا فَتَعْلَمُونَ.

۳. سوره نجم: ۵۳، آیه ۴۳: «وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى».

می‌زند علم تو زیاد شود. از سخن چینی دور کند»<sup>۱</sup>.

می‌توان نتیجه گرفت تأکیدات اخلاقی و شرعی بر انتخاب دوست از آن روست که انسان به علل وجود عواطف و احساسات نمی‌تواند بدون دوست به سر برد و بخشی از نیازهای عاطفی و روحی شخص را دوست پاسخ می‌دهد. از این رو، چون گریزی از دوست نیست می‌بایست در انتخاب آن دقت و تدبیر بسیار شود. اگر کسی یک دوست خوب داشته باشد بهتر از آن است که دوستانی داشته باشد که به معنای واقعی کلمه دوست نیستند. پیامدهایی که از دوستان نامناسب به ما می‌رسد این است که اولاً؛ از مسائل عبادی لحظه به لحظه دورتر شویم و شاخصه درک این موضوع، سهل‌انگاری در نمازهای ما می‌باشد. در مرحله اول از خواندن نماز اول وقت دور می‌شویم و بعد به تدریج آن را ترک می‌کنیم. ثانیاً باعث فراموشی خداوند و غرق در لذات دنیایی می‌شود که آن هم به نوعی موجب سهل‌انگاری در نماز است.

روایتی از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند:

«هر که دو خصلت در او بود، قابل معاشرت و دوستی است، وگرنه از او دوری کن، از او دوری کن، از او دوری کن. گفته شد آن دو خصلت چیست؟ فرمودند: یکی نماز را به وقتش خواندن و به آن مواظب بودن و دیگری همدردی»<sup>۲</sup>.

۱. مستدرک، ج ۱۲، ص ۲۰۴، ۹ باب وجوب الإتيان بما يؤمر به من الواجبات و ترک ما ينهى عنه من المحرمات ... ص ۱۵۶. قَالَ عَيْسَى عليه السلام جَالِسُوا مَنْ يُذَكِّرُكُمْ اللَّهَ رُؤْيَتُهُ وَ لِقَاؤُهُ فَضْلًا عَنِ الْكَلَامِ وَ لَا تُجَالِسُوا مَنْ تُوَافِقُهُ ظَوَاهِرَكُمْ وَ تُخَالِفُهُ بَوَاطِنَكُمْ.

۲. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸۰، ص ۱۲، ح ۱۶، باب ۶ الحث على المحافظة على الصلوات و أدائها في أوقاتها و ذم إضاعتها و الاستهانة بها ... ص ۱. الْخِصَالُ، عَنِ



این که امام عَلَيْهِ السَّلَام سه بار فرمودند دوری کنید، نشانه شدت تأثیرگذاری صفات اخلاقی افراد در یکدیگر است. در واقع مفهوم این کلام نورانی آن است که اگر با غیر دوستانی که بی‌توجه به نماز و عبادتند نشست و برخاست داشته باشید، آنان شما را از مسیر سعادت منحرف می‌سازند و اخلاقشان را در شما تسری می‌بخشند.

### ب. الگوپذیری نامناسب

انسان در دوران کودکی، بدون هیچ ایده و فکری از کارهای دیگران تقلید می‌کند و بسیاری از آداب معاشرت، رسوم زندگی و ... را از دیگران می‌آموزد. بعد از این مرحله، هنگامی که به سن بلوغ می‌رسد به دنبال الگوهای برای خود است تا هم‌چون آنان عمل کند. لذا در این سن حساس، اگر الگوی مناسبی داشته باشد با تقلید از آن الگو به سرمنزل مقصود می‌رسد و این‌گونه تعلیم و تربیت کردن فرزندان بسی آسان‌تر از پند و اندرز دادن به ایشان است چرا که خود به خود انجام می‌گیرد و احتیاجی به تذکر ندارد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

«مَثَلُ هَمْنَشِينٍ صَالِحٍ، مِثْلُ عَطْرِ فَرُوشِي اسْتِ كِهْ اِگَرِ تُو رَا اَز عَطْرِ خُود بَهْرَه‌مَنْد نَسَاژد دَسْت كَم رَايْحَه خُوش اَن رَا نَصِيْب تُو خُواهد كَرْد و مِثْل

---

→  
 الْعَطَّارِ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ الْخَبْرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ وَالْمُفْضِلِّ بْنِ عُمَرَ مَعَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: خَصَلْتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ وَ إِلَّا فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ قِيلَ وَ مَا هُمَا قَالَ الصَّلَاةُ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَيْهَا وَ الْمُوَاسَاةُ.

همنشین بد مثل کوره آتشی است که اگر تو را نسوزاند از گرمای خود به تو خواهد بخشید.<sup>۱</sup>

متأسفانه، امروزه دشمن با استفاده از ماهواره‌ها، اینترنت و فضای مجازی، الگوهای منحرف‌کننده و کاذب را به مسلمین و بویژه جوانان ما معرفی نموده و از این طریق روح ایمان را از آنان می‌گیرد. اما قرآن کریم این‌گونه تقلید کورکورانه را در آیات مختلف نهی کرده است، از جمله به مشرکینی که بدون فکر کردن و از روی جهل هم‌چون پیشینیان خود عمل می‌کردند فرموده است:

«چون کار زشتی انجام دهند، گویند: نیاکانمان را چنین یافته‌ایم، و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو: خدا به زشتکاری فرمان نمی‌دهد. چرا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید.»<sup>۲</sup>

این آیه علاوه بر این که تقلید از نیاکان را در موضوع اعتقادی نکوهش می‌کند، تقلید در انجام اعمال زشت و ناپسند را نیز سرزنش می‌کند چرا که خداوند متعال می‌خواهد همه چیز بر محور شناخت و معرفت باشد.

چنان که مولا علی علیه السلام می‌فرماید:

«ارزش هر کس، به مقدار دانایی و تخصص اوست».<sup>۳</sup>

۱. جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۸۳، الفصل الحادی و الأربعون و المائة فی النوادر و هو آخر الكتاب. مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الدَّارِيِّ إِنَّ لَمْ تَجِدْ عِطْرَهُ عَلِقَكَ رِيحُهُ وَ مَثَلُ جَلِيسِ السَّوِّءِ مَثَلُ صَاحِبِ الْكَبِيرِ إِنَّ لَمْ يُحْرِقْكَ شِرَارُ نَارِهِ عَلِقَكَ مِنْ نَتْنِهِ.

۲. اعراف: ۷، آیه ۲۸. وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَذَا قُلُوبَنَا إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

۳. الخصال، ج ۲، ص ۴۲۰، تسع كلمات تكلم بهن أمير المؤمنين عليه السلام ... ص ۴۲۰. فَقَالَ قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.

برخی می‌پرسند: اسلام چه الگوهای مناسب و جذابی به جوانان ارائه می‌کند تا آنان به الگوهای کاذب گرایش پیدا نکنند؟ در پاسخ باید گفت اسلام در ابتدا از معرفی یک شخص به عنوان الگو ابا دارد؛ چرا که در آن صورت، همه شناخت و معرفت‌ها بر محور یک شخصیت محدود می‌گردد، که این خود شدیداً مورد احتراز اسلام است. انسان باید راه صحیح را بر اساس معرفت و شناخت خویش دریابد، نه بر اساس رفتارهای مبهم شخص دیگر. شخص‌گرایی در اسلام ممنوع است، بلکه تشخیص‌گرایی و معرفت‌ممدوح است. اگر فردی با خرد و عقل خویش، راه را پیدا کرد، لزوم پیروی از آن راه، برای همیشه در وی استوار و ماندنی است، اما انسانی که تابع عقل و خرد دیگران است، مثل خاشاک بر روی آب است که با جریان آب، به هر طرف خواهد رفت. متأسفانه آن‌چه موجب گمراهی و انحراف جوانان می‌شود، فرق نگذاشتن بین کسی که راه خودش را با عقل و خرد تشخیص می‌دهد، با آن کس که عقل و خرد دیگران الگوی اوست. پس باید به این نکته توجه داشت که الگوی مناسب در درجه دوم قرار دارد، نه در درجه اول. مشکل بسیاری از جوانان ما از همین جا آغاز می‌شود. ابتدا نباید الگویی تعیین و از شیوه او در انتخاب راه پیروی کرد، بلکه ابتدا باید راه را با کمک عقل و خرد خویش یافت، آن‌گاه هیچ مشکلی در پیدا کردن الگوی مناسب نخواهد بود. گاهی ما آنانی را که در ابتدای راه هستند، به عنوان الگوی خود انتخاب می‌کنیم و حال آن‌که با پیدا شدن راه صحیح، الگوی مناسب نیز پیدا می‌شود، اما اگر راه، انحرافی باشد، همه چیز ناشناخته و مبهم است. بنابراین، ابتدا باید مسیر کار ما مشخص باشد، نه آن‌که از طریق رسانه‌ها، هر کسی که زیباتر و

قهرمان‌تر و دانشمندتر جلوه کرد، الگوی ما شود. با این شیوه، ما با حقیقت بسیار فاصله خواهیم گرفت.<sup>۱</sup>

قرآن کریم بهترین الگوی رفتاری را سیره‌ی پیامبر خدا ﷺ معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«قطعاً برای شما در (اقتداء) رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»<sup>۲</sup>

پیام آیه این است که اولاً از خطاب آیه نسبت به همه مسلمانان در هر زمان و مکان عمومیت برداشت می‌شود و ثانیاً اسوه بودن پیامبر ﷺ در همه ابعاد و در اوج قرار دارد و به بخشی از شخصیت او محدود نمی‌شود. پس اگر انسان الگوی نامناسبی انتخاب نماید علاوه بر این که در رفتار او تأثیر مستقیم دارد در مسائل عبادی به ویژه نماز نیز دچار سهل‌انگاری می‌شود زیرا دغدغه وی برگرفته از روحیات و رفتار الگوی خود می‌باشد و هر رفتاری از الگوی خود سربزند وی نیز انجام می‌دهد.

از این فصل نتیجه‌گیری می‌شود افرادی که در نماز و عباداتشان سهل‌انگاری می‌کنند حقیقتاً در انتخاب دوست و الگوی مناسب ضعیف عمل کرده‌اند که حاصل آن بی‌توجهی نسبت به مسائل عبادی شده است. همان‌طور که بیان کردیم در این بخش عوامل سهل‌انگاری در نماز عبارتند از: عدم معرفت نسبت به نماز، گناه کردن، زمینه‌های فردی، خانوادگی و

1. [http://www.tebyan-zn.ir/News-Article/blest\\_family/Family\\_young\\_children](http://www.tebyan-zn.ir/News-Article/blest_family/Family_young_children)

۲. سوره احزاب: ۳۳، آیه ۲۱؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».

اجتماعی و آثار دوستی با بدان نسبت به سهل‌انگاری در نماز، که هر یک از این موارد دارای اجزای دیگری می‌باشد. زمانی می‌توانیم بر این آفت و نقصی که در سیره عملی و رفتاری ما پدید آمده و باعث کمرنگ شدن معنویت در ما شده پیروز شویم، که به‌خوبی ابعاد تأثیرگذاری آن را بشناسیم و ابعاد این آفت که همان سهل‌انگاری در نماز است در عوامل بالا مفصل بیان شده است. در این فصل بیان کردیم در صورتی می‌توانیم بر این آفت فائق شویم که چند نکته بسیار مهم و کلیدی ذیل را به‌خوبی درک کنیم و در حفظ وصیانت از آن تلاش فراوانی انجام دهیم:

ارتقاء معرفت دینی خود و وصیانت از آن چه را که به دست آوردیم.

شناخت آثار زیان بارگناه و آلودگی به آن

آگاهی از نیازهای فردی خود و شناسایی عواملی که باعث اختلال در رسیدن به نیازهای مادی و معنوی می‌شود.

شناخت وظایف اعضای خانواده نسبت به هم در همه امورات

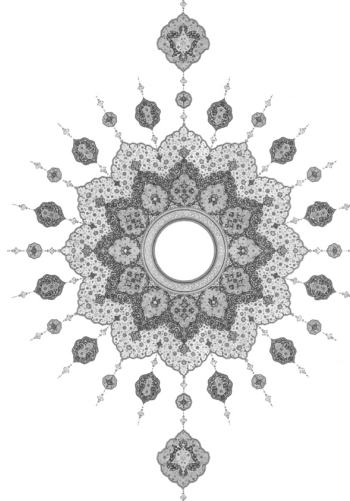
آگاهی از وظایف خود نسبت به اجتماع و عکس آن

انتخاب دوست خوب و مناسب و درک معیارهای صحیح آن

همه این عوامل به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در رفع آفت سهل‌انگاری در نماز بسیار مؤثر می‌باشند.



بخش سوم:  
آثار و کیفر سهل انگاری در نماز







در این دنیایی که ما زندگی می‌کنیم، تابع قوانینی هستیم و برای هر یک از این قوانین دلیل علمی و عقلانی وجود دارد که بعضی از این دلایل برای بشر امروز روشن شده است و برخی هم خیر. اما فراموش نکنیم که خالق این هستی، همه مخلوقاتش را برطبق یک اصولی آفریده است. حال می‌توان این جمله را بیان کرد، که هر فعلی از هر مخلوقی سر می‌زند آثاری را بدنبال خود دارد، برخی آثار وضعی آن، دنیایی می‌باشد مثل نوشیدن آب که اثر وضعی آن رفع تشنگی است و برخی آثار آن دنیوی و اخروی می‌باشد مانند سهل‌انگاری در نماز که یکی از آثار دنیایی آن سرگردانی و پوچ‌گرایی و آثار اخروی آن ضلالت و گمراهی است.

اگر خوب آیات و روایات را بنگریم مشاهده می‌شود لطف و محبت خداوند شامل حال انسانی می‌گردد که برای اقامه‌ی نماز به پا می‌خیزد و خداوند به سبب رفتار او بر ملائکه مقرب خود فخر می‌کند، سپس دقت کنیم بر حال انسانی که با ترک نماز و سبک شمردن آن علاوه بر این که از این همه لطف و محبت خداوند محروم خواهد شد، چه عواقبی نیز در انتظارش خواهد بود. روزی به او خطاب می‌رسد:

«او را بگیرید و زنجیرش کنید سپس او را به سوی آتش کشانید و در آتش بسوزانید، سپس او را در زنجیری که طولش ۷۰ ذراع است به

آتش درکشید»<sup>۱</sup>.

در این بخش آثار دنیوی و آخروی سهل‌انگاری در نماز را بررسی می‌کنیم.

## الف. برخی از آثار سهل‌انگاری در نماز

### ۱. همنشینی با شیطان

«جز این نیست که شیطان می‌خواهد میان شما در ارتکاب و اعتیاد به شراب و قمار، دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد، پس آیا دست‌بردار هستید»<sup>۲</sup>؟

از آیه این چنین دریافت می‌شود که شیطان دشمن دیرینه ماست و قسم خورده تا همه انسان‌ها را گمراه نکند، دست‌بردار نیست.

خداوند متعال نیز در چندین جای قرآن فرموده‌اند:

«إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»<sup>۳</sup> «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»<sup>۴</sup>

### ۲. قبول نشدن انفاقات و اعمال صالح

«و چیزی از آن‌ها را از پذیرفته شدن انفاقاتشان باز نداشت جز آن‌ها که آن‌ها به

۱. سوره الحاقه: ۶۹، آیات ۳۰-۳۳؛ «خُدُوهُ فَعَلُوهُ، ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ، ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ، إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ».
۲. سوره المائدة: ۵، آیه ۹۱؛ «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ».
۳. سوره محمد: ۴۷، آیه ۲۵؛ «إِنَّ الَّذِينَ أَرْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ».
۴. سوره يوسف: ۱۲، آیه ۴۲؛ «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ».

خدا و فرستاده او کفر ورزیدند و نماز را به جا نمی‌آورند مگر در حالی که کسل‌اند و انفاق نمی‌کنند مگر آن که ناراضی‌اند.<sup>۱</sup> در این آیه شریفه خداوند متعال علت قبول نشدن انفاقات و اعمال صالح بعضی از انسان‌ها را سه عامل مهم بیان می‌کند. ۱. کافر شدن انسان به خدا و رسولش ۲. بی‌نماز بودن و یا نماز خواندن از روی تنبلی ۳. دلبستگی به دنیا و عدم انفاق به دیگران مگر از روی اکراه و نداشتن طیب نفس.

### ۳. مسخره کردن نماز و دنبال امور باطل

«گفتند: ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که ما آن چه را پدرانمان می‌پرستیدند، رها کنیم یا آن چه را که می‌خواهیم در اموالمان انجام دهیم، ترک نماییم؟ آیا نمازت از ما سلب آزادی در اعتقاد و عمل می‌کند؟ تو که به راستی بردبار و ره‌یافته‌ای، پس چگونه حریت ما را محدود می‌کنی!»<sup>۲</sup>

### ۴. متابعت از شهوات نفسانی گرفتار کیفر سخت

«سپس در پی آن‌ها جانشینانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوت‌ها پیروی کردند، پس به زودی کیفر گمراهی خود را خواهند دید».<sup>۳</sup>

در این آیه صریحاً اشاره دارد، عامل مهم برای عذاب شدن، ضایع کردن

۱. سوره توبه: ۹، آیه ۵۴؛ «وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ إِنَّهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ»

۲. سوره هود: ۱۱، آیه ۸۷؛ «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ»

۳. سوره مریم: ۱۹، آیه ۵۹؛ «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا»

نماز و بعد از آن غوطه‌ور شدن در پیروی از شهوت‌ها و هوای نفس می‌باشد.

### ۵. افتادن در دوزخ و عذاب الهی

«اصحاب یمین، که در بهشت‌ها و باغ‌ها به سر برده، از حال گنهکاران از یکدیگر می‌پرسند، سپس به آن‌ها متوجه شده می‌گویند، چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم و به فقیر و تهیدست طعام نمی‌دادیم و با اهل باطل در کارها و گفتارهای بیپوده غور می‌کردیم و روز جزا را تکذیب و انکار می‌کردیم تا آنکه مرگ ما فرا رسید»<sup>۱</sup>.

### ۶. محروم شدن از شفاعت اولیای خدا

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

«لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»<sup>۲</sup>

پدرم در هنگام مرگ ما را وصیت کرد و فرمود: شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد.

در روزی که هیچ ملجأ و پناهگاهی وجود ندارد جز خداوند متعال و کسانی که در درگاه ایشان آبرو دارند، لذا کسی که در نمازش سهل‌انگاری کرده و سبب

۱. سوره مدثر: ۷۴، آیه ۳۹ - ۴۷؛ «لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷) كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً (۳۸) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹) فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳)».

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۷۰، حدیث ۱۵، باب من حافظ علی صلاته أو ضیعها... ص ۲۶۷. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ علیه السلام إِنَّهُ لَمَّا حَضَرَ أَبِي الْوَفَاةَ قَالَ لِي يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ.

سبک شمردن آن شود، روز قیامت از شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام محروم می‌شود. این مطالبی که بیان شد، برخی از آثار سهل‌انگاری در نماز می‌باشد. حقیقتاً انسانی که در این بُعد دچار سهل‌انگاری می‌شود، شناختش نسبت به خالق هستی بسیار ضعیف بوده و دچار سردرگمی شده است. به‌راستی که اگر انسانی به‌جای حرکت در مسیر کمال، وارد مسیر انحرافی شود طبیعتاً یکی از آثار وضعی این حرکت اشتباه، دچار سردرگمی شدن است.

### ب. کیفر

در عصر کنونی که همه‌ی بی‌خردان در ظلمت جهل و نادانی به زرق و برق دنیا گیج و سست شده‌اند، نماز نور هدایتی است که جاده‌ی زندگی را روشن می‌کند تا در صراط حقیقت گام برداریم. اما خداوند متعال برای کسانی که در ظلمت جهل خود گرفتارند، و نسبت به نماز، سستی می‌ورزند کیفر در نظر گرفته است. درباره کیفر کسی که به نماز خود اهمیت نمی‌دهد، ابوبصیر نقل کرده است که به خدمت ام‌حمیده همسر گرامی امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدم تا شهادت آن حضرت را به آن بانو تسلیت عرض کنم. «بانو به گریه افتاد و من نیز از گریه او، گریان شدم سپس آن بانو به من فرمود: ای ابامحمد اگر به هنگام شهادت حالت آن حضرت را می‌دیدی در شگفت می‌شدی، در حالت احتضار چشمان مبارک خود را گشود و فرمود: تمام نزدیکان و بستگان مرا حاضر کنید! ما نیز در اجرای فرمان آن حضرت، از بنی هاشم و بستگان آن حضرت، به هر کسی که دسترسی داشتیم در آن‌جا جمع کردیم. حضرت نگاهی به آنان انداخت و فرمود: برآستی، که شفاعت ما شامل حال کسی که

نماز را کوچک و بی‌اهمیت بشمارد، نمی‌گردد.»<sup>۱</sup>

کیفر کسی که به درستی سجده نکند: زراره بن اعین روایت کرده است که از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «مردی وارد مسجدی شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن مسجد بود، آن مرد سجده نماز خود را با شتاب و کوتاه انجام داد و آن را به گونه‌ای که می‌بایست، به‌جای نیاورد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره او فرمود: بدانگونه که کلاغ بر زمین نوک می‌زند او هم سرش بر زمین زده، اگر در همین حال مرگش فرا رسد، بر دینی به غیر دین اسلام مرده است.»<sup>۲</sup>

**کیفر کسی که در نماز، سه بار روی خود را برگرداند**

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«چون بنده‌ای به نماز بایستد، خداوند بزرگ به او توجه می‌کند، و هیچ‌گاه روی خود را از او برنمی‌گرداند، مگر آن که سه بار نماز گزار از

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۸۰، حدیث ۶. عقاب من تهاون بالصلاة... ص ۷۹، مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ غَيْرُهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُثَنَّى عَنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أُعْزِيهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَبَكَتُ وَ بَكَتُ لِبُكَائِهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا فَتَحَّ عَيْنِيهِ ثُمَّ قَالَ اجْمَعُوا إِلَيَّ كُلٌّ مِنْ كَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَرَابَةٌ فَمَا تَرَكَنَا أَحَدًا إِلَّا جَمَعَنَاهُ قَالَتْ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَسَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ.

۲. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۷، حدیث ۶-۴۴۵۲، ۹ باب کراهة تخفيف الصلاة... ص ۳۵، دَخَلَ رَجُلٌ مَسْجِدًا فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص - فَخَفَّفَ سُجُودَهُ دُونَ مَا يَنْبَغِي وَ دُونَ مَا يَكُونُ مِنَ السُّجُودِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَقَرَ كَنْقَرِ الْغُرَابِ لَوْ مَاتَ هَذَا عَلَيَّ هَذَا مَاتَ عَلَيَّ غَيْرِ دِينِ مُحَمَّدٍ.

خدا غافل شود و چون چنین کند خداوند نیز از او روی گردان می‌شود و او را به خود وامی‌گذارد»<sup>۱</sup>.

### کیفر کسی که در غیر وقت نماز، نماز بخواند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«اولین چیزی که در پیشگاه الهی به هنگام قیامت از بنده بازخواست می‌شود، نماز است، اگر نمازش پاک و از آرایش‌ها به دور و قابل قبول بود، اعمال دیگر او نیز، مورد قبول قرار خواهد گرفت و اگر نماز او بدانگونه که باید شایسته و بایسته نباشد سایر اعمال او نیز شایسته پذیرش و قبول درگاه الهی واقع نمی‌گردد»<sup>۲</sup>.

۲. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

«خداوند فرشته‌ای بر نماز می‌گمارد که کاری جز نظارت بر آن ندارد و زمانی که نمازگزار از نماز خود فارغ می‌شود، آن فرشته آن نماز او را با خود به بالا می‌برد، اگر از نمازهای قابل قبول باشد، پذیرفته می‌شود، و اگر دست رد بر سینه نماز او بگذارند مورد قبول واقع نشود به آن

---

۱. بحارالأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۱، ص ۲۴۱، حدیث ۲۵، باب ۱۶ آداب الصلاة... ص ۲۲۶، إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ بَوَّجْهِهِ فَلَا يَزَالُ مُقْبِلًا عَلَيْهِ حَتَّى يَلْتَفِتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا التَّفَّتْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعْرَضَ عَنْهُ.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۸۱، حدیث ۱۰، ۳ عقاب من تهاون بالصلاة... ص ۷۹. وَعَنْهُ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَرْمِينِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ هِشَامِ الْجَوْلَيْقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ صَلَّى الْفَرِيضَةَ لغير وقتها رُفِعَتْ لَهُ سُودَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ لَهُ ضَيِّعَكَ اللَّهُ كَمَا ضَيِّعَنِي وَ أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ صَلَوَاتِهِ فَإِنْ زَكَتْ صَلَاتُهُ زَكَ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِنْ لَمْ تَزَكْ صَلَاتُهُ لَمْ يَزَكْ عَمَلُهُ.

فرشته خطاب می‌شود: آن‌را به بندهام بازگردان! و فرشته به همراه نماز فرود می‌آید و آن‌را به صورت نمازگزار می‌کوبد و با نفرت می‌گوید: اف بر تو باد! که همیشه از تو کاری سر می‌زند که مرا به زحمت و می‌دارد»<sup>۱</sup>.

۳. از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش نقل کرده است که امیر مؤمنان علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«شیطان همواره از فرزند آدم می‌ترسد، البته تا زمانی که نماز پنجگانه خود را در اول وقت بخواند، و چون این توفیق را از دست داد، شیطان با گستاخی دردل او راه پیدا می‌کند و او را به گناهان بزرگ کبیره آلوده می‌سازد»<sup>۲</sup>.

کیفر کسی که به امامی اقتدا کند و سوره حمد را هم بخواند: «زراره و محمدبن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «هر کس در نماز به امامی اقتدا کند و سوره حمد را تلاوت نماید، پس از مردن بر دینی غیر دین حنیف برانگیخته می‌شود»<sup>۳</sup>.

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۸۲، حدیث ۱۱، ۳ عقاب من تهاون بالصلاة... ص ۷۹. الصَّلَاةُ وَكُلُّ بِهَا مَلَكٌ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ غَيْرُهَا فَإِذَا فَرَّغَ مِنْهَا قَبَضَهَا ثُمَّ صَعَدَ بِهَا فَإِنْ كَانَتْ مِمَّا يُقْبَلُ قَبِلَتْ وَإِنْ كَانَتْ مِمَّا لَا يُقْبَلُ قِيلَ رُدَّهَا عَلَى عَبْدِي فَيَأْتِي بِهَا حَتَّى يَضْرِبَ بِهَا وَجْهَهُ ثُمَّ يَقُولُ أَفَّ لَكَ مَا يَزَالُ لَكَ عَمَلٌ يُعِينِي.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۰، حدیث ۱۳، عقاب من صلی الصلاة لغير وقتها... ص ۲۲۹ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ دَاعِرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَاةَ الْخَمْسَ لَوْ قَتِهِنَّ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ اجْتَرَى عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ.

۳. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۸۵، ص ۴۸، حدیث ۶، بیان و تحقیق مهم... ص ۲۴. مَنْ قَرَأَ خَلْفَ إِمَامٍ يَأْتُمُّ بِهِ فَمَاتَ بَعَثَهُ اللَّهُ عَلَى غَيْرِ الْفِطْرَةِ.



کیفر کسی که در صف‌های نماز جماعت فاصله اندازد: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای مردم! صف‌های نماز جماعت را برپا دارید، و دوش به دوش هم بایستید تا در میان شما فاصله نیفتد و نظم صف‌ها را بر هم مزینید، خداوند در میان دل‌های شما دوری و اختلاف نیندازد، و بدانید که من شما را از پشت سر می‌بینم»<sup>۱</sup>.

کیفر کسی که عمداً نماز واجب را نخواند: بریدین معاویه عجللی، از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ظاهراً در میان فرد مسلمان و کافر، فرقی جز ترک نماز واجب وجود ندارد و چنانچه مسلمانی عمداً آن نمازهای واجب در وقت معین خود به‌جای نیاورد با کافر، فرقی نخواهد داشت»<sup>۲</sup>.

#### کیفر کسی که نماز عصر را دیر بخواند

۱. محمدبن هارون از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«هر کس از روی عمد و نه از فراموشی نماز عصر را آن‌قدر به تأخیر بیندازد تا وقت آن سپری شود، خداوند در روز قیامت، او را تنهای تنها و

---

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۵، ص ۹۹، حدیث ۶۹، تفصیل و تبیین... ص ۵۷  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَ امْسَحُوا بِمَنَاكِبِكُمْ لئَلَّا يَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ وَ لَا تُخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ أَلَا وَ إِنِّي أَرَأُكُمْ مِنْ خَلْفِي.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۱، حدیث ۱۳، عقاب من صلی الصلاة لغير وقتها... ص ۲۲۹، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ الْكَافِرِ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا.

جدا از افراد خانواده و دارایی‌اش برانگیزد»<sup>۱</sup>.

۲. ابوسلام عبیدی نقل کرده است که به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، «و پرسیدم: درباره کسی که نماز عصر را از روی عمد به تأخیر می‌اندازد، چه می‌فرمائید؟ حضرت فرمود:

در روز قیامت تنهای تنها و جدا از افراد خانواده و دارایی‌اش محشور می‌شود. عرض کردم: فدایت گردم! حتی اگر از اهل بهشت باشد؟ فرمود: حتی اگر از اهل بهشت باشد! پرسیدیم: پس مقام و منزلتش در بهشت چه خواهد بود؟! فرمود: در بهشت تنهای تنها و جدا از افراد خانواده و دارایی‌اش بسر خواهد برد؛ و در ادامه سخنان خود فرمود: ساکنان بهشت به عنوان میهمان و نه صاحب خانه از او پذیرائی می‌کنند، چرا که در بهشت جایگاه معینی ندارد»<sup>۲</sup>.

کیفر کسی که تا نیمه شب بخوابد و از نماز خفتن (عشاء) باز ماند: زرارة بن عیین از امام محمدباقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«به فرمان حضرت حق فرشته‌ای مأمور است که به هنگام، ندا می‌کند:

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۲۱۷، حدیث ۳۴، باب ۱ فصل الصلاة و عقاب تارکها... ص ۱۸۸ مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ غَيْرَ نَاسٍ لَهَا حَتَّى تَفُوتَهُ وَتَرَهُ اللَّهُ أَهْلُهُ وَ مَالُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۱، حدیث ۱۴، عقاب من آخر صلاة العصر، ص ۲۳۱، دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ يُؤَخِّرُ صَلَاةَ الْعَصْرِ مُتَعَمِّدًا قَالَ يَا بَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَوْتَرًا [مَوْتُورًا] أَهْلُهُ وَ مَالُهُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ قَالَ قُلْتُ وَ مَا مَنَزَلُهُ فِي الْجَنَّةِ قَالَ مَوْتَرًا [مَوْتُورًا] أَهْلُهُ وَ مَالُهُ يَنْضِيفُ أَهْلَهَا لَيْسَ لَهُ فِيهَا مَنْزِلٌ.

هر کس تا نیمه شب بخوابد و از نماز عشا بازماند، خداوند چشم او را از خواب باز دارد یعنی خواب راحت را از او بگیرد»<sup>۱</sup>.

کیفر کسی که بدون دلیل در نمازهای جماعت و جمعه حاضر نشود:

۱. عبدالله بن سنان، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که فرمود:

«رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز صبح را خواند و پس از فراغت از آن به اصحاب خود رو کرد و از آنان سراغ برخی از افراد را با ذکر نام گرفت و پرسید که آیا اینان امروز در نماز جماعت حضور داشتند؟! عرض کردند: نه، یا رسول الله! و حضرت از روی تعجب و شگفتی پرسیدند: آیا به مسافرت رفته‌اند که غایبند؟! و در ادامه سخنان خود فرمودند: هیچ نمازی بر منافقان، سخت‌تر از این نماز صبح و نماز عشاء نیست»<sup>۲</sup>.

۲. عبدالله بن میمون، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ و آن حضرت از پدر بزرگوار خود عَلَيْهِ السَّلَامُ

روایت کرده است که:

«رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همسایه‌های مسجد قول گرفته بود که در نماز جماعت حضور یابند! و فرمود: گروهی که به نماز حاضر نمی‌شوند، بایستی دست از این کار بردارند، وگرنه به مؤذن فرمان می‌دهم که با

---

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۲۱۵، حدیث ۲۹، باب ۱ فضل الصلاة و عقاب تارکها... ص ۱۸۸. العِللُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَلَكَ مُوَكَّلٌ يَقُولُ مَنْ نَامَ عَنِ الْعِشَاءِ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ فَلَا أَنَامَ اللَّهُ عَلَيْهِ.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۲، حدیث ۱۴، عقاب من ترك الجماعة و الجمعة، ص ۲۳۲، صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْفَجْرَ فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَصْحَابِهِ فَسَأَلَ عَنْ أَنَاسٍ هَلْ حَضَرُوا فَقَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَعْيِبُ هُمْ فَقَالُوا لَا فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ صَلَاةٍ أَشَدَّ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَالْعِشَاءِ.

صدای بلند اذان و اقامه بگویند و بعد به مردی از اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> که علی<sup>علیه‌السلام</sup> باشد فرمان می‌دهم تا خانه‌های مردمی را که بدون دلیل و عذر موجه در نماز جماعت حضور نمی‌یابند و از این فرمان سرپیچی می‌کنند، در آتش بسوزانند»<sup>۱</sup>.

۳. ابوبصیر و محمدبن مسلم هر دو از امام باقر<sup>علیه‌السلام</sup> روایت کرده‌اند که فرمود: «هر کس سه هفته پیاپی و بدون هیچ عذر موجه شرعی در نماز جمعه شرکت نکند، خداوند دل او را مهر می‌کند و به حال خود وامی گذارد»<sup>۲</sup>.

کاهل نماز گرفتار پانزده مصیبت در دنیا، مرگ، قبر و قیامت می‌شود: در روایت آمده حضرت فاطمه<sup>علیها‌السلام</sup> از پدر بزرگوارش حضرت محمد<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> پرسید:

«ای پدر جان! سزای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟»  
فرمود:

ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌نماید: شش مصیبت در سرای دنیا، و سه مصیبت هنگام مرگ، و سه مصیبت در قبرش و سه مصیبت در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود»<sup>۳</sup>.

۱. همان مدرک.

۲. همان مدرک.

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۰، ص ۲۱، حدیث ۳۹، باب ۶ الحث علی المحافظة علی الصلوات و أدائها فی أوقاتها و ذم إضاعتها و الاستهانة بها... ص ۱ فلاح السائل، أروى بحذف الإسناد عن سيّدة النساء فاطمة ابنة سيّد الأنبياء صلوات الله علیها و علی آبيها و علی بعلها و علی أبنائها الأوصياء أنها سألت أباهما محمداً

که هر یک به تفصیل در فصول ذیل شرح خواهیم داد.

---

صَفَّالَتْ يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ مَنْ تَهَاوَنَ  
بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصْلَةً سِتُّ مِنْهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ  
ثَلَاثٌ عِنْدَ مَوْتِهِ وَثَلَاثٌ فِي قَبْرِهِ وَثَلَاثٌ فِي الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ.

## فصل اول: دردنیا

---

مصیبت‌هایی که در دار دنیا بدان مبتلا می‌گردد

الف. خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد

برکت عمر یعنی این که انسان‌هایی هستند عمر طولانی دارند ولی این عمر حاصلی برای آن‌ها ندارد و به اصطلاح برکت ندارند، مثل این‌گونه افراد، همانند شخصی است که زمینی را حفر می‌کند و بدون اینکه بهره‌ای از حفر زمین ببرد آن را پُر می‌کند و به اصطلاح ما کار بیهوده‌ای انجام می‌دهد و عمرش را تلف کرده است. اما افرادی وجود دارند که با عمر کم، کارهای زیادی را انجام می‌دهند. همانند شهداء که جان شیرین خود را برای دفاع از وطن خود هدیه کرده‌اند این‌گونه افراد، چنان روح خود را با نماز و عبادت صیقل داده‌اند و کسب معرفت کرده‌اند و بدین سبب، خود را به درجات عالی کمال رسانده‌اند. چرا که اگر کسی نماز را سبک بشمارد خدا برکت را از عمر او برمی‌دارد و عمرش بدون هیچ حاصلی می‌گذرد. طول عمر دارد ولی عرض عمر ندارد.

## ب. برکت از عمر و روزی شما گرفته می شود

حضرت رسول اکرم ﷺ:

«سهل انگاری و استخفاف به نماز موجب فقر و تهیدستی و مانع روزی است.»<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره فرمود:

«مردم چیزی از کار دینشان چون نماز را برای به دست آوردن سود دنیا از دست نمی دهند، مگر آن که خدا به روی آنها چیزی را می گشاید که زیانش بیشتر است از آن سودی که به دست آورده اند.»<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام آن کسی است که از همه چیز دنیا، به یک لباس ساده و کفش وصله دار و نان جوین و نمک قناعت کرده بود به خلاف انسان های دنیا طلب و مال پرست، وی مؤمنان را انسان های پاک و ذاکری معرفی می کند که حتی فرزند هم که نور چشم او در دنیاست، وی را از نماز باز نمی دارد، و در واقع به فرستاده خدا تمسک کرده و نور چشم خویش را نماز می داند.

---

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص ۳۱۵، حدیث ۲، باب ۶۰ ما یورث الفقر و الغناء... ص ۳۱۴، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَشْرُونَ خَصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ... الْأَسْتِخْفَافُ بِالصَّلَاةِ.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص ۱۰۷، حدیث ۵، باب ۴۸ إيتار الحق علی الباطل و الأمر بقول الحق و إن كان مرا... ص ۱۰۶. نهج، نهج البلاغه قَالَ ﷺ لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ.

از این رو کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره دارد به قول پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: «روشنایی چشم من در نماز است.»<sup>۱</sup>

### ج. خداوند عزوجل نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«انسان صالح دارای ده نشانه می‌باشد آن‌ها عبارتند از: ۱ و ۲. دوستی و دشمنی برای خدا ۳ و ۴. رفاقت و ترک آن برای خدا ۵ و ۶. غضب و رضایت برای خدا ۷. عمل برای خدا ۸. دعوت به سوی خدا ۹. ترس برای خدا ۱۰. احسان برای خدا.»<sup>۲</sup>

کسی که نمازش را سبک بشمارد نشانه‌های انسان صالح از چهره او محو می‌شود، به‌گونه‌ای که دوستی و دشمنی، رفاقت و ترک آن، غضب و رضایت، ... همه برای غیرخدا هست.

انسان‌هایی که روح معنویت را با کمترین ثمن می‌فروشدند و نسبت به خالق خود پشت می‌کنند، حقیقتاً انسان‌های تهی‌دستی هستند و هرعملی به ظاهر نیکویی که از آن‌ها سر می‌زند، به سبب اینکه برای خدا نیست همانند کف روی آب بی‌ارزش می‌باشد.

---

۱. منهاج‌النجاح فی ترجمه مفتاح‌الفلاح، مقدمه ۲، ص ۳۶، فصل ۳ در اینکه خداوند در هر چیز به کم اکتفاء کرد و حد برای آن معین فرموده است مگر در ذکر و دعا، و در آن چهار تبصره است ... ص ۳۵.

۲. رهاورد خرد (ترجمه تحف‌العقول)، ص ۳۲، حدیث ۲، پاره‌ای از سخنان حکمت‌بار و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله ... ص ۲۷.



### د. در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود

از این جمله دو برداشت می‌توان کرد:

**برداشت اول:** انسان‌هایی که اعمال نیکویی انجام می‌دهند ولی رنگ و بوی الهی در آن نیست و به اصطلاح اعمال را برای غیر خدا انجام داده‌اند. در چنین اعمالی، خداوند متعال هیچ پاداشی برای آن‌ها در نظر نمی‌گیرد. زیرا که این فرد کار را برای غیر خدا انجام داده و از او انتظار پاداش باید داشته باشد.

**برداشت دوم:** در چنین اعمالی، خداوند متعال این عمل آن‌ها را هر چند که پوچ است، ولی بی‌جواب نمی‌گذارد. برای مثال: کسی کارخیر را برای رضای خدا انجام دهد، پاداش او حداقل ده برابر کارش می‌باشد، ولی اگر کار خیر برای غیر خدا باشد، خداوند به سبب لطفش حداقل به همان اندازه به او لطف می‌کند.

آنچه که از این روایت به آن اشاره شده است، برداشت اول است. اما به نظر می‌رسد برداشت دوم صحیح‌تر باشد. چرا که خداوند آن قدر کریم است و بعید است به این انسان غافل رحم نکند، بلکه بالاتر از آن خداوند متعال آن قدر بندگانش را دوست دارد و به سبب همین دوست داشتن با کمترین کار خیر به او پاداش می‌دهد.

### ه. دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد

خداوند متعال برای رسیدن به کمال انسان‌ها و رشد آن‌ها قوانینی را وضع کرده، در حالی که همه این قوانین در راستای یاری رساندن به ماست. زیرا که خداوند متعال عالم به همه هستی و همه مخلوقاتش می‌باشد، لذا تنها موجودی که می‌تواند برنامه‌ای جامع در راستای رشد ما ارائه کند، خداوند

متعال بوده و به سبب انجام کامل آن از سوی انسان‌ها، به نتیجه مطلوب خواهند رسید. و بهترین انسان، تابع محض نسبت به دستورات خداوند بوده، و هم‌چنین مروج آن احکام و دستورات به مردم، پیامبر اسلام است. حال آن انسانی که تابع محض خداوند است، مگر می‌شود دعایی کند و مستجاب نشود البته در صورتی که مصلحت در آن باشد. و اما انسان‌هایی که تابع دستورات پروردگار نیستند و نسبت به آن دستورات سهل‌انگاری می‌کنند، خداوند هم دعای آن‌ها را مستجاب نمی‌کند و یکی از مصادیق بارز آن سبک شمردن و سهل‌انگاری در نماز است، که چنین آثاری را به دنبال دارد.

**و. هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود**

انسانی که پل‌های پشت‌سر خود را خراب کند، دیگر راه برگشتی برای او نمی‌ماند، کسی که نسبت به نماز بی‌اهمیت باشد و آن را سبک بشمارد، مشمول دعای خیر بندگان شایسته خدا قرار نمی‌گیرد. چرا که خداوند متعال به اندازه کافی بلکه بیشتر به آن‌ها در دنیا فرصت داده است ولی آن انسان‌های غافل این فرصت‌ها را از دست داده‌اند و مورد غضب الهی قرار می‌گیرند.

## فصل دوم:

### هنگام مرگ

«خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می کند و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب می گیرد. سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده، نگه می دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند)، بازمی گرداند تا سرآمدی معین»<sup>۱</sup>

«کلمه موت به معنای مرگ و از دست دادن حیات است؛ مرگ در مفهوم قرآنی به معنای فوت و نیستی نیست بلکه به معنای توفی و وفات است. وفات به معنای گرفتن است و توفی به معنای گرفتن کامل و بی نقص چیزی می باشد. بر این پایه مرگ به معنای گرفتن کامل روح و جان انسان ها به دست خداوند و یا فرشته مرگ و یا نمایندگان فرشته مرگ است. این گرفتن به معنای انتقال از جهانی به جهانی دیگر و از حالتی به حالتی کامل ترمی باشد. مرگ نه تنها در پایان زندگی بلکه در هر لحظه اتفاق می افتد

---

۱. سوره زمر ۳۹، آیه ۴۲: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾.

و انسان هر لحظه جامه‌ای را می‌کند و جامه نویی از زندگی می‌پوشد. از این رو خداوند هر لحظه‌ای از زمان در شأنی از شئون آفریده‌های خویش است و آنان را به سوی کمال رهنمون می‌سازد. اگر خداوند متعال لحظه‌ای عنایت خودش را از این عالم بردارد، همه هستی نیست می‌شود و از هم فرو می‌پاشد و نظام هستی در هم می‌پیچد.<sup>۱</sup>

و اما مصائبی که هنگام مرگ به انسان گناهکار می‌رسد بدین ترتیب است:

### الف. با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد

از هر مومنی سؤال شود، در هنگام مرگ و در حالت احتضار خودت دوست داری چه کسانی بالای سرت باشند؟ در جواب به این سؤال می‌گوید، پیامبران الهی و اهل بیت علیهم‌السلام و هم‌چنین خانواده‌ام. حالا سؤال دوم: پیامبران الهی و اهل بیت علیهم‌السلام بر بالین چه کسانی می‌روند؟ برای جواب به این سؤال، روایاتی را بیان می‌کنیم.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«نمازت را سبک بشمار که همانا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگام رحلتش فرمود: هر کس نماز را سبک بشمارد از من نیست. یعنی از دین من خارج شده است.»<sup>۲</sup>

از این روایت این‌گونه برداشت می‌شود، پیامبر الهی و اهل بیت علیهم‌السلام بر بالین کسی می‌روند که هنگام مرگ مسلمان از دنیا برود، نه مسلمان اسمی و

1. <http://www.maarefquran.org>.

۲. من لایحضره‌التقیه، ترجمه غفاری، ج ۱، ص ۳۰۷، حدیث ۶۱۷، در بیان واجب بودن نماز... ص ۲۸۵.

ظاهری، بلکه مسلمان واقعی. و یکی از علامت‌های مهم مسلمان واقعی، نماز با کیفیت می‌باشد. یکی از اتفاقاتی که برای مؤمن، هنگام ترک دنیا می‌افتد این است که ملک‌الموت، هنگامی که برای گرفتن جان‌ش می‌آید، به او دلداری داده و می‌گوید:

«من از پدر مهربان هم، نسبت به تو مهربان‌تر و دلسوزترم. چشم‌هایت را باز کن و ببین. وقتی او چشم‌هایش را باز می‌کند، می‌بیند که پیامبر و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه زهرا علیهم‌السلام نزد او آمده‌اند. او با دیدنشان خوشحال می‌شود. از جانب عرش ندایی، مؤمن را خطاب قرار داده و می‌گوید: ای نفس مطمئن با محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آلش! به نزد پروردگارت برگرد که هم تو از او خوشنودی هم او از تو خوشنود است. به جمع بندگانم پیوند و وارد بهشت شو.»<sup>۱</sup>

اما کافران سرنوشت دیگری برایشان رقم می‌خورد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «وقتی فرشته مرگ برای گرفتن روح کافر نازل می‌شود، همراه خود سیخی آتشین دارد که با آن روح کافر را می‌گیرد. پس جهنم ناله می‌زند. ... این بلا برای حاکمان ظالم یا کسانی که مال یتیمی را خورده باشند یا شهادت دروغ داده باشند، حتی اگر مسلمان هم باشد،

---

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ج ۶، ص ۱۶۲ و ۱۶۳، حدیث ۳۱، باب ۶ سكرات الموت و شدائده و ما يلحق المؤمن و الكافر عنده... ص ۱۴۵ و بخش امامت (ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الأنوار)، ج ۲، ص ۸۳، بخش سی و چهارم ائمه علیهم‌السلام اهل رضوان و درجات عالی هستند و دشمنانشان مستوجب سخط و عقوباتند... ص ۸۱.

اتفاق خواهد افتاد و اختصاصی به کافر ندارد.<sup>۱</sup>

زمانی آدمی از نماز دور و دورتر می‌شود، به راحتی از شیطان، تبعیت می‌کند و او انسان را به اسفل سافلین سوق می‌دهد و گناه کردن برای این انسان عادی می‌شود. وقتی انسان گناهکار در این حالت قرار بگیرد ذهنش غرق در اعمال خود شده در حالی که می‌داند هیچ کسی یار و یاور او نیست. این حالت از لحظه احتضار برایش به وجود می‌آید، آن لحظه‌ای است که انسان گناه‌کار باحالت زبونی و خواری جان می‌دهد.

#### ب و ج: گرسنه و تشنه جان می‌سپارد

به گونه‌ای که اگر آب تمام رودخانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد.

در تاریخ انسان‌هایی بودند که با زاویه گرفتن از حقیقت اسلام و روح نماز دچار این مجازات‌ها شده‌اند. برای مثال می‌توان از ابن‌زبیر نام برد که به خاطر هوای نفس خود به جنگ‌افروزی به نام اسلام پرداختند و ایشان در حالی که غذای زیادی می‌خورد ولی احساس سیری نمی‌کرد و عبیدالله بن زیاد قاتل امام

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۵۳-۲۵۴، حدیث ۱۰، باب النوادر ص ۲۵۰. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْتَكَى عَيْنَهُ فَعَادَهُ النَّبِيُّ ص فَإِذَا هُوَ يَصِيحُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص أجزعاً أم وجعاً «۴» فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا وَجَعْتُ وَجَعاً قَطُّ أَشَدَّ مِنْهُ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ إِذَا نَزَلَ لِقَبْضِ رُوحِ الْكَافِرِ نَزَلَ مَعَهُ سَفُودٌ «۵» مِنْ نَارٍ فَيَنْزِعُ رُوحَهُ بِهِ فَتَصِيحُ جَهَنَّمُ فَاسْتَوَى عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِساً فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعِدْ عَلَيَّ حَدِيثَكَ فَلَقَدْ أَنَسَانِي وَجَعِي مَا قُلْتُ ثُمَّ قَالَ هَلْ يُصِيبُ ذَلِكَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِكَ - قَالَ نَعَمْ حَاكِمٌ جَائِرٌ وَ آكَلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ شَاهِدُ زُورٍ.

حسین علیه السلام به نفرین امام دچار شد در حالی که آب زیادی مصرف می‌کرد ولی احساس سیرابی نداشت. به واقع آن چه که باعث شد این دو از مسیر اصلی اسلام خارج شوند، دوری از خدا بود، چرا که ابزار آن یعنی نماز و اهل بیت علیهم السلام را به سخره گرفته‌اند و عقاب دنیایی خود را چشیده‌اند وای به حال آن‌ها از عقاب اُخروی.

## فصل سوم: در عالم قبر و قیامت

- مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می‌گردد بدین قرار می‌باشد:
۱. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.
  ۲. خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند.
  ۳. قبرش، تاریک می‌شود.

### هول و هراس در قبر

روایتی از حضرت علی علیه السلام که فرمودند:

«برای کسی که بعد از مرگش آمرزیده نشود، عذاب قبرش از خود مرگش شدیدتر است، همانا قبر هر روز می‌گوید: من خانهٔ غربتم. من خانهٔ وحشتم. من خانهٔ کرم هستم و قبر برای مؤمنان باغی از باغ‌های بهشت و برای گناهکاران گودالی از گودال‌های آتش است. زندگی و معیشت سختی که خدا دشمنان خودش را از آن ترسانده، عذاب قبر است. اگر بنده‌ی مؤمنی به خاک سپرده شود، زمین به او می‌گوید: أهلاً و مرحباً یعنی خوش آمدی، تو از کسانی بودی که من تو را دوست می‌داشتم که روی من راه بروی، و اگر اختیارت به دست من بیافتد،



پس می‌دانی چه رفتاری با تو خواهیم داشت و قبر او وسعت پیدا می‌کند به اندازه‌ی دید چشم. و اگر کافری دفن شود، زمین به او می‌گوید: لا مرحباً بک و لا أهلاً یعنی بی‌خودی آمدی و بدا به حال تو، هر آینه تو از کسانی بودی که من بدم می‌آمد که تو بر روی من راه بروی، و اگر اختیارات به دست من بیافتد، پس می‌دانی که من با تو چه خواهیم نمود، پس آن‌گاه آن چنان فشار می‌دهد که دنده‌هایش به هم می‌رسد و نود و نه مار بر او مسلط می‌کنم که بدنش را نیش بزنند و استخوانش را بشکنند و تا روز قیامت در تردد و رفت و آمد خواهد بود<sup>۱</sup> و مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود، عبارت است از:

۱. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را بر روی زمین می‌کشند.
  ۲. سخت از او حساب می‌کشند.
  ۳. خداوند هرگز نظر رحمت به او ننموده و از بدی‌ها پاکیزه‌اش نمی‌گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.
- پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

«رسیدن به بهشت با سختی‌ها آمیخته است و رسیدن به آتش با شهوات آمیخته است»<sup>۲</sup>.

---

۱. الغارات، ترجمه آیتی، ص ۸۷، حدیث ۱۷۴، خبر رفتن محمد بن ابی‌بکر به مصر و حکومت او بر مصر... ص ۸۲.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۸، ص ۷۲، حدیث ۴، باب ۶۲ الصبر و الیسر بعد العسر... ص ۵۶ الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا

◀

بهشت با گذر از سختی‌ها به دست می‌آید پس باید بر سختی‌ها صبر پیشه کرد.  
 «پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صبر را بر سه قسم تقسیم می‌فرماید:

۱. صبر بر مصیبت

۲. صبر بر طاعت

۳. صبر از گناه کردن

هر که در مصیبت، صبر کند تا آن‌را به تسلی خوبی جواب گوید، خدا  
 برایش سیصد درجه نوپسد که میان هر درجه تا درجه دیگر به مانند میان  
 آسمان است تا زمین و هر که بر طاعت صبر کند خدا برایش ششصد درجه  
 نوپسد که میان درجه‌ای تا درجه دیگر از عمق زمین است تا عرش و هر که  
 بر معصیت صبر کند، خدا برایش نهصد درجه نوپسد که میان هر درجه تا  
 درجه دیگر از عمق زمین تا پایان عرش باشد.<sup>۱</sup>  
 اما آثار نماز در برزخ و قیامت:

### مونس انسان در قبر

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«نماز مونس نمازگزار در قبرش، فراش نیکو در زیرش و پاسخ نمازگزار

---

....→  
 دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ جَهَنَّمَ مُحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أُعْطِيَ نَفْسَهُ لَذَّتْهَا وَ شَهَوَاتِهَا  
 دَخَلَ النَّارَ.

۱. *أصول الكافی*، ترجمه کمره‌ای، ج ۴، ص ۲۷۹، حدیث ۱۵، باب صبر ... ص ۲۶۷.

برای نکیر و منکر می‌باشد.<sup>۱</sup>

### دیدار ملائکه از انسان در قبر

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«کسی که به قصد شرکت در نماز جماعت و به سوی مسجد گام برمی‌دارد، خداوند متعال در مقابل هر گامی که برمی‌دارد، هفتاد هزار حسنه به او پاداش می‌دهد و به همین میزان نیز درجات وی بالا خواهد رفت و اگر در چنین حالتی بمیرد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را مأمور می‌نماید تا در قبر به دیدار او رفته، وی را بشارت دهند و در تنهایی قبر انیس او باشند و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش کنند.»<sup>۲</sup>

### نجات از وحشت قبر

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که رکوعش تمام و کامل باشد هرگز دچار وحشت قبر نمی‌شود.»<sup>۳</sup>

مقبولیت دیگر اعمال در سایه نماز:

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

«هر عملی پیرو نماز است از این رو عروج دیگر اعمال در سایه سار

---

۱. الخصال، ترجمه جعفری، ج ۲، ص ۲۹۳، حدیث ۱۱، نماز بیست و نه خصلت دارد... ص ۲۹۳.

۲. الأُمالی (للصدوق)، ترجمه کمره‌ای، متن، ص ۴۳۲، مجلس شصت و ششم.

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶، ص ۲۴۴، حدیث ۷۱، باب ۸ أحوال البرزخ و القبر و عذابه و سؤاله و سائر ما يتعلق بذلك... ص ۲۰۲. دَعَوَاتُ الرَّأْوَدِيِّ، قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ يَدْخُلْهُ وَحْشَةُ الْقَبْرِ.

نماز میسر می‌شود.<sup>۱</sup>

و همچنین فرمودند:

«اگر نماز مورد قبول واقع شود دیگر اعمال هم قبول می‌شود و اگر رد

شود دیگر اعمال هم رد خواهد شد.»<sup>۲</sup>

معاف از عذاب و ورود بی‌حساب به بهشت:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«من تعهدی نسبت به بنده‌ام دارم که اگر نماز خود را در وقتش به پا

دارد، او را عذاب نکنم و بدون حساب او را به بهشت ببرم.»<sup>۳</sup>

سکونی از امام صادق علیه السلام و او از پدرانش علیهم السلام روایت می‌کند که رسول

خدا ﷺ فرمود:

«تنگی قبر و فشار آن به مؤمن برای آن است که او نعمت‌ها را ضایع

می‌نمود و این تنگی و فشار قبر کفاره آن عمل محسوب می‌گرددویکی

از نعمت‌ها خداوند به بندگانش، اقامه نماز است.»<sup>۴</sup>

عدم ملاقات با رسول خدا ﷺ در کنار حوض کوثر:

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۷، ترجمه دشتی، به نقل از کتاب رازهای نماز، آیت‌الله جوادی آملی، ص ۱۸.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۶۸، حدیث ۴، باب من حافظ علی صلاته أو

ضیعتها... ص ۲۶۷، به نقل از کتاب «رازهای نماز» آیت‌الله جوادی آملی، ص ۱۰. إن

قبلت قبلت ما سواها و إن ردت ردت ما سواها.

۳. کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۹۰۳۶ قال الله عزوجل: إن لعبدي علی عهداً إن اقام

الصلوة لوقتها أن لا أؤدبهُ و أن أدخلهُ الجنة بغير حساب.

۴. ایمان و کفر (ترجمه کتاب الایمان و الکفر بحار الأنوار جلد ۶۴، ترجمه

عطاردی)، ج ۲، ص ۱۱۲، حدیث ۶۴، در شکر... ص: ۱۰۰.

«کسی که نماز را سبک شمارد از من نیست، به خدا سوگند که بر حوض ملاقات نخواهد کرد.»<sup>۱</sup>

ما در این بخش آثار و کیف‌سهل‌انگاری می‌کند را در همه عوالم دنیا، قبر، برزخ و قیامت مورد بررسی قرار دادیم و هدف نگارنده از بیان این بخش این است که وقتی ما انسان‌ها از آثار وضعی، عملی و هم‌چنین مجازات آن آگاهی داشته باشیم، نسبت به انجام و یا ترک آن عمل احتیاط بیشتری می‌کنیم. همان‌گونه که قرآن در آیات متفاوت به مسلمانان بشارت بهشت و هم‌چنین بیم و ترس از عذاب جهنم می‌دهد:

«ما تو را به حق، برای بشارت و انذار فرستادیم و هر امتی در گذشته انذار کننده‌ای داشته است.»<sup>۲</sup>

و یکی از اهداف خداوند متعال از بیان انذار و بشارت آگاهی انسان‌ها و اتمام حجت با آن‌ها می‌باشد، چراکه بعضی از انسان‌ها در روز قیامت اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و خداوند بدین اسباب به آن‌ها پاسخ می‌گوید.

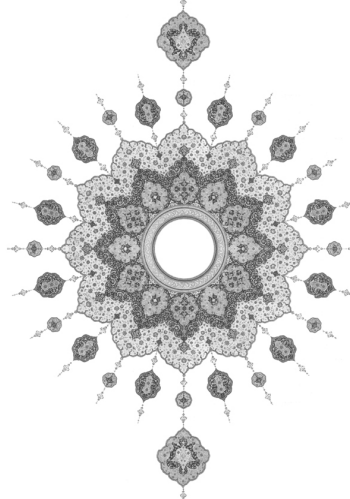
---

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ج ۸۰، ص ۲۶، حدیث ۳۷، باب ۶ الحث علی المحافظة علی الصلوات و أدائها فی أوقاتها و ذم إضاعتها و الاستهانة بها... ص ۱ قال رسول الله ص لیس منی من استخف بصلاته - لا یرد علی الخوض لا و الله.

۲. سوره فاطر: ۳۵، آیه ۲۴؛ «إنا أرسلناک بالحق بشیراً ونذیراً وإن من أمة إلا خلا فیها نذیر».



بخش چهارم:  
راه‌های درمان سهل‌انگاری  
در نماز







انسان برای رسیدن به کمال الهی باید به نماز خودش اهمیت فراوان دهد، مقتضای این اهمیت، انتظار وقت نماز از سوی مکلف می‌باشد یعنی مانند کسی باشد که با یک شخصیت مهم وعده ملاقات گذاشته و به خاطر وفا به این وعده، لحظه شماری می‌کند. قول و قرار دیگری را که با این وعده منافات دارد، نمی‌پذیرد، حتی اگر قرار قبلی با دیگران گذاشته است با عذرخواهی آن را لغو می‌کند. برای این ملاقات، خود را آماده می‌سازد بنابراین باید چنین حالتی در نمازگزار باشد که با نزدیک شدن وقت نماز در چهره و رفتار او این انتظار مشاهده شود. و این حال زمانی برای انسان‌ها واقع می‌شود که پرده‌های حجاب از فکر، ذهن و چشمان آن‌ها دور شود، زیرا این حجاب‌ها مانع رشد و کمال آدمی می‌شود و ما باید درصدد درمان سهل‌انگاری‌هایی که موجب دوری میان خالق و مخلوق و ایجاد شکاف این‌چنینی می‌شود، باشیم. در این بخش به راه‌های درمان سهل‌انگاری در نماز می‌پردازیم و آن را در چهار فصل بررسی می‌نماییم.

## فصل اول:

### راه‌های فردی درمان سهل‌انگاری در نماز

#### براساس آیات و روایات

بهترین ابزار پرستش خداوند متعال، نماز است، هرچند نماز جزء اصول دین نیست، ولی با این حال، از آن دسته فروعی است که در ادیان گذشته به گونه‌ای وجود داشته و بسیاری از انبیای الهی از آن بهره‌مند شده‌اند و در دین اسلام نماز به عنوان ستون دین نام برده شده است. ما برآنیم که هرچند اجمالی راه‌های فردی درمان سهل‌انگاری در نماز را، براساس آیات و روایاتی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم و نمایان سازیم که در نظر عمیق آن بزرگواران، نماز آن چنان اهمّیت داشت که، هنگام آدایش سر از پا نمی‌شناختند.

**الف. درمان سهل‌انگاری با بررسی کیفیت نماز حقیقی و کامل که نتیجه آن تقرّب به خدا است**

«کمال انسان در تخلّق به اخلاق الهی است، پس هر چه انسان ملکوتی‌تر شود و از عالم ماده و تعلّقات و آرایش‌های آن وارسته شود و به یک سخن، هر چه بشر به مقام ربوبی نزدیک‌تر شود، به همان اندازه به کمال مطلوب

انسانی نزدیک‌تر می‌گردد. انسان پرهیزگار که از دیدگاه اسلام نمونه‌ی انسان کامل است با نماز به خدا تقرّب می‌جوید و بدین وسیله به منبع و سرچشمه کمال نزدیک‌تر می‌شود.

در این باره رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«نماز وسیله تقرّب هر انسان با پرواست»<sup>۱</sup>.

حضرت نماز را موجب نزدیکی باتقویان به خدا می‌داند. خدا با آنانی است که روحشان را از هر پلیدی و زشتی حفاظت کرده و در دژی مستحکم از همه آفت‌ها، دور نگه می‌دارند. درباره این که نماز بین خالق و مخلوق ایجاد چگونه قربی می‌کند، باید گفت قرب چهار مرتبه دارد؛ قرب زمانی، قرب مکانی، قرب معنوی و قرب الهی.<sup>۲</sup>

«قرب زمانی، مثل این که می‌گوییم زمان حضرت رسول اکرم ﷺ نزدیک‌تر است از زمان حضرت عیسی به ما. قرب مکانی، مثل این می‌گوییم ماه به ما نزدیک‌تر است از خورشید.

قرب معنوی، مثل این که می‌گوییم عالمان به رسول خدا ﷺ از جاهلان نزدیک‌ترند. یا آن که بگوییم فلانی نزدیک‌تر است به پدرش از پسر دیگر او. قرب الهی برتر و بالاتر و دقیق‌تر است از قرب معنوی. قرب خداوند به تمام موجودات از جهت احاطه رحمت و فیض الهی یکسان است، چنان که فرمود:

«هر جا که باشید او با شماست»<sup>۱</sup>.

۱. شرح فارسی شهاب‌الأخبار، ص ۸۶، حدیث ۲۰۷، الباب الاول. الصلوة قربان کل تقی.

2. <http://www.hawzah.net>.

۱. سوره حدید: ۵۷، آیه ۴؛ «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ».

لکن قرب مخلوقات نسبت به او تفاوت بسیاری دارد. قرب و نزدیکی هر کسی نسبت به خداوند متعال به قدر کمالات نفسانی اوست؛ چون ذات کبریایی، کامل مطلق است و کسی به او نزدیک‌تر است که نسبت به دیگران از حیث کمالات نفسانی و روحانی کامل‌تر شده است.<sup>۱</sup>

با توجه به آن چه گفته شد، معلوم می‌شود که نماز حقیقی و کامل، عملی است که با آن، انسان به قرب معنوی می‌رسد و بر اثر مداومت و حضور قلب و رفع نقایص و درمان سهل‌انگاری‌ها به خداوند متعال نزدیک‌تر و مقام و منزلتی خاص در پیشگاه الهی پیدا می‌کند. با بیان این مطالب، مقام و منزلتی که بعضی از انسان‌ها در درگاه الهی یافتند قابلیت فهم و درک بیشتر برای دیگران خواهد داشت. چرا که آن‌ها از همه وابستگی‌های مادی دل‌کنده و دلشان را برای خالق خود صیقل داده و غرق در عالم معنویت شده‌اند تا به مقام قرب الهی برسند. لذا اگر احوالاتی از این اشخاص نقل می‌کنند و عقل مادی ما ناتوان از درک آن حقایق است، به‌خاطر این است که ما ذهنیت مادی به همه حوادث داریم و با عالم مادی آن‌را مقایسه می‌کنیم در این صورت است که دچار اشتباه می‌شویم. برای مثال: «فردی از خراسان نزد امام صادق علیه السلام آمد و او را به جنگ برای باز پس‌گیری خلافت دعوت کرد. اما امام به خراسانی دستور داد وارد تنور پر از آتش شود و او از این عمل خودداری کرد، در همین موقع هارون مکی وارد شد کفش‌های خود را به دست گرفته بود. عرض کرد السّلام علیک یا ابن رسول اللّٰه. امام فرمود:

۱. فرهنگ جهاد، بهار ۱۳۸۶، شماره ۴۷، نماز در قرآن <http://www.hawzah.net>.

علیکم‌السلام، نعلین را از دست بیانداز برو داخل تنور بنشین. نعلین را انداخت و داخل تنور نشست. امام شروع کرد با خراسانی به صحبت کردن از جریانهای خراسان مثل اینکه در خراسان بوده، بعد فرمودند خراسانی برو ببین در تنور چه خبر است، من به طرف تنور رفتم دیدم هارون مکی چهار زانو در تنور نشسته به امر امام از تنور خارج شد و به ما سلام کرد؛  
امام علیه‌السلام فرمودند:

«از این‌ها در خراسان چند نفر پیدا می‌شود؟ عرض کردم به خدا قسم یک نفر هم نیست. فرمودند: ما در زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد، ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می‌دانیم.»<sup>۱</sup>

**ب. درمان سهل‌انگاری با بررسی نقش نماز در سیره عملی انبیا و اولیای الهی**  
قرآن کریم درباره نماز انبیا به تفصیل سخن گفته است. حضرت ابراهیم علیه‌السلام به خداوند عرض کرد:

«پروردگارا من و ذریه مرا در زمره نمازگزاران قرار ده.»<sup>۲</sup>

خداوند متعال درباره حضرت اسماعیل می‌فرماید:

«اسماعیل کسان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود.»<sup>۳</sup>

درباره حضرت موسی علیه‌السلام آمده است:

«پس مرا به یگانگی بپرست و نماز را برای من اقامه کن.»<sup>۱</sup>

---

۱. زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام (ترجمه جلد ۴۷ بحار الأنوار)، ص ۶۹.  
۲. سوره ابراهیم: ۱۴، آیه ۴۰؛ «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبِلْ دُعَاءً».  
۳. سوره مریم: ۱۹، آیه ۵۵؛ «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا».  
۱. سوره طه: ۲۰، آیه ۱۴؛ «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».

درباره حضرت شعیب آمده است:

«قوم شعیب به او گفتند: آیا این نماز تو، تو را امر می‌کند که دعوی رسالت کنی و ما را از بت پرستی منع کنی.»<sup>۱</sup>

درباره حضرت زکریا آمده است:

«پس زکریا را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود.»<sup>۲</sup>

درباره حضرت عیسی آمده است:

«عیسی گفت: پروردگار، مرا به نماز و زکات تا زنده‌ام سفارش فرموده است.»<sup>۳</sup>

«نماز را به پا دارید، زکات را بپردازید و از فرستاده خدا فرمان ببرید باشد که مورد رحمت او واقع شوید.»<sup>۴</sup>

«نماز را به پا دارید، زکات را بپردازید و به خدا متوسل شوید. او دوستدار و سرپرست شماست و او بهترین یاریگر و سرپرست برای شماست.»<sup>۱</sup>

۱. سوره هود: ۱۱، آیه ۸۷؛ «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ».

۲. سوره آل عمران: ۳، آیه ۳۹؛ «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ».

۳. سوره مریم: ۱۹، آیه ۳۱؛ «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا».

۴. سوره نور: ۲۴، آیه ۵۶؛ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

۱. سوره حج: ۲۲، آیه ۷۸؛ «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

«نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌دهند و از خدا و فرستاده او فرمان می‌برند.»<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام هنگامی که شنید مردی دنیا را نکوهش می‌کند، ضمن بیان جملاتی شیوا و پرمحتوا در توبیخ او، صفات پسندیده‌ای را برای دنیا برشمرد که از جمله آن‌ها این است:

«به درستی که دنیا مسجد محبان خداست و نمازگاه فرشتگان خدا...»<sup>۲</sup>

دوستان خدا، همیشه، در هر جا و در هر حال که باشند یاد خدا و نعمت‌های او را با خود دارند و به شکرانه همه مواهبی که به آنان عطا شده است، در هر فرصتی که به دست آورند به نماز می‌ایستند و در پیشگاه عظمت آن ذات متعال به سجده افتاده و پیشانی بر خاک می‌نهند.

با توجه به سیره عملی انبیا و اولیای خدا نسبت به نماز روشن می‌شود که نماز جایگاه ویژه‌ای میان این بزرگواران داشته است. چرا که بهترین راه ارتباط با خداوند متعال از این طریق بوده است، لذا فرد با مطالعه سیره انبیا و اوصیای الهی به این نکته توجه می‌کند که آنان به واسطه نماز و اهتمام به آن به درجات عالی رسیده‌اند و آگاهی از این امر باعث می‌شود هر کسی که می‌خواهد مشی انبیای الهی داشته باشد باید همانند این بزرگواران از نماز بهره‌های فراوانی به دست بیاورد و برای رسیدن به نماز کامل باید درصدد

۱. سوره توبه: ۹، آیه ۷۱: «وَيُؤْتُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»  
۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱. إِنَّ الدُّنْيَا... مَسْجِدٌ أَحْبَبَّ إِلَهُ وَ مُصَلًى مَلَائِكَةِ اللَّهِ...

درمان نقصان‌ها و سهل‌انگاری‌ها در امر نماز باشد.

### ج. درمان سهل‌انگاری با بررسی جایگاه نماز در قرآن

جایگاه نماز به عنوان تکلیف الهی در آیات متعدد قرآن کریم مطرح شده است به گونه‌ای که از هیچ کسی این تکلیف سلب نمی‌شود و اهمیت نماز زمانی خودش را نمایان می‌سازد که همیشه قرآن به اقامه آن توصیه کرده است و هیچ‌گاه به اقامه‌ی فردی توصیه نکرده است و این امر دلایل فراوانی دارد از جمله اینکه خداوند ذات من و شما را بهتر درک می‌کند و می‌داند که نفس ما طالب اجتماع هست و در اجتماع خوب به آرامش می‌رسد. زیرا کسی که منزوی می‌شود و از پاسخ به نیاز حقیقی ذاتی خود فرار می‌کند، دچار بیماری‌های روحی و روانی شده و باید درصدد درمان برآید.

البته خداوند متعال با توصیه به نماز اول وقت و آن هم به جماعت، در حقیقت ما را از گرفتار شدن به این بیماری نجات می‌دهد و جایگاه این شعار، پیشگیری بهتر از درمان است، اینجاست.

ما برای نمونه آیاتی که جایگاه و اهمیت اقامه نماز را بیان می‌کند در ذیل آورده‌ایم.

«کسانی که به جهان غیب ایمان آرند نماز را به پا می‌دارند و از هر چه روزیشان کردیم، انفاق می‌کنند.»<sup>۱</sup>

«نماز را به پای دارید و زکات بدهید و با خداپرستان حق را پرستش کنید.»<sup>۲</sup>

۱. سوره بقره: ۲، آیه ۳: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ».

۲. سوره بقره: ۲، آیه ۴۳: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ».



«از خداوند با صبر و نماز یاری بجوئید و صبر و نماز به غیر از خاشعان بر دیگران دشوار است.»<sup>۱</sup>

«به یاد آر هنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از هر پلیدی پاکیزه دارید برای این که اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا به‌جای آرند.»<sup>۲</sup>

«نیکوکار کسی است که... نماز را بپا دارد و زکات بپردازد و نیز کسانی که هنگامی که عهد می‌بندند به عهدشان وفا می‌کنند.»<sup>۳</sup>

«مؤمنان کسانی‌اند که اگر در زمین قدرت و مکنت دهیم، آن‌ها نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند.»<sup>۱</sup>

لذا با بررسی و توجه به مفاهیم آیات قرآن کریم، جایگاه والای نماز را بهتر درک کرده و باعث درمان سهل‌انگاری و توجه بیشتر به امر نماز می‌شویم.

---

۱. سوره بقره: ۲، آیه ۴۵؛ «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ».

۲. سوره بقره: ۲، آیه ۱۲۵؛ «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».

۳. سوره بقره: ۲، آیه ۱۷۷؛ «وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».

۱. سوره حج: ۲۲، آیه ۴۱؛ «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

### د. درمان سهل‌انگاری با بررسی احوالات کسانی که نماز را بر پایه یقین و ولایت اقامه نمی‌کردند

«حضرت علی علیه السلام صدای یکی از خوارج را شنید که نماز شب می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کرد، فرمود: خواب توأم با یقین بهتر از نماز با شک است.»<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که از ابتدای سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام معلوم می‌شود که منظور از «نماز با شک» نماز استجابی و نماز شب است؛ زیرا نماز واجب در هیچ حالتی ساقط نمی‌شود، مگر این که بگوییم امام علیه السلام درصدد بیان این مطلب است که نماز بدون ولایت نماز نیست، نه این که اصلاً نماز نخواند. نمازی که برپا داشتن آن توصیه شده، از نماز گزارانی مورد انتظار است که دل‌های‌شان سرشار از یاد خدا و عشق به او باشد.

حضرت علی علیه السلام درباره یقین فرموده‌اند:

«آن چه بر یقین دلالت می‌کند کوتاهی آرزو؛ خالص گردانیدن عمل و بی‌رغبتی به دنیا است.»<sup>۱</sup>

برپا داشتن نماز از کسانی پسندیده است که از آرزوهای دور و دراز دنیوی چشم پوشیده و اعمالشان را برای خدا خالص کرده‌اند و هیچ سخنی و عملی نمی‌تواند در نیت پاکشان خللی وارد کند؛ نماز توأم با شناخت، درک، شعور و

۱. شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، ج ۱۸، حدیث ۹۳ و من کلامه علیه السلام فی التعرض للعبادة مع الجهل بالمعبود... ص ۲۵۳ و سَمِعَ رَجُلًا مِنَ الْحَرَوْرِيَّةِ، يَتَهَجَّدُ وَيَقْرَأُ فَقَالَ: نَوْمٌ عَلَيَّ يَقِينٌ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ.

۱. عيون الحكم والمواعظ، ص ۵۵۵، حدیث ۱۰۲۳۴. يُسْتَدَلُّ عَلَى الْيَقِينِ بِقِصْرِ الْأَمَلِ وَإِخْلَاصِ الْعَمَلِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا.

فهم، دارای ارزش است و بدون آن جسم بی‌روحی است که ارزشی ندارد. همین است که گفته می‌شود اگر انسان شب بخوابد و نماز شب نخواند اما دلش آکنده از یقین و شناخت و معرفت باشد، بهتر از کسی است که شب تا سحر بیدار بماند و نماز بخواند.

بنابراین کسی که بدون شناخت حقیقی نماز بخواند هم‌چون خوارج فردی متحجر و بی‌معرفت است. حضرت برای خوارج روشن فرمود که نماز شب و قرآن خواندن اینان که امام خود را نشناخته و در یکی از ارکان دین تردید دارند، بی‌نتیجه است. اگر نمازگزار نماز با معرفت و یقین به جا آورد، به اقتضای درجه معرفت و یقین نمازگزار حلاوت و شیرینی نماز را درک می‌کند و تحت هیچ شرایطی دست از عشق‌بازی با خداوند متعال بر نمی‌دارد، چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

«مردانی هستند که تجارت و دادوستد دنیا، آن‌ها را از یاد خدا و اقامه نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.»<sup>۱</sup>

بسیاری از مردم برای به دست آوردن مال دنیا و حتی رسیدگی بیش از حد به فرزندان و خانواده، نمازهای واجب خود را سست می‌خوانند و چه بسا نمازشان را تعطیل می‌کنند. این‌گونه افراد فکر می‌کنند که با اِعمال این روش‌ها می‌توانند بر مال خود بیفزایند؛ غافل از این که رزق و روزی به دست

۱. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۰، حدیث ۷ باب تحریم إضاعة الصلاة و وجوب المحافظة علیها... ص ۲۷ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تُضَيِّعُوا صَلَوَاتِكُمْ فَإِنَّ مِنْ ضَيِّعِ صَلَاتِهِ حُشِيرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ - وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فَأَلْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ وَ أَدَاءِ سُنَّتِهِ.

توانای خداست و حرص زدن و جان‌کندن نه تنها چیزی به آن مقدار نمی‌افزاید، بلکه ممکن است از آن بکاهد. به‌راستی چه زمانی ما این حرص، طمع و... که نتیجه سهل‌انگاری در اعمال ماست را درمان می‌کنیم. آری یکی از راه‌های درمان سهل‌انگاری، بررسی احوالات کسانی که نماز را بر پایه یقین و ولایت اقامه نمی‌کردند، وقتی به سرنوشت این افراد آگاهی داشته باشیم و عامل گمراهی آن‌ها چهل به نتیجه کار خودشان بدانیم، یقیناً انسان عاقل از این تجربه نهایت استفاده را می‌کند و درصدد برمی‌آید که سیره عملی و زندگانی انسان‌های موفق را سرلوحه زندگی خود گرداند.

#### هـ. درمان سهل‌انگاری با اهمیت دادن به نماز اول وقت

آیت‌الله مصباح می‌فرماید: نماز اول وقت، سرّ عظیمی دارد. این که انسان اهتمام داشته باشد و مقید باشد که نماز را اول وقت بخواند، فی حدّ نفسه آثار زیادی دارد، ولو حضور قلب هم نباشد. آیت‌الله بهجت از مرحوم آیت‌الله قاضی رحمته‌الله نقل می‌کردند که ایشان می‌فرمود: «اگر کسی که نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیّه نرسد، مرا لعن کند! و یا فرمود: به صورت من آب دهان بیندازد.»<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین به محمدبن ابی بکر توصیه کرده است:

«نماز را در وقت معین آن بخوان و برای این که بعداً راحت باشی، پیش از وقت فضیلت آن‌را به جا نیاور و به بهانه کار داشتن، آن‌را به

۱. کتاب اسوه عارفان، ص ۸۷.

تأخیر مینداز.»<sup>۱</sup>

درباره فضیلت خواندن نماز در وقت آن و عقوبت تأخیر انداختن در ادای آن، روایات بسیاری وارد شده است، برای نمونه:  
از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که:

«فضیلت نماز اول وقت بر آخر وقت مثل فضیلت آخرت است بر دنیا و هم‌چنین فرموده‌اند: «اول الوقت رضوان الله، و آخره عفو الله»<sup>۲</sup>  
امام علی علیه السلام درباره اوقات شرعی نمازها به یکی از حاکمان شهرها نوشت:  
«نماز ظهر را به جماعت هنگامی به پا دارید که سایه آفتاب به اندازه دیوار خوابگاه بزی برگردد و نماز عصر را با آنان هنگامی بخوانید که خورشید در پاره‌ای از روز روشن و درخشان است و می‌توان تا هنگام مغرب، پیاده دو فرسخ راه را پیمود و نماز مغرب را با آنان هنگامی به جا آورید که روزه دار افطار می‌کند و حاجی به منی روانه می‌شود و نماز عشا را با آن‌ها زمانی بخوانید که ثلثی از شب گذشته و سرخی پنهان می‌گردد و نماز صبح را با آن‌ها هنگامی به پا دارید که شخص، چهره رفیق و همراه خود را بشناسد»<sup>۱</sup>.

---

۱. نهج البلاغة (للصباحی صالح) ص ۳۸۴، ۲۷ و من عهد له علیه السلام إلى محمد بن أبی بکر رضی الله عنه حين قلده مصر... ص ۳۸۳ صَلَّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبَهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لَأَ تَعَجَّلَ وَقْتَهَا لِفِرَاعٍ وَ لَأَتَوَخَّرَهَا عَنْ وَقْتِهَا لِإِسْتِغَالٍ وَ اعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعُ لِصَلَاتِكَ.

۲. منهاج النجاح فی ترجمته مفتاح الفلاح، در فضیلت اول وقت و راه شناخت آن... ص ۲۳۳.

۱. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۶۲، ۱۰ باب أوقات الصلوات الخمس و جملة من أحكامها... ص ۱۵۶ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيِّ الْمَوْسَوِيُّ فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عَنْ أَمِيرِ

در آن هنگامی که حضرت علی علیه السلام محمد بن ابی بکر را به حکومت مصر منصوب کرد، ضمن نامه‌ای، سفارش‌های زیادی به او فرمود که قسمتی از آن چنین است:

«هرگز خداوند را برای رضایت احدی از مخلوقش به خشم نیاور؛ چرا که خداوند جای همه کس را می‌گیرد و کسی نمی‌تواند جای خداوند را بگیرد. نماز را در اوقات خودش به جای آور، نه آن که به هنگام بیکاری در انجامش تعجیل کنی و به هنگام اشتغال به کار آن را به تأخیر اندازی و بدان که تمام اعمال تابع نماز خواهند بود»<sup>۱</sup>.

از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«عده‌ای از یهود نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و داناترین آن‌ها درباره مسائلی از آن حضرت سؤال کرد و جزء سؤالاتی که از آن حضرت پرسید این بود که گفت: بفرمائید تا بدانم برای چه خداوند عزوجل این نمازهای پنجگانه را در طول شبانه‌روز در پنج نوبت بر امت تو مقرر فرمود؟

...→  
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي كِتَابِ كَتَبَهُ إِلَى أَمْرَاءِ الْبِلَادِ أَمَا بَعْدُ فَصَلُّوا بِالنَّاسِ الظُّهْرَ حَتَّى تَفِيءَ الشَّمْسُ مِثْلَ مَرِيضِ الْعَنْزِ وَ صَلُّوا بِهِمُ الْعَصْرَ وَ الشَّمْسُ بِيَضَاءِ حَيَّةٍ فِي غُضُو مِينَ النَّهَارِ حِينَ يُسَارُ فِيهَا فَرَسَخَانِ وَ صَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرَبَ حِينَ يُفْطِرُ الصَّائِمُ وَ يَدْفَعُ الْحَاجُّ وَ صَلُّوا بِهِمُ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حِينَ يَتَوَارَى الشَّفَقُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ وَ صَلُّوا بِهِمُ الْغَدَاةَ وَ الرَّجُلُ يَعْرِفُ وَجْهَ صَاحِبِهِ وَ صَلُّوا بِهِمُ صَلَاةَ أضعفهم وَ لَا تَكُونُوا فَتَانِينَ.

۱. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۵، ص ۱۶۴، ح ۲۷ و من عهد له علیه السلام إلى محمد بن ابی بکر رضی الله عنه حين قلده مصر... ص: ۱۶۳. لَا تُسَخِّطِ اللَّهُ بِرِضًا أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ فَإِنَّ فِي اللَّهِ خَلْفًا مِنْ غَيْرِهِ وَ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَلْفٌ فِي غَيْرِهِ صَلِّ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لَا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفِرَاحٍ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاسْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعُ لِصَلَاتِكَ.

پیامبر ﷺ فرمودند: همانا خورشید را در هنگام زوال حلقه‌ایست که بدان داخل می‌شود و در این هنگام هر چه در میان عرش است به تسبیح و تحمید پروردگرم جلّ جلاله زبان می‌گشاید، ظاهراً منظور از حلقه‌ای که خورشید داخل آن می‌شود همان خطّ یا دایره فرضی نصف‌النهار است و اگر چنین باشد زوال شمس نسبت به شهرها و بلاد مختلف که طول جغرافیائی آنها روی کره زمین اختلاف دارد متفاوت است و با توجه به همین اختلاف است که اوقات نماز در بلاد مختلف با هم تفاوت دارد. و این همان ساعتی است که پروردگرم جلّ جلاله صلوات و رحمت و برکات خود را بر من نازل می‌فرماید و خداوند در این موقع بر من و امتّم نماز را واجب ساخته است و فرموده:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ<sup>۱</sup>»

و اما نماز عصر همان ساعتی که حضرت آدم عليه السلام در آن وقت از شجره ممنوعه تناول کرد و خداوند عزّوجلّ او را از بهشت بیرون راند پس خداوند عزّوجلّ فرزندان و ذریّه او را به خواندن این نماز عصر تا روز قیامت امر فرمود و آن را برای امتّ من اختیار فرمود و این نماز از محبوبترین نمازها نزد خداوند عزّوجلّ است و مرا به محافظت آن از میان نمازها امر و سفارش فرموده است. و نماز مغرب، همان ساعتی است که خداوند عزّوجلّ حضرت آدم عليه السلام را مورد عفو قرار داد، و توبه او را در آن موقع قبول فرمود، و فاصله میان وقتی که آدم از آن درخت تناول کرد تا موقعی که خداوند عزّوجلّ توبه او را قبول فرمود سیصد سال بود بر حسب روزهای دنیا نه بر حسب روزهای آخرت که هر روز از روزهای آن به اندازه هزار سال است و این مدّت از عصر تا شام بود

۱. سوره اسرا: ۱۷، آیه ۷۸. نماز را از وقت زوال خورشید تا نیمه شب به پا دار.

و حضرت آدم سه رکعت نماز به‌جای آورد یک رکعت جهت کفاره گناه خودش و یک رکعت بعنوان کفاره گناه حوّا و رکعتی دیگر به شکرانه پذیرفته شدن توبه‌اش، پس خداوند عزّوجلّ این سه رکعت نماز را بر امت من واجب فرمود، و این ساعتی است که دعا در آن مستجاب می‌شود، و پروردگارم به من وعده فرمود که هر کس در آن موقع در پیشگاهش دعا کند و او را بخواند دعایش را مستجاب فرماید. و این نمازیست که پروردگارم مرا به انجام آن امر فرمود آن‌جا که فرموده است:

«فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ»<sup>۱</sup>

و همین‌طور نماز عشاء یا نماز خفتن، همانا قبر را تاریکی و سیاهی عظیم است، و روز قیامت را نیز تاریکی هولناکی است، پس پروردگارم عزّوجلّ به من و امّتم امر فرموده که این نماز عشاء را به‌جا آوریم تا این نماز روشنی بخش گورهایمان باشد، و نیز برای اینکه به من و امّتم نوری جهت گذر از پل صراط عنایت فرماید و هیچ قدمی نیست که در راه رفتن به مساجد یا جماعت یا مطلقاً جهت نماز عشاء برداشته شود مگر اینکه خداوند عزّوجلّ آن بدن را بر آتش حرام سازد، و این نمازیست که خداوند متعال برای پیامبران مرسل پیش از من اختیار فرمود. و امّا نماز صبح، پروردگارم عزّوجلّ مرا امر فرمود که قبل از طلوع خورشید نماز صبح را به‌جای آورم و پیش از آنکه کافران آفتاب را سجده آورند، امّت من خداوند عزّوجلّ را سجده کنند، و زود به‌جا آوردن نماز صبح نزد خداوند متعال محبوب است، و این نمازی است که

۱. سوره روم: ۳۰، آیه ۱۷. خداوند را به پاکی یاد کنید و تسبیح او بجای آرید چون به شب درآئید و آن هنگام که صبح کنید.



فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز هر دو به جای آوردن آن را می‌بینند و هر دو در نامه عمل می‌نگارند.<sup>۱</sup>

و علتی دیگر جهت مقرر شدن پنج نماز در پنج نوبت عبارتست از: خبری که حسین بن ابی‌العلاء از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

«هنگامی که آدم علیه السلام از بهشت رانده و به زمین آورده شد، لکه و خال سیاهی در صورت او پیدا شد و از سر تا پای او را فرا گرفت آن حضرت به خاطر لکه سیاهی که بر تمامی اندامش پدید آمده بود بسیار اندوهگین و گریان شد، پس جبرئیل نزد آن حضرت آمده و به او گفت: ای آدم چه چیز تو را چنین به گریه در آورده است؟ جواب داد: از این سیاهی که در بدنم پیدا شده گریانم، جبرئیل علیه السلام گفت: ای آدم برخیز و نماز کن که این وقت نماز نخستین است، پس آدم برخاست و نماز گزارد، صورت تاگردنش از سیاهی پاک شد. بار دیگر جبرئیل علیه السلام در نوبت نماز دوم نزد آدم علیه السلام آمده به او گفت: ای آدم برخیز و نماز کن زیرا این زمان، وقت نماز دوم است، آدم علیه السلام برخاست و نماز گزارد، و آن سیاهی تا ناف او پائین آمد، باز جبرئیل علیه السلام در وقت نماز سوم نزد او آمد و گفت: ای آدم برخیز و نماز بخوان که این هنگام، وقت نماز سوم است، آدم علیه السلام برخاست و نماز گزارد و آن سیاهی به زانوهای او رسید، بار دیگر جبرئیل علیه السلام در وقت نماز چهارم نزد او آمده گفت: ای آدم برخیز و نماز بخوان که وقت نماز چهارم است، آدم علیه السلام

۱. من لایحضره الفقیه، ترجمه غفاری، علی‌اکبر و محمدجواد و بلاغی، صدر، ج ۱، ح ۶۴۳، ص ۳۱۷ الی ۳۲۰، باب (علت واجب شدن پنج نماز در پنج وقت) ... ص ۳۱۷.

برخاست و نماز خواند و همچنین وقت نماز پنجم باز آمد و گفت: وقت نماز پنجم شد آدم علیه السلام نماز خواند و بکلی از آن سیاهی که سرپایش را فراگرفته بود بیرون آمد، پس حمد و ثنای خداوند متعال را به جای آورد، و در این هنگام جبرئیل علیه السلام به آدم علیه السلام گفت: ای آدم علیه السلام حال و وضع فرزندان تو در مورد این نمازها همانند وضع توست حالی که این سیاهی را بر تن داشتی، هر کس از فرزندان تو که در هر شبانه‌روز پنج نوبت نماز مقرر را بخواند از گناهانش خارج می‌شود و آنچنان که تو از این لکه سیاه بیرون آمدی.<sup>۱</sup>

نماز تمرین وقت‌شناسی است و از واجبات دلخواهی نیست که هر وقت انجام شود، بلکه باید در زمان معین شده صورت گیرد. از آن جایی که نمازهای روزانه بلکه تمامی واجبات الهی، اوقات معین و مشخصی دارند، نمازگزار با رعایت اوقات نماز با گذر زمان با انضباط و وقت‌شناس می‌شود. برای مثال وقتی پزشک به شخص بیمار توصیه می‌کند که داروهای تجویز شده را در زمان مناسب خود مصرف کند بیان‌کننده این مطلب است که اثر این داروها تا یک مدت محدودی در بدن آن بیمار وجود دارد و دارو باید به موقع مصرف شود تا اثر آن از بین نرود زیرا هدف خوردن دارو، یاری رساندن به سیستم دفاعی بدن در مقابل آن بیماری است و علت اینکه توصیه به اول وقت خواندن نماز شده است این است که نماز هم مانند دارو می‌ماند همان‌گونه که داروی مناسب به موقع مصرف شود حاصل آن بهبودی در مقابل آن بیماریست، نماز اول وقت هم بیماری‌های روحی و روانی را از بین

۱. من لایحضره الفقیه، ترجمه غفاری، علی‌اکبر و محمدجواد و بلاغی، صدر، ج ۱، ص ۳۲۱، باب (علت واجب شدن پنج نماز در پنج وقت) ... ص ۳۱۷.

می‌برد. انسان نمازگزار باید نمازش را در اوقات معین و به جماعت بخواند تا اگر هم نواقصی دارد، خداوند با نماز انسان‌های با تقوا، نماز او را هم قبول کند. استاد شهید مطهری در رابطه با این موضوع نوشته است: مسئله مهم دیگری که در باب نماز مورد توجه واقع شده، دقت زیاد نسبت به مسئله وقت است، به طوری که دقیقاً روی دقیقه و ثانیه آن حساب می‌شود.<sup>۱</sup>

نتیجه‌ای که از این فصل می‌توان بیان کرد این است، شخصی که دچار سهل‌انگاری شده زمانی می‌تواند از این حالت خارج شود که درصدد درمان آن باشد. برای رسیدن به درمان باید به منابع اصلی موضوع مورد نظر رجوع کرد. منابع اصلی در این بحث ما، قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. ما، آنچه را که در آیات و روایات با موضوع مورد بحث همگون بود، آوردیم تا بتوانیم این موضوع را ریشه‌ای حل کنیم. اما کسی که دچار این مشکل می‌شود غالباً به خاطر آگاهی نداشتن است لذا در بیان اول عرض کردیم آنچه انسان به دنبال آن است رسیدن به سعادت است و این زمانی است که انسان به خالق هستی رجوع کند و درصدد این باشد که خودش را به او خیلی نزدیک کند و یک راه اصلی مؤثر که توسط انبیاء و اولیای الهی توصیه شده است نماز می‌باشد البته نمازی که بر پایه یقین و ولایت باشد.

نمازی که برپا داشتن آن سفارش شده، از نمازگزارانی مورد انتظار است که دل‌های‌شان سرشار از یاد خدا و عشق به او باشد و هیچ چیز نتواند در آن خللی وارد کند و در آخر هم بیان شد که زمانی این نماز انسان را به درجات

---

۱. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۶۴۰ و ۶۴۱.

عالیه می‌رساند که در اول وقت و به جماعت اقامه شود. انسان نمازگزار باید نمازش را در اوقات معین و به جماعت بخواند تا اگر هم نواقصی دارد، خداوند با نماز انسان‌های با تقوا، نماز او را هم قبول کند.

## فصل دوم:

### نقش خانواده در درمان سهل‌انگاری در نماز

---

کوچک‌ترین و تأثیرگذارترین واحد اجتماع بشری خانواده است، اگر اعضای خانواده انسان‌های صالح، مردمی وظیفه‌شناس و مؤمن تربیت شوند جامعه‌ای در حال رشد و پیشرفت از لحاظ مادی و معنوی خواهیم داشت و این امر میسر نیست مگر با تربیت و پرورش صحیح کودکان و مهیا ساختن آنان برای آینده‌ای بهتر. اسلام تا آن حد به مسئله تربیت اسلامی کودک اهمیت داده که آن را حقّ مسلم فرزند بر والدین می‌داند، چنان که امام سجّاد علیه السلام در رساله حقوق می‌فرماید: حقّ فرزندت به تو آن است که بدانی او پاره‌ای از وجود توست و نیک و بد او در این دنیا وابسته و منتسب به تو است. باید بدانی که تو در مقام سرپرستی او مسؤولی که او را با ادب و تربیت صحیح پرورش دهی و او را به خدای یکتا راهنمایی کنی و در اطاعت و فرمان‌برداری حضرت حق کمک و یاریش نمایی، پدری باش که به وظیفه خود آشنا و به مسؤولیت خود آگاه است. پدری که می‌داند اگر نسبت به فرزندش نیکی کند اجر و پاداش خواهد داشت و اگر درباره او بدی کند، مستحقّ مجازات و کیفر

خواهد بود.<sup>۱</sup>

از این رو اولین مسؤولیت انسان بعد از خودش، خانواده اوست، ولی چون گاهی اعضای خانواده در انجام فرائض دینی از جمله نماز سهل‌انگاری می‌کنند، دیگر اعضا به ویژه والدین وظیفه دارند این سهل‌انگاری فرزندان را با مراجعه به مشاور متخصص درمان کنند. تعلیم نماز در آیات و روایات از وظایف مهم والدین است. آنان باید با تمسک به انبیاء و اولیای الهی، در خانه خود محیطی پاک و پُر فضیلت و صمیمیت به وجود آورند. محیطی که در آن مهر و محبت، وظیفه‌شناسی و ادب، تقوا و سایر صفات پسندیده وجود داشته باشد و کودکان را به‌طور ناخودآگاه وظیفه‌شناس و متعهد بار آورند. آنان می‌توانند بهترین الگوی رفتاری برای فرزندان باشند.

لذا خانواده نقش مهمی در درمان سهل‌انگاری در نماز و سرنوشت یک انسان دارد. در این فصل به بررسی عملکرد اهل بیت علیهم‌السلام در راستای چگونگی اقامه نماز در بین خانواده و مردم پرداخته می‌شود.

#### الف. سفارش و اقدام اهل بیت به نماز در بین خانواده خود و مردم

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه ۱۳۲ سوره طه بیان می‌دارد: «در این آیه به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان داده است که به اهل بیتش (و نه عموم) به‌طور ویژه دستور دهد تا به همه مردم اعلام شود که اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله در نزد خدا منزلتی ویژه دارند که برای دیگر مردمان نیست؛ زیرا خدای سبحان به آنان

۱. *جهاد النفس وسائل الشیعة*، ترجمه صحت، ص ۲۱، گزیده‌ای از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام.

جهت اقامه نماز هم فرمان عمومی داده، هم فرمان خصوصی. پس از نزول این آیه، پیغمبر اکرم ﷺ هر روز، وقت نماز صبح به خانه علی علیه السلام می‌آمد و می‌فرمود: «سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد» پس اهل بیت علیهم السلام، یعنی علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام در پاسخ نیز اظهار می‌داشتند: «سلام و رحمت و برکات خدا! نیز بر شما باد ای پیامبر خدا.» پس حضرت دو طرف چهار چوبه در را گرفته و می‌فرمود: «نماز، نماز، خدا شما را رحمت کند، همانا خدا چنین می‌خواهد که هرگونه آلودگی را از شما خاندان نبوت ببرد و شما را از هر ناخالصی پاک گرداند.»<sup>۱</sup> از این رو، پیامبر ﷺ دستور می‌داد که خانواده‌اش به طور مرتب نماز بگذارند و خود هم شخصاً در نماز گزاردن، کوشا بود و سختی‌ها را در این راه تحمل می‌فرمودند.

یوسف بن عبداللّه بن سلام می‌گوید: هر گاه بر اهل بیت و خاندان پیامبر ﷺ گرفتاری و بلایی نازل می‌شد، پیامبر آنان را به نماز خواندن امر می‌فرمود. از ابن عباس نقل شده که هر گاه به پیامبر ﷺ مصیبتی می‌رسید برمی‌خاست، وضو می‌گرفت، دو رکعت نماز می‌خواند و می‌گفت: خدایا آن چه را که به ما دستور دادی انجام داده‌ام پس تو نیز وعده‌ای که به ما داده‌ای برای ما منجز فرما.<sup>۲</sup>

در نماز چه اسراری نهفته است؟ این سؤال ذهن من را به خود مشغول کرده است چرا که هرچه درباره این موضوع به تحقیق می‌پردازیم، باز هم به

۱. تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ح ۱۸۸، ص ۴۱۰.

۲. آرام‌بخش دل داغدیدگان (ترجمه مسکن النواد) ص ۱۲۴.

کنه آن پی نمی‌بریم. اما پیامبر خدا به کنه ذات این عمل واقف است و خانواده خود و همه مسلمانان را سفارش به اقامه نماز می‌کند. و کیفیت نماز است که درمان همه مشکلات می‌باشد. اگر مردم و مسئولین نسبت به اقامه نماز با دغدغه بیشتری عمل کنند زندگی مطلوبی در همه زمینه‌ها برای همگان پدیدار می‌شود و لازمه رسیدن به آن، عمل کردن به سفارشات اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام اقامه‌گران بی‌نظیر نماز بوده‌اند، آنان برای اقامه نماز حتی از جان خود و عزیزان خود در راه خدا گذشته‌اند. عبدالرحمن بن ابی عبدالله روایت کرده که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در غزوه ذات‌الرقاع، هنگام اقامه نماز، اصحاب خود را به دو دسته تقسیم فرمودند. دسته اول را برای رویارویی با دشمن در آمادگی نگاه داشت و به ما بقی، اجازه شرکت در نماز جماعت داد. بدین گونه که یک رکعت نماز را با رسول خدا به جماعت برگزار نمایند، و پس از اتمام رکعت اول، رکعت دوم را به تنهایی (فردی) خوانده و سلام دهند. پس از اتمام نماز خود، برای جایگزینی، نزد بقیه اصحاب رفته و مواضع آنان را تحویل گرفته و با دشمن مقابله نمایند، تا دسته اول نیز بتوانند در رکعت دوم نماز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، توفیق شرکت در نماز جماعت را داشته باشند. پیامبر اکرم نیز، پس از اتمام رکعت اول نماز خود، در رکعت دوم، قرائت خود را طولانی نمود، تا اصحاب بتوانند جایگزینی را انجام دهند و همه آن‌ها در رکعت دوم به پیامبر اقتداء نمایند و رکعت اول نماز خود را به جماعت برگزار کنند و به



فضیلت اقامه نماز جماعت دست یابند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای اقامه نماز می‌ایستاد، و قبل از تکبیر می‌فرمود: وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ.<sup>۲</sup> رنگ صورت مبارکش دگرگون می‌شد، به حدی که در چهره‌اش نمایان می‌گردید و همچنین حضرت امام حسن بن علی علیه السلام هر گاه از وضو گرفتن فارغ می‌شد، رنگ چهره‌اش دگرگون می‌گردید.»<sup>۳</sup>

در زیارت‌نامه مخصوص امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: سلام بر توای فرزند گرامی رسول خدا گواهی می‌دهم که تو نماز را آن چنان که حقیقت آن است، به پا داشتی و زکات را پرداختی و به حق و حقیقت فراخواندی و از تباهی و ناپسندی‌ها زهی کردی.<sup>۴</sup> آری امام حسین علیه السلام نماز را به صورت بی‌نظیری به پا داشت، به طوری که در ظهر عاشورا وقتی مشغول نماز شد، سربازان غافل دشمن با خود زمزمه می‌کردند مگر حسین نماز می‌خواند؟ اقدامات اهل بیت علیهم السلام در همه دستورات الهی به ویژه اقامه نماز در میان مردم و خانواده خود بی‌نظیر بود.

۱. گلچین صدوق (گزیده من لایحضره الفقیه)، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۲. سوره انعام: ۶، آیه ۷۹. من از روی اخلاص پاک‌دلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم.

۳. ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ۳ - توجه و گفتن «وجهت وجهی...» ص ۱۹۳.

۴. مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی، ص ۷۰۹.

### ب. نقش والدین

وظیفه خانواده در ارتباط با سهل‌انگاری فرزندان به سوی نماز چیست؟ والدین در تربیت دینی فرزندان خود خیلی مؤثرند و هر لحظه باید از غفلت‌ها و سهل‌انگاری‌های او جلوگیری نمایند. آن‌ها برای فرزندان خود الگو هستند، فرزندان همانند آینه رفتارها و گفتارها آن‌ها را تقلید می‌کنند. اگر پدر و مادر سر وقت نماز بخوانند فرزند هم یاد می‌گیرد. نمی‌شود انسان نمازش را آخرین لحظات وقت بخواند اما توقع از فرزندش داشته باشد که نمازش را اول وقت بخواند. می‌توان فرزند مؤمن را به ماهی تشبیه کرد که در آب متولد می‌شود. آیا ماهی که در آب متولد می‌شود نیازی به آموزش شنا دارد؟ البته نه، فرزندی هم که در خانواده‌ای لبریز از ذکر و یاد و محبت خدا متولد می‌شود هیچ نیازی ندارد که آموزش ویژه‌ای برای نماز ببیند چون از همان لحظه تولد در گوشش اذان و اقامه گفته‌اند و والدین با اعمال خوب خود فرزندشان را به سوی خدا دعوت می‌کنند. ذهن انسان باید جایی برای خلوت با خدا داشته باشد. برای این که والدین بتوانند بچه‌ها را جذب نماز کنند باید محبت خدا را در دلشان پرورش داده تا از این بذر محبت، گل خوشبوی نماز بروید، البته بدون ریشه کردن این بذر این گل رشد و نمو نمی‌یابد.

والدین، از کوچکی باید بچه‌ها را به نماز تمرین دهند، در روایات و ظایف مهمی برای والدین نسبت به فرزندان گذاشته شده است. رسول خدا ﷺ فرمودند: «کودکان خود را وقتی به هفت سالگی رسیدند، به نماز خواندن تمرینی وادار کنید، و آن گاه که نه ساله شدند، اگر خود زیر بار نماز خواندن

نرفتند، با رعایت مصالح همه جانبه آنان را مورد تنبیه قرار دهید.<sup>۱</sup>

موضوع مهم دیگر این که بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن برد. اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد، نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود، چون اصلاً حضور در جمع، مشوق انسان است، آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع عباد می‌بیند، عبادت آن‌ها بر روح و جانش تأثیر بیشتری پیدا می‌کند بلکه اثرپذیری فرزندان به دلیل روح لطیف و سرشت پاکی که دارند بیشتر است. باید برنامه مسجد رفتن با فرزندانمان را داشته باشیم تا بچه‌ها با مساجد آشنا شوند. پس این موضوع را نباید فراموش کنیم که وظیفه داریم نماز بخوانیم و خانواده خودمان را هم نمازخوان کنیم به شکلی که به نماز راغب و تشویق شوند. علل و فلسفه نماز خواندن را با فرزندانمان بررسی کنیم، اگر می‌توانیم یک اتاق را به عنوان مصلی قرار دهیم همان طوری که پیغمبر اکرم ﷺ یک مصلی داشت. یک جانماز پاک، مسواک، تسبیحی برای ذکر گفتن داشته باشیم. همه این فعالیت‌ها سبب به‌دست آوردن حضور قلب و درمان سهل‌انگاری‌های احتمالی می‌شود.

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت وجود الگو و سرمشق مناسب، به یادگیری رفتار و گفتار صحیح کمک بسزایی دارد. اگر رفتار و گفتار والدین مناسب نباشد الگوی خوبی برای فرزندان نمی‌شوند در این نوع خانواده‌ها انتظار نمی‌رود که در باورهای دینی فرزندان خود تأثیر مثبتی گذاشته شود

۱. *النوادر (للراوندی)*، ترجمه صادقی اردستانی، ح ۵۰۲، نماز و حج کودکان... ص ۳۱۰.

بلکه با رفتارهای غلط والدین از این باورها فرزندان فرسنگ‌ها دور می‌شوند. باید مدل‌ها و الگوها، درست عمل کنند تا نوجوانان سرمشق رفتاری و گفتاری خوبی داشته باشند. والدین باید محیط خانه را، محیط امن و آرام قرار دهند تا فرزندان بتوانند با شناختی که از خداوند به واسطه آموزش‌های مستقیم همانند مطالعه کتب اعتقادی و غیرمستقیم همانند رفتارهای دیگر اعضای خانواده به ویژه والدین به دست می‌آورند با اراده قوی و عزم استوار ضعف‌ها و سهل‌انگاری‌ها خود را در همه کارها از جمله اقامه نماز شناسایی و در جهت رفع و درمان آن‌ها برنامه‌ریزی مناسب انجام دهد. در این صورت است که فرزندان خود برای نماز خواندن بلند می‌شوند و اجباری هم در کار آن‌ها نیست زیرا آن‌ها احساس نیاز می‌کنند.

نتیجه فصل این است که اگر والدین می‌خواهند فرزندانشان نمازخوان، معتقد و بدون سهل‌انگاری در نماز بار آیند، باید موارد ذیل را در نظر بگیرند: اولاً: خودشان معتقد به دستورها و تعالیم دینی باشند و به دور از ریا و با اخلاص نماز را اقامه کنند.

ثانیاً: در دوران کودکی، فرزندانشان را با نماز و مجالس و محافل مذهبی مأنوس کنند. از این رو، لازم است خاطرات خوشی را در ذهن آنان ایجاد نمایند. پدری که برای بیدار کردن دختر تازه بالغ خود برای ادای نماز صبح، دستی به سر او می‌کشد و با نوازش و محبت او را از خواب شیرین صبحگاهی بیدار می‌کند، انجام دادن این تکلیف دینی را با شیرینی محبت پدرانه می‌آمیزد و با این عمل عبادت را در کام فرزندش شیرین می‌سازد.

ثالثاً: والدین نسبت به مسئله نماز و مسائل اعتقادی دیگر، حساسیت نشان

دهند. اگر والدین و مربیان به سفارش‌ها و سیره‌ی معصومان عليهم‌السلام و بزرگان دین عمل کنند، قطعاً فرزندان معتقد و نمازخوان خواهند داشت. بهتر است کودکان یا نوجوانان را هیچ‌گاه، به دینداری مجبور نکنیم. هم‌چنین، بهتر است به‌خاطر این‌که فرزندان دیندار شوند، به آنان پاداش خیلی زیاد ندهیم. اگر بدون استفاده از این دو حربه تهدید و تطمیع بتوانیم آنان را به یک باور معتقد کنیم، آن اعتقاد درونی خواهد بود یعنی اعتقادی که نه به‌خاطر جلب منفعت و نه ترس از قدردانی به‌وجود می‌آید. در دین اسلام تأکید فراوان می‌شود که اصول دین تقلیدی نیست، بلکه فرد باید با آگاهی و آزادی آن‌را بپذیرد. بنابراین باید تلاش کرد که کودک و نوجوان را به طریقی مثبت و ترغیب‌کننده، به دین دعوت کرد و از افرادی که مبنای اعتقادی و فکری قوی دارند و در عرصه مشاوره دادن توانا هستند، کمک گرفت. باید توجه داشت که کودک و به‌ویژه نوجوان، در مقابل برخوردهای آمرانه مقاومت می‌کند.

## فصل سوم:

### زمینه‌زدایی عوامل اجتماعی سهل‌انگاری

الف. اسلامی کردن جامعه و گرایش به معنویت در بین عموم اسلامی کردن جامعه یعنی همه مردم، پیر و جوان، کوچک و بزرگ، زن و مرد تسلیم محض خداوند متعال شوند و در هر حالی از خالق خود پیروی کنند، خالق که همه موجودات و مخلوقات خود را مسخر انسان قرار داد، تا انسان با پشت پا زدن به تعلقات مادی، سیر ملکوتی پیدا کند و رشد حقیقی انسان زمانی آغاز می‌شود که این تفکر را تبدیل به اعمال روزانه کرده و در زندگی خود پیاده کند. در میان مردم دنیا هر کسی بتواند برای رضای خداوند متعال بر هوای نفس خود چیره گشته و از زرق و برق دنیا دوری کند خداوند راهی را هم‌چون راه پیروان حقیقی‌اش در گذشته، برای او می‌گشاید، زیرا این سنت الهی است و یار و یاور انسان‌هایی است که به مرحله بندگی خداوند متعال رسیده‌اند.

یکی از امیال درونی ما میل به پرستش خداوند متعال و گرایش به او می‌باشد. گرایش به معنویت در بین عموم مردم، نیاز بنیادینست زیرا هر کسی که به دنبال پاسخ به بُعد روحانی و برطرف کردن نیاز روحانی وجودش باشد

گرایش به معنویت و خلوت کردن دل با صاحب دل یعنی خداوند رحمان و رحیم، تنها راه حقیقی آن می‌یابد.

به‌طور کلی اسلامی کردن جامعه و گرایش به معنویت در بین عموم مردم بهترین گزینه برای مبارزه با هوای نفس است، چرا که در هر جامعه سالم و معنوی، همه آفات و سهل‌انگاری مردم از بین رفته و همانند کارخانه ذوب آهن است و هرآنچه را که در آن ریخته شود از آهن زنگ‌زده، کوچک و بزرگ و... در خود ذوب نموده و تبدیل به آهن سالم می‌کند. در این نوع جامعه همه پلیدی‌ها جای خود را به محبت و دلسوزی همه آحاد مردم می‌دهد. اگرچه تأثیر جامعه فاسد بر انسان‌ها، واقعیتی غیر قابل انکار است اما این تأثیرپذیری به قوت و ضعف در آگاهی، ایمان، اراده و شخصیت انسان‌ها بستگی دارد و اگر انسان‌ها بر شناخت، ایمان و اراده خود بیفزایند نه تنها تأثیرپذیری آنان از محیط کم می‌شود بلکه می‌توانند جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهند، چرا که تأثیر جامعه و فرد بر یکدیگر امری طرفینی است. اگر انسان بخواهد زمینه‌های اثرپذیری کم شود، باید در مجالس گناه، لهو و لعب وارد نشود و به‌جای آن در محافل علمی و مذهبی شرکت و ارتباط مناسبی با علمای دین برقرار نماید. از بیان مطالب فوق نتیجه می‌شود جامعه‌ای که تسلیم محض خالق بی‌همتا شود و فرامین الهی در آن پیاده و توسط مردم عمل گردد خود را درمقابل طوفان‌های ترسناک پلیدی و گناه واکسینه کرده و به آرامش حقیقی نائل می‌شود.

### ب. درمان سهل‌انگاری در نماز با آگاهی از روانشناسی نماز

نماز یکی از مصادیق دعا کردن می‌باشد در دعا چون ارتباط روانی انسان

با مرکز و مبدأ آفرینش است، باید ظرف وجودی روح، دارای شادابی و پذیرش باشد؛ یعنی اگر بین روان آدمی و دعا، تناسب وجود داشته باشد، دعا و آثار آن جایگاه شایسته خود را خواهد داشت. دعا در جان آدمی اثر می‌گذارد، درمان می‌بخشد و روح را دگرگون می‌کند چنین ویژگی‌هایی را برای نمازی که با حضور قلب باشد می‌توان در نظر گرفت. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ارتباط عمیق روانشناسی و دعا توجه داشته و درباره آن از جمله نماز می‌فرماید: «دل‌ها را روی آوردن و نشاط و پشت کردن و فراری است، پس آن‌گاه که نشاط دارند، آن‌را بر انجام مستحبات وادارید، و آن‌گاه که پشت کرده، بی‌نشاط شد، به انجام واجبات قناعت کنید.»<sup>۱</sup> این جمله نشان‌دهنده این است که اسلام با افراط و تفریط مبارزه می‌کند حتی در دعا و عبادت در حالی که واجب الهی ضایع می‌شود برای مثال گروهی مشغول عبادت بودند و زن و فرزندان خود را رها کردند وقتی از آن‌ها سؤال می‌شود چگونه رزق مادی به آن‌ها می‌دهید در جواب می‌گویند خدا کریم است. اسلام برای همه کارها برنامه دارد و این‌گونه تفکر را قبول ندارد و هم‌چنین بیان‌کننده این مطلب است که روح انسان‌ها گاهی ادبار و گاهی اقبال دارد و در هر دو حال اسلام برنامه مخصوص به آن زمان را ارائه می‌کند.

هنگامی که انسان‌ها دچار بیماری روحی و روانی حاد می‌شوند، روانشناس تجویز می‌کند آن‌ها را در محل مخصوص نگه‌داری کنند برای اینکه آرامش

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۴۵۴، ح ۱۶، باب تقدیم النوافل و تأخیرها و قضائها و صلاة الضحی ... ص ۴۵۰. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ لِقُلُوبِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَإِسْحَاقَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَتَنُّوْا وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ.



آن‌ها حفظ شود زیرا این انسان‌ها آن‌قدر افکارشان تحت فشار بوده که آستانه صبر و تحمل آن‌ها به شدت پایین آمده و اختلالات روحی و روانی برای آن‌ها پدیدار گشته به طوری که شاید کوچک‌ترین صدایی آن‌ها را از حالت عادی خارج کند. با بیان این مقدمه این نتیجه را می‌توان گرفت که آرامش روح و روان ما چه بسا اهمیت آن از دیگر نیازهایمان بیشتر و ضروری‌تر باشد. و در این حال باز هم لطف خداوند شامل ما انسان‌ها شده است زیرا خداوند متعال با واجب کردن نماز به ما در حقیقت رسیدن به آرامش را هدیه کرده است. و این در دست خود ماست که چگونه از این نعمت الهی کمال استفاده را ببریم.

«بارهای زائدی که در اثر تحریکات الکتریکی اعصاب به وجود می‌آیند هم شبیه میدان بدن بر امواج مغزی اثر سوء دارند. این اثرات در نواحی که اعصاب در آن تحرک بیشتری دارند، خطرات جدیدتری ایجاد می‌کنند و باید هر چه سریعتر از آن نواحی دور شوند. به طرز حیرت‌آوری می‌بینیم که این نواحی، دقیقاً نواحی هستند که در وضو شسته می‌شوند (سر، دست، مچ پا به پایین) و بنابر تحقیقات صورت گرفته، بهترین راه دفع این بارهای زائد، استفاده از یک ماده رساناست. سریع‌ترین و ارزانت‌ترین و بی‌ضررترین ماده برای این کار، آب است. جالب این‌جاست که آب هر چه خالص‌تر باشد، سریع‌تر بارهای ساکن را از بدن ما به اطراف گسیل می‌دهد و هیچ مایعی مثل آب خالصی که در وضو به انسان‌ها سفارش شده این اثر را ندارد. ایستادن در نماز، باعث تقویت حالت تعادلی بدن شده و قسمت مرکزی مخچه که محل کنترل اعمال و حرکات ارادی است را تقویت می‌کند. این

عمل باعث می‌شود تا فرد با صرف کمترین نیرو و انرژی به انجام صحیح حرکات بعدی بپردازد. نماز قسمت فوقانی بدن را پرورش داده و ستون مهره‌ها را تقویت کرده و آن‌را در حالت مستقیم نگاه می‌دارد. وقتی چشم‌ها در حالت نماز ثابت می‌ماند، جریان فکر هم خود به خود آرام شده و در نتیجه تمرکز فکر افزایش می‌یابد. ثابت ماندن چشم باعث بهبود ضعف و نواقصی چون نزدیک بینی می‌شود و به لحاظ روانی باعث افزایش مقاومت عصبی فرد شده و بی‌خوابی و افکار ناآرام را از انسان دور می‌کند. رکوع در نماز باعث تقویت ماهیچه‌های شکم، حفظ سلامت دستگاه گوارش و جلوگیری از سوء هاضمه و بی‌اشتهایی می‌گردد. کارشناسان می‌گویند در حالت رکوع ماهیچه‌های اطراف ستون مهره‌ها منبسط می‌شود که در تعادل و آرام کردن سمپاتیک مؤثر است. مدت زمان خواندن ذکر رکوع نیز باعث تقویت عضلات صورت، گردن، ساق پا و رانها می‌شود و به این ترتیب به جریان خون در قسمت‌های مختلف بدن سرعت می‌بخشد. تنظیم متابولیسم بدن، فراهم نمودن زمینه از بین رفتن اکثر بیماری‌ها از بدن، کمک به افزایش حالت استواری و استحکام مغز از دیگر خواص رکوع در نماز است. سجده، ستون مهره‌های بدن را تقویت کرده و دردهای سیاتیک را آرام می‌کند. سجده علاوه بر از بین بردن یبوست و سوء هاضمه، پرده دیافراگم را تقویت کرده و به دفع مواد زائد بدن به دلیل فشرده شدن منطقه شکمی کمک می‌کند. سجده هم‌چنین باعث افزایش جریان خون در سر شده، که این امر با تغذیه غدد باعث حفظ شادابی، زیبایی و طراوت پوست می‌شود. حالات سجده به واسطه باز کردن مهره‌ها از یکدیگر، باعث کشیده شدن اعصابی که

قسمت‌های مختلف بدن را به مغز وصل می‌کند شده و این اعصاب را در یک حالت تعادلی قرار می‌دهد که این امر برای سلامت انسان بسیار حائز اهمیت است. اگر فاصله مهر از نمازگزار به اندازه حدوداً یک وجب جلوتر از حالت معمولی باشد، کشش بیشتری در کمر حس می‌شود که باعث مداوای کسانی که دیسک و یا ناراحتی کمر دارند می‌شود. و اگر کسی که سالم است این کار را انجام دهد، هیچ‌گاه دچار دیسک و ناراحتی کمر نمی‌شود. سجده باعث آسودگی و آرامش در فرد شده و عصبانیت را تسکین می‌دهد.<sup>۱</sup> انسان‌ها اگر بدانند که نماز چه نعمت پربرکتی است و با انجام آن چه فوایدی به آن‌ها می‌رسد، خود این آگاهی از جهت روانی کمک فراوانی برای درمان سهل‌انگاری در نماز می‌شود.

### ج. درمان سهل‌انگاری در نماز با مشاوره گرفتن از کارشناس نماز

عقل آدمی به ما فرمان می‌دهد وقتی دچار مشکلی شدی برای اینکه بتوانی بر آن مشکل پیروز شوی به متخصص آن مراجعه شود تا متخصص عیب را کشف کند و بعد از آن درصدد درمان آن برآید. مشورت کردن، یعنی گلچین کردن اندیشه دیگران برای پیشبرد بهتر کارها. وقتی سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام در تاریخ را مطالعه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که این بزرگواران از مشورت کردن در امورات مختلف با اهل خُبره نهایت استفاده را می‌بردند. در قرآن کریم خداوند متعال به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم توصیه می‌کند، در کارهای مربوط به جامعه اسلامی با مردم مشورت کن، حتی کسانی که اشتباهاتی در

1. <http://www.tebyan.net>.

گذشته داشتند آن‌ها را مورد عفو قرار ده، برایشان درخواست بخشش کن و آن‌ها را در کارها مورد مشورت خویش قرار ده: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»<sup>۱</sup> اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند، و با صاحب‌نظران به مشورت می‌نشینند، کمتر گرفتار لغزش می‌شوند. برعکس افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند هرچند از نظر فکری فوق‌العاده باشند غالباً گرفتار اشتباهات بزرگی می‌شوند.

در روایات درباره مشورت کردن آمده است: امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی که استبداد به رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند در عقل آن‌ها شریک شده است.<sup>۲</sup> حضرت صادق علیه السلام در باره شرایط و ویژگی‌های مشاوران فرموده است: مشورت کن در امور خود که جنبه دینی دارد با کسی که دارای پنج صفت است: ۱. عاقل است: صلاح و فساد امور را می‌فهمد. ۲. عالم است: احکام و آداب دینی را می‌داند. ۳. با تجربه است: در پیش آمدها روشن و تجربه دیده است. ۴. ناصح است: در او روحیه خیرخواهی

۱. آل عمران: ۳، آیه ۱۵۹. پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ح ۶، ص ۴۰، ۲۱ باب استحباب مشاوره أصحاب الرأی... ص ۳۹ مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

باشد؛ یعنی با خلوص نیت و صفای باطن در باره مسائل جامعه نظر دهد. ۵. با تقوی است: از محرّمات و تمایلات نفسانی خود داری می‌کند. هر گاه کسی را که دارای این پنج خصلت است پیدا نکردی؛ پس خود را با این صفات آرایش بده، یعنی به راهنمایی عقل و یاری علم و با در نظر گرفتن تجربه‌ها و با خلوص نیت و صفای قلب و با حالت و تقوی و طهارت، به آن اندازه‌ای که در وجود خودت هست و می‌توانی، در پیرامون آن امر تأمل و تدبیر کرده، و سپس به هر طرفی که تشخیص صلاح دادی با توکل به خداوند متعال اختیار و اقدام بکن، و خداوند به طرف خیر و صلاح هدایت خواهد فرمود.<sup>۱</sup>

از مطالب فوق نتیجه می‌شود یکی از راه‌های درمان سهل‌انگاری در نماز مشورت گرفتن از کارشناسان و متخصصان در امر نماز و بررسی نوع زندگانی افرادی که اهل عمل به دستورات دین به ویژه نماز اول وقت بوده‌اند، می‌باشد چرا که آن کسی که به واقع عامل بوده است در رفتار و کردار او آرامشی وجود دارد، که دیگران از گفتگو و معاشرت با او بهره‌مند می‌شوند.

#### د. نقش رسانه و تبلیغات در درمان سهل‌انگاری در نماز

در دنیای امروز که ارسال اطلاعات و برقراری ارتباطات صوتی و تصویری با سرعت زیادی انجام می‌شود و دسترسی به اطلاعات نسبت به گذشته بسیار آسان‌تر شده و به همین نسبت میزان اثرگذاری آن برافکار عمومی مردم جامعه بیشتر شده است لذا با بیان این مقدمه جایگاه رسانه و تبلیغات و کارکرد و نقش آن بسیار حائز اهمیت می‌باشد. هر لحظه از عمر ما می‌گذرد

۱. مصباح الشریعة؛ ترجمه مصطفوی، قسمت اول از متن... ص ۲۳۳.

دشمن ما در عرصه‌های متفاوت از جمله رسانه، تبلیغات، سایت‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، انواع نرم‌افزارهای جاسوسی و... رشد زیادی کرده و تولیدات بسیار دقیق و حساب شده‌ای را ساخته و آن محصولات تولید شده خود را میان مردم جهان به ویژه مسلمانان عرضه کرده و متأسفانه مورد استقبال اکثر مردم هم قرار گرفته است. البته این مطلب ناگفته نماند دشمن به شیوه مستقیم وارد نشده است، در نگاه اول بینندگان فیلم‌ها، سریال‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و... ساخت خارج، برای لذت بردن و سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت خانواده خود بیان می‌کنند در حالی که این نوع بینندگان غافل از این هستند که محتوای آن فیلم‌ها، سریال‌ها، بازی‌های رایانه‌ای چه آثار مخربی بر روی زندگی فردی و اجتماعی همه بینندگان خواهد گذاشت چرا که بیشتر رفتارها و گفتارها و حرکات ما انسان‌ها برگرفته از آن چیزی است که در ضمیر ناخودآگاه ما ثبت شده و دشمن با تولید این نوع فیلم‌ها، سریال‌ها، بازی‌های رایانه‌ای به دنبال تغییر ذائقه ماست. حال از این ابزار رسانه و تبلیغات ما می‌توانیم در راستای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده و تمام نقشه‌های دشمن را خنثی و اسلام ناب محمدی را به همه عالم عرضه کنیم. با بیان مطالب فوق جایگاه و نقش رسانه و تبلیغات برای ما مشخص شد و عرضه داشتیم که از این ابزار می‌توانیم به شیوه‌های متفاوت باورهای اسلامی خودمان را تبلیغ کنیم. اما یکی از باورهای دینی ما مسلمانان اقامه نماز است، که دشمن برنامه‌هایی را تولید کرده که جوانان ما نسبت به این فریضه الهی سهل‌انگاری کنند. جنگ امروز ما با دشمنانمان در همین عرصه است، اگر ما بکوشیم مفاهیم عمیق دین به ویژه اقامه نماز اول وقت را به شیوه‌های

متفاوت از قبیل فیلم، تئاتر، پویانمایی و... تولید کنیم به واقع درجنگ امروز در خط مقدم قرار گرفته‌ایم.

عملکرد رسانه باید به گونه‌ای باشد که به تحقق اقامه نماز به‌ویژه در وقت اذان کمک کند و برای رسیدن به این هدف و درمان سهل‌انگاری رعایت نکات ذیل ضروری می‌باشد.

۱. طراحی و تنظیم برنامه پخش به گونه‌ای باشد که برنامه‌ها، قبل از اذان مخاطبان را برای نماز آماده کند، هم‌چنین برنامه‌های بعد از اذان نیز متناسب با نماز و حالات معنوی آن باشد و از قرار گرفتن نماز بین دو قسمت جذاب برنامه که فکر و ذهن مخاطب را به خود مشغول می‌کند جلوگیری شود.

۲. به کارگیری خلاقیت‌ها در چگونگی ساختن برنامه‌ها، نوشتن فیلمنامه‌ها، انتخاب مناسب بازیگر، محل و صحنه‌های فیلم‌برداری اهمیت زیادی دارد. مثلاً در رسانه تصویری به هنگام پخش قرآن، به‌جای نمایش تکراری قاری یا صحنه‌های ساختمان و دیوارهای مساجد و غیره با به تصویر درآوردن صحنه‌های جذاب و جالب از اقشار مختلفی که در حال آماده شدن برای نماز هستند مانند کشاورز کنار زمین، کارگر در کارخانه، کارمند در اداره، راننده در کنار جاده، اهل منزل در خانه، دانش‌آموز و دانشجو در محل تحصیل و حتی عوامل پخش و مجریان تلویزیون در محل پخش برنامه‌ها، سبب تحریک دیگران به سوی نماز می‌شود و به هنگام پخش اذان نیز تصویر جذاب همین افراد در حال نماز نمایش شود. به‌ویژه آن‌که برای واقعی جلوه‌دادن و تأثیرگذاری بیشتر، در تصویرها ملاحظه صبح و ظهر و شب بشود، به گونه‌ای که تصویر حاکی از همان وقت شبانه‌روز باشد.

۳. از بین تفاوت‌های مخاطبان آن چه به لحاظ اهمیت اشاره می‌شود یکی توجه به نوجوانان و جوانان و طراحی برنامه‌های اذان و نماز و سایر برنامه‌های تبلیغی برای آنان است که باید با آموزش، جذابیت، بهره‌های هنری و نیز متناسب با روحیات این سنین که برخی از آنان تازه به تکلیف رسیده‌اند همراه باشد.

۴. نکته دیگر این که باید توجه شود در فیلم‌ها و سریال‌ها، نمازگزار از نقش‌های تأثیرگذار فیلم باشد. مثلاً گاهی دیده می‌شود در فیلم‌ها پیرمرد یا پیرزنی نماز می‌خواند که هیچ‌گونه جاذبه‌ای برای مخاطب ندارد. یا در فیلم کسانی از نمادهای دینی استفاده می‌کنند که تناسب و سنخیتی با آن ندارند، مانند استفاده کردن از عبا و تسبیح که در برخی از موارد علاوه بر تصنعی جلوه کردن، موجب تعارض و بی‌ارزشی و فقدان اعتبار نماد مذکور نزد مخاطب نیز می‌شود.

۵. در برنامه‌های مربوط به نماز، نتایج دنیوی آن که برای بیشتر مخاطبان اهمیت زیادی دارد بیان شود.

۶. در ساخت کلیپ‌ها به هنگام اذان و اقامه نماز بر رحمت واسعه خداوند و توبه‌پذیری حضرت حق تأکید شود. زیرا به علت مشکلات و مفاسد، افرادی هستند که بسا با انجام گناهان به چندان عظیمی خود را از رحمت خداوند مأیوس بدانند و این امر مانع ادای نماز در آنان شود.

۷. در ترویج نماز و به‌ویژه هنگام اذان و قبل از آن از اشعار و قطعات عرفانی که در ادبیات غنی ما فراوان است استفاده شود و همچنین استفاده از داستان‌ها، تمثیلات و ضرب‌المثل‌های آموزنده درباره نماز در بخش‌های



مناسب برنامه‌ها.

در این فصل برای از بین بردن عوامل اجتماعی که موجب سهل‌انگاری در نماز می‌شود را در چهار موضوع مورد بررسی قرار دادیم. در قسمت اول: اسلامی کردن جامعه و گرایش به معنویت در بین عموم. در قسمت دوم: آگاهی از روانشناسی نماز. در قسمت سوم: استفاده کردن از کارشناس مجرب در امر تبلیغ نماز. و در قسمت چهارم: نقش تبلیغات درست در رسانه. به‌راستی اگر هر کسی به وظایف حقیقی و حقوقی و مادی و معنوی خود آگاه باشد و در مرحله عمل به شکل کامل انجام دهد، دیگر سهل‌انگاری وجود ندارد. در این فصول سعی شده است مردم جامعه که شهروندان هر کوی و برزنی می‌باشند به وظایف معنوی و حقوق اجتماعی خود و دیگران آگاهی پیدا کنند چرا که هر گناهی که از ما انسان‌ها سر می‌زند عموماً از جهالت و بی‌اطلاعی ما از حقایق می‌باشد و بزرگ‌ترین حقیقت زندگی ما انسان‌ها رسیدن به کمال الهی است، و این امر حاصل نمی‌شود مگر آنکه زیرساخت‌های این بنای عظیم به درستی در جای خود گذاشته شود و یکی از مهمترین زیرساخت‌ها درک اقامه نماز اول وقت است.

## فصل چهارم: نقش دوستان خوب و اهل نماز

از آن‌جا که انسان موجود اجتماعی است نیازمند برقراری روابط اجتماعی با هم‌نوعان خود می‌باشد و گاهی این ارتباط برای افراد آن‌قدر لذت بخش و تأثیرگذار می‌باشد که همدیگر را به عنوان دوست انتخاب می‌کنند و این پیمان دوستی به دلیل نزدیک بودن تفکرات و تمایلات، به‌وجود می‌آید، البته معاشرت‌ها و دیدارهای روزانه کمک فراوانی به شناختن همدیگر می‌کند. برای به‌دست‌آوردن دوستان مناسب مکان‌های برقراری ارتباط بسیار اهمیت دارد. برای مثال: دو نفر وقتی در مسجد با همدیگر آشنا و دوست می‌شوند، نسبت به هم باوفاترند تا دو نفری که در مجالس لهو و لعب با هم آشنا شده‌اند. چرا که آن‌ها وفادار بودن را در گذشته به خالق خود با انجام اوامرش به اثبات رسانده‌اند و همچنان که یکی از اوامر خداوند متعال اینست، «به عقدها و پیمان‌های خود وفادار باشید».<sup>۱</sup>

دوستانی که در نماز جماعت انتخاب می‌شوند، دیگر در مکان‌های نامناسب

۱. سوره مائده: ۵، آیه ۱؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾.

از جمله مجالس لهُو و لعب سر در نمی‌آورد، گرفتار اعتیاد به مواد مخدر، قاچاق آن و سرقت نمی‌شوند. دوستانی که با معیارهای دینی برگزیده شده‌اند همواره موجب زینت و سرافرازی انسان بوده‌اند. نمونه‌های بارز این گونه دوستی‌ها را در دفاع مقدس به وضوح در کتاب‌ها مطالعه کرده‌ایم که چگونه تا پای جان دوستان زخمی خود را از صحنه نبرد خارج می‌کردند و نکته مقابل این نوع دوستی، دوستی افراد غیر صالح و منفی است که غالباً به هنگام گرفتاری نه تنها از دوست خود حمایت نمی‌کنند، بلکه او را لو می‌دهند و یا تنها رها می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «به‌خاطر بیاور روزی که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش من با رسول حق راه دوستی و اطاعت پیش می‌گرفتم. ای وای بر من کاش فلانی را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا از یاد حق گمراه ساخت».<sup>۱</sup> این‌گونه رفتار شاید به‌خاطر نارضایتی درونی از خود باشد، به‌طوری که این اشخاص زمانی که به گذشته خویش می‌نگرند نفس خود را مقصر می‌دانند و تصمیم بر انتقام از خویشان می‌گیرند و لذا پشت دست خود را گاز می‌گیرند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«هم‌نشینی با دوست عاقل روح را زنده می‌کند و هم‌نشینی با دوست

احمق سبب عذاب روح است.»<sup>۲</sup>

۱. سوره فرقان: ۲۵، آیه ۲۸ و ۲۷: «يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۷۲) يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۸)».

۲. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۰۶، ۵۸۴۲ صحبة الولی اللیبب حياة الروح... ص ۲۰۶.

به واقع دوست مناسب و اهل نماز همانند نور چراغی است در بیابان تاریک، دوست مناسب دوستی است که تو را راهنمایی می‌کند و اصطلاحاً راه را از چاه به تو نشان می‌دهد. به‌طور کلی دوست در سرنوشت انسان نقش بسزایی دارد به ویژه در سنین نوجوانی و جوانی. در روایات اسلامی از حضرت سلیمان علیه السلام نقل شده است: درباره کسی قضاوت نکنید تا به دوستانش نظر بیفکنید چرا که انسان بوسیله دوستان و یاران و رفقاییش شناخته می‌شود<sup>۱</sup> از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در گفتار گویای خود می‌فرماید: هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید به دوستانش نظر کنید، اگر اهل دین و آئین خدا باشند او نیز پیرو آئین خدا است، و اگر بر آئین خدا نباشند او نیز بهره‌ای از آئین حق ندارد<sup>۲</sup> از این روایات میزان اثرگذاری زیاد دوستان بر روی هم برداشت می‌شود، لذا اگر بشنویم دوستی در اقامه نماز خود سستی می‌کرد

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۱، ص ۱۸۸، ح ۱۷، باب ۱۳ من ینبغی مجالسته و مصاحبتہ و مصادقته و فضل الأتیس الموافق و القرین الصالح و حب الصالحین... ص ۱۸۳، روى أن سلیمان علیه السلام قال لا تحکموا علی رجل بشیء حتی تنظروا إلی من یصاحب فینما یعرف الرجل بأشکالہ و أقرانہ و ینسب إلی أصحابہ و أخذانہ.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۱، ص ۱۹۷، ح ۳۱، باب ۱۴ من لا ینبغی مجالسته و مصادقته و مصاحبتہ و المجالس التی لا ینبغی الجلوس فیها... ص ۱۹۰ قال أمیر المؤمنین علیه السلام مجالسة الأشرار تورث سوء الظن بالأخيار و مجالسة الأخيار تلحق الأشرار بالأخيار و مجالسة الأبرار للفقار تلحق الأبرار بالفجار فمن اشتبه علیکم أمره و لم تعرفوا دینہ فانظروا إلی خلطائہ فإن كانوا أهل دین الله فهو علی دین الله و إن كانوا علی غیر دین الله فلا حظ له من دین الله إن رسول الله ص كان یقول من كان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یواخین کافراً و لا یخالطن فاجراً و من آخی کافراً أو خالط فاجراً کان کافراً فاجراً.

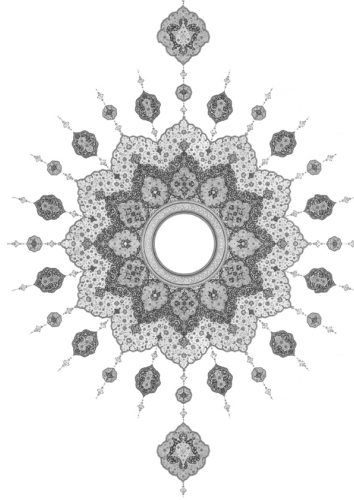
و دوست دیگر مقید به نماز اول وقت بوده، بعد از مدتی دوست سهل‌انگار، نسبت به نماز اول وقت مقید شده است نباید تعجب کرد. به راستی گاه نقش دوست در خوشبختی و بدبختی یک انسان از هر عاملی مهمتر است، گاه او را تا سر حد فنا و نیستی پیش می‌برد، و گاه او را به اوج افتخار می‌رساند.

قصد ما در این فصل این بود که بیان کنیم که انتخاب دوست مناسب و اهل نماز می‌تواند یک راه عملی مناسب و کلیدی برای درمان سهل‌انگاری در نماز افرادی که چنین مشکلی را دارند باشد و در فصل چهارم از بخش دوم به‌طور مفصل درباره پیامدهای دوستیابی مطالبی را بیان کردیم.

از مطالب بیان شده در این بخش می‌توان نتیجه گرفت برای درمان سهل‌انگاری در نماز باید زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی که موجب سهل‌انگاری در نماز می‌شود را شناسایی و درصدد برطرف کردن آن برآییم. همان‌طور که بیان شد فرد باید با بررسی جایگاه نماز در قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام و با اهمیت دادن به نماز اول وقت زمینه‌های فردی سهل‌انگاری در نماز را برطرف نماید. یعنی در مرحله اول خودش باید آستین‌ها را بالا بزند و عمق شناخت خود را نسبت به نماز بیشتر نماید. هم‌چنین نقش والدین در تربیت فرزندان نقش بسیار مؤثری می‌باشد. والدین نسبت به مسئله نماز و مسائل اعتقادی هم‌چون دیگر مسائل، حساسیت نشان دهند. اگر والدین و مربیان به سفارش‌ها و سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام و بزرگان دین عمل کنند، قطعاً فرزندان معتقد و نمازخوان خواهند داشت. در این راستا با بررسی سیره اهل بیت علیهم‌السلام این مطلب به‌طور ویژه مشاهده می‌شود، در ادامه در فصل سوم راهکارهایی در جهت زمینه‌زدایی عوامل اجتماعی که

موجب سهل‌انگاری می‌شدند به صورت زیر پیشنهاد گردید: ۱. اسلامی کردن جامعه و گرایش به معنویت در بین عموم ۲. آگاهی از روانشناسی نماز ۳. استفاده کردن از کارشناس مجرب در امر تبلیغ نماز ۴. تبلیغات درست در رسانه. با اجرای صحیح همه موارد بیان شده اثر وضعی آن این است که دیگر مکلف احساس نیاز به نماز می‌کند همان‌گونه که احساس نیاز به خوردن و آشامیدن دارد، بلکه بالاتر از این. چرا که نماز را غذای روح خود می‌داند و نسبت به آن اهتمام می‌ورزد. در فصل چهارم نقش دوستان خوب و اهل نماز را به عنوان عامل مهم دیگری در راستای درمان سهل‌انگاری در نماز مورد بررسی قرار دادیم و بیان کردیم که انتخاب دوست مناسب و اهل نماز یک راه عملی مناسب و کلیدی برای درمان سهل‌انگاری در نماز افرادی که چنین مشکلی را دارند می‌باشد.

# نتیجہ گیری کلی







حال که بر ما یادآوری شد اقامه نماز یعنی اظهار بندگی و عبودیت و اقرار به یگانگی و بی‌همتایی پروردگار عالم و نتیجه‌ی اقامه‌ی آن رسیدن به کمال الهی است، و برای درک بیشتر این جایگاه باید اراده پولادینی همراه با تصمیم جدی داشته باشیم که انسان هیچ‌وقت با حضور در نماز احساس خستگی نکند بلکه هر نمازی پله‌ای برای نزدیک‌تر شدن به خالق بی‌همتا باشد. به پا داشتن نماز آنست که حق نماز ادا شود، یعنی نماز به صورت یک جسم بی‌روح انجام نگیرد، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجه خالق و آفریننده خویش سازد. یاد خدا بودن مساوی است با فراموش کردن غیر خدا، اگر انسان ولو مدت کوتاهی با خدا در راز و نیاز باشد و از او استمداد جوید و او را عبادت کند؛ او را به الله بودن، ربّ بودن، رحمان بودن، رحیم بودن، احد بودن، صمد بودن توصیف کند، عالی‌ترین تأثیرها در نفس او گذاشته می‌شود و روح انسان آن‌چنان ساخته می‌شود که مذهب اسلام می‌خواهد.

تصور ما در هنگام شروع به نماز این‌گونه باشد که آخرین نماز من در دنیا است؛ مثل این که بهشت در برابرمان و آتش زیر پایمان و پیغمبر در سمت راست و ملائکه در سمت چپ ما وجود دارند و پروردگار از بالای سر بر، احوالمان آگاه است، پس یک لحظه تدبّر و تأمل کنیم که در برابر چه کسی

ایستاده‌ایم و با چه کسی مناجات می‌کنیم و چه کسی به ما می‌نگرد و توجه دارد. اگر کسی در هنگام خواندن نماز بداند برای چه نماز می‌خواند و در واقع شناخت کافی نسبت به این امر داشته باشد با انگیزه بیشتر و سهل‌انگاری کمتر آن‌را انجام می‌دهد. لذا با توجه به این که هدف اصلی وجوب نماز از سوی خداوند متعال، کسب معرفت و شناخت اوست، رسیدن به این شناخت، می‌تواند انگیزه اصلی هر انسانی باشد زیرا برپا کردن نماز مهمترین ابزار رسیدن به شناخت و معرفت خداوند متعال است. کسی که حبّ دنیا دارد، دچار غفلت بزرگی در زندگی خود شده است و این نشان می‌دهد که فرد، معرفت لازم نسبت به دنیا و خدای خود ندارد و کم‌رنگ شدن انگیزه پرستش خدا به علت معرفت کم اوست. شاید کسی که دنیا را دوست دارد و برای بقا در دنیا دست به هر کاری می‌زند نماز هم بخواند ولی در نماز به جای یاد خدا، به دنبال منفعت‌های شخصی خود می‌گردد در نتیجه لذتی از نماز و ارتباط با خداوند نمی‌برد و با گذشت اندک زمانی در انجام فریضه نماز، سست می‌شود و چه بسا نماز را ترک کند، چرا که آدمی تا زمانی که از فعلی لذت نبرد نسبت به آن حریص نمی‌شود بلکه از آن دوری می‌کند.

سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و همه در معرض خطر بودند، وقتی ابو ثمامه عمرو بن عبدالله صاعدی گفت که ظهر شده است، امام فرمودند: نماز را به یاد من آورید و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند و ایستاد در همان مکان نماز اقامه کرد. به واقع یکی از علل مهم این کار امام، آرامش و لذتی که از نماز و ارتباط با خداوند متعال به دست می‌آورد، بوده است. نکته مهم این است که در میدان جنگ امام فرمودند ما در حال

جنگیدن هستیم و بعداً نماز اقامه می‌کنیم، اباعبدالله جنگ را برای اقامه نماز که در روایات به ستون دین معروف است تن داد. البته دشمنان دین به ظاهر مسلمان نماز اقامه می‌کردند ولی نماز آن‌ها با اقامه نماز امام بسیار فرق داشت. نماز در این‌جا کنایه از اجرای حقیقی دستورات الهی در جامعه اسلامی می‌باشد، آن‌ها دستورات الهی را با هوای نفس خود آمیخته و هر آن‌چه برای منافع آن‌ها مضر باشد کنار گذاشته و هر آن‌چه را که با منافع خودشان در تضاد نیست به ظاهر عمل می‌کردند و یکی از آن اعمالی که به ظاهر با اهداف آن‌ها تضاد ندارد و برای عوام فریبی باید انجام دهند اقامه نماز است. در حالی که آن‌ها به ظاهر نماز می‌خواندند ولی در خفی شراب می‌نوشیدند. به واقع کسی که نماز حقیقی، نمازی که باعث بصیرت افزایی شود اقامه کند به لطف خداوند مرز بین حق و باطل را تشخیص می‌دهد.

امام با افرادی جنگید که مانع از پیاده شدن اسلام و هم‌چنین مانع از پیشرفت مسلمین شده بودند و با امر به معروف و نهی از منکر هدایت نشده‌اند، البته امام طالب جنگ نبود آن‌ها به سوی امام و یارانش حمله ور شدند و امام مجبور به دفاع شد. اما نکته بسیار مهم این است که باید ما بتوانیم اسلام حقیقی را پیاده و با مفاهیم اسلامی به تعلیم و تربیت انسان‌ها پردازیم و از مهمترین رکن اسلام یعنی نماز یاری بجوییم. به واقع نماز یک کارخانه انسان‌سازی است، نماز خوب فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می‌کند. کسانی که در این مراکز فساد کشانده شده‌اند، اغلب بی‌نمازها هستند. نمازخوان‌ها در مساجد می‌باشند.

اینک می‌خواهیم با توجه به مطالب بالا، به چند سؤال اساسی پاسخ دهیم.

در روایات، چه رابطه منطقی بین سهل‌انگاری در نماز با سبک شمردن، تحقیر کردن، تباه کردن و ترک کردن نماز وجود دارد؟

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ، فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ، وَ مَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلَ، وَ الْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ<sup>۱</sup>». نماز ستون دین است، پس کسی که عمداً نمازش را ترک کند دینش را خراب کرده است و کسی که به اوقات نماز اهمیت ندهد داخل «ویل» خواهد شد و «ویل» محلی در جهنم است. خداوند در قرآن فرمود: «ویل جای کسانی است که در نمازشان سهل‌انگاری می‌کنند.»<sup>۲</sup> محمد بن فضیل می‌گوید: «از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: منظور از سهو در این آیه «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ<sup>۳</sup>» چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: هوالتضييع: منظور، ضایع نمودن نماز است.»<sup>۴</sup>

با توجه به روایات فوق به نظر می‌رسد بین سهل‌انگاری در نماز با سبک شمردن، تحقیر کردن، تباه کردن و ترک کردن نماز رابطه مستقیم وجود دارد. سهل‌انگاری در نماز مصادیقی دارد که موارد فوق از آن جمله است. سهل‌انگاران در نماز با هم تفاوت‌هایی دارند، افرادی نماز را به‌طور کلی ترک می‌کنند و علت این کار مسامحه و کم‌اعتنایی به امور اخروی است. بعضی

۱. سوره ماعون: ۷، آیه ۵؛ «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۲. بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۲.

۳. سوره ماعون: ۷، آیه ۵.

۴. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

نماز را در پاره‌ای از اوقات ترک می‌کنند و آن را سبک می‌شمارند، بعضی نماز می‌خوانند اما نسبت به شرایط و واجبات آن (مثل موالات، رکوع، قرائت، سجود، آرامش در نماز و ...) بی‌اعتنا هستند، همه این‌ها با تفاوت‌هایشان، مشمول عقاب الهی می‌باشند. هرچند هر کدام به میزان سهل‌انگاری‌اش در نماز، مشمول بخشی از این قهر و غضب خواهد گشت. به همین جهت به شرح هر یک از این موارد با استفاده از آیات و روایات پرداختیم، نتیجه‌ای که از این فصل برداشت کردیم به شرح ذیل می‌باشد.

در هر جایی که انسان دچار غفلت و سهل‌انگاری شد یکی از موارد سبک شمردن، تحقیر کردن، تباه کردن و ترک کردن نماز شامل آن می‌باشد. نماز از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی است که ترک آن از روی عمد، به کفر می‌انجامد و از روی بی‌اعتنایی و مسامحه به فسق می‌رسد و اگر گه‌گاه بخواند، آثار و عواقب سختی در پی خواهد داشت. مسئله‌ای که مطرح است، تفاوت بین ترک نماز و سبک شمردن نماز می‌باشد و ترک نماز غیر از ضایع کردن آن است. از اینرو انسان برای تقرب به خدا باید به نماز خود اهتمام ورزد؛ در غیر این صورت کم‌کم انسان نسبت به نماز بی‌میل شده و آن را به ورطه غفلت می‌کشاند این همان سبک شمردن نماز است که انسان با عواقب خطرناک و زیان‌بار آن، هم در دنیا و هم در آخرت مواجه می‌شود. به واقع انسان‌هایی که برای اقامه و یا خواندن به صورت فرادا کم‌کاری می‌کنند و با بهانه‌های متفاوت پاسخ وجدان خود را می‌دهند نسبت به نماز چه ادراکی دارند؟ به‌راستی هر کسی که حقیقت نماز را درک کند چنان عاشق آن می‌شود که دیگر لحظه‌ای بدون آن ممکن نیست. این حال این افراد قابل

توصیف نیست و باید تجربه‌کرد. بنابراین برای اینکه بتوانیم با سهل‌انگاری در نماز مبارزه کنیم در گام اول باید مصادیق آن را شناسایی و بعد از آن هر مصداق را به تنهایی کارشناسی کرده و راه‌های درمان را یافته و درصدد رفع آن برآییم.

**چگونه کسب معرفت نسبت به نماز، مانع از سهل‌انگاری در نماز می‌شود؟**

نماز سنبل عبادت است که از نظر معنوی و تربیتی تا آخرین لحظات زندگی آدمی به آن نیاز دارد و به وسیله آن ارتباط خویش را با مولی و پروردگار خویش مستحکم می‌سازد و بدون آن اساس و پایه دینش منهدم و نابود است. خداوند متعال برای ما یک ابزار عملی وضع کرده است به عبارت دیگر خداوند متعال نماز را وسیله سنجش برای ما قرار داده که با آن می‌توانیم عمل خود را بسنجیم. وقتی ما به فلسفه نماز آگاهی پیدا کنیم اگر در دیگر امور سستی داشته باشیم آن سستی‌ها به واسطه نماز حقیقی رفع می‌شود و یا حداقل ضعف‌ها شناسایی و درصدد رفع آن برمی‌آییم. بله، نماز از همه‌ی عبادات دیگر با فضیلت‌تر است و هیچ عملی مثل نماز، بنده را به خدا نزدیک نمی‌کند. از جابر روایت شده است که گفت: «به رسول خدا ﷺ عرضه داشتند: فلان شخص روزها نماز می‌خواند و شب‌ها سارق مال مردم است، حضرت فرمودند: همانا نمازش او را از آن عمل باز خواهد داشت.»<sup>۱</sup> برداشتی که از روایت می‌شود این است که رسول خدا ﷺ نماز حقیقی را هم‌چون سوهانی می‌داند که به هنگام عمل، یعنی نماز خواندن، این سوهان هر آن‌چه

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص ۱۹۸، باب ۱ فضل الصلاة و عقاب تارکها... ص ۱۸۸.

را که با دین خدا تطابق نمی‌کند از بین می‌برد. وقتی که انسان، نیاز به خداوند متعال را از اعماق وجودش حس می‌کند، عاشقانه او را عبادت کرده و همیشه به یاد اوست. اما انسانی که یاد خدا در زندگی‌اش کم‌رنگ است و آگاهی لازم به نیاز اصلی خودش یعنی خداشناسی ندارد میل به پرستش خداوند یگانه در او کم و کمتر می‌شود و غرق در امیال مادی خود می‌گردد. تشخیص نیاز واقعی انسان زمانی امکانپذیر است که غرق در امیال مادی خود نشده و همچنین اهل تفکر و اندیشه باشد. تفکر درچه؟ تفکر در نظام آفرینش و ناظم آن، تفکر در چگونگی خلقت آسمان‌ها، زمین، انسان، حیوانات، دریا و... اسلام سعی دارد انسان را به گونه‌ای رشد دهد که تمام فعالیت‌هایش باعث شود او را به هدف نهایی آفرینش که همان «قرب الهی» است نزدیک‌تر کند. از نظر اسلام فقط ارضای نیازهای واقعی است که می‌تواند انسان را به هدف نهایی خلقت نزدیک کند.

پس با بیان مطالب فوق، برای شناخت هر چه بیشتر خداوند متعال باید آگاهی و معرفت خود را نسبت به روش‌هایی که ما را به خدا نزدیک می‌کند افزایش داده و در مرحله عمل آن را در زندگانی خود پیاده کنیم.

در فصل اول از بخش دوم یکی از عوامل سهل‌انگاری در نماز را عدم معرفت نسبت به خداوند متعال بیان کردیم و برای ریشه‌یابی عامل سهل‌انگاری سه موضوع پیشنهاد شد، الف. نداشتن شناخت نسبت به خداوند و بی‌مهری نسبت به او ب. آشنا نبودن به فلسفه نماز و عبادت ج. آشنا نبودن انسان‌ها به نیازهای واقعی خود، و هر موضوع را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار دادیم. در صورتی که مکلف بتواند تا حد توان، این نقصان معرفتی را با

مطالعه و عمل به آن رفع کند دیگر نماز خواندن برایش بی‌مفهوم نیست بلکه آن‌را غذای روح تلقی می‌کند. به واقع انسانی که جاهل است درگیر زرق و برق دنیاست و درک صحیحی نسبت به نماز ندارد و اما انسانی که عالم به اسرار نماز شد دیگر آن‌را رها نمی‌کند چرا که به گمشده خود رسیده است.

«امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از روزهای جنگ صفین و در گیر و دار شدید معرکه جهاد مرتباً به آفتاب نظر داشت و از آن مراقبت می‌نمود تا ببیند، کی از وسط آسمان می‌گذرد تا برای نماز آماده گردد. به واقع اهل بیت علیهم السلام نسبت به همه چیزها از جمله اقامه نماز فهم و درک عمیقی داشتند و هنگام نماز عاشقانه خداوند متعال را عبادت می‌کردند.

#### رابطه گناه کردن با سهل‌انگاری در نماز چیست؟

گناهان روح انسان‌ها را کدر و سنگین کرده به گونه‌ای که دیگر از هیچ کاری لذت نبرده مگر به همان لذت‌های زودگذر گناه بسنده کند. شاید بتوان این‌گونه بیان کرد، وقتی انسان‌ها توسط خداوند متعال آفریده شدند، بعد از مدتی، فطرتاً به دنبال موجودی بالاتر از خود جستجو نمودند که او را پرستش کنند، آن‌ها به دنبال شناخت خدا و رسیدن به او بودند و عقل هم اثبات می‌کند که این جهان آفرینش با این عظمت و نظمی که دارد بدون خالق و ناظم بی‌نقص ممکن نیست. اما چه شد که با دانستن این مطالب باز هم انسان‌ها اسیر این ویروس مهلک یعنی گناه شده‌اند. در واقع این گناهان است که سبب منفعل شدن و راکد ماندن، بلکه شاید در بعضی از موارد بدتر از راکد ماندن، یعنی تبدیل به مرداب شدن، رودخانه زندگانی ما شده باشد که آیه‌ای



از قرآن به آن اشاره کرده است «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»<sup>۱</sup>. این آیه اشاره به انسان‌های غافلی دارد که از حیوان هم پست‌تر شده‌اند چرا که حیوان از روی غریزه، بدون اندیشه و عقل، اعمالش را انجام می‌دهد در حالی که خداوند نعمتی به نام شعور و عقل به انسان داده ولی این انسان‌ها از آن استفاده نکرده و غرق در هوای نفس خود شده‌اند.

به نظر نگارنده رابطه منطقی گناه با سهل‌انگاری در نماز عموم و خصوص مطلق می‌باشد، زیرا گناه، مهم‌ترین عامل سقوط آدمی از عرش به فرش و اسفل سافلین بوده و هم‌چنین انباشته شدن گناه، قلب انسان را سیاه کرده و از تکالیفی که خداوند متعال به انسان سپرده دور می‌کند و یکی از آن تکالیف اقامه نماز بوده و محصول این معاصی، گناه بزرگ‌تری هم‌چون سهل‌انگاری در نماز می‌باشد. به واقع عمل سهل‌انگاری زاده انباشته شدن معاصی و سیاه شدن دل است و این سهل‌انگاری به عنوان یکی از مصادیق گناه شمرده می‌شود.

**آثار و کیفر سهل‌انگاری در نماز و عواقب خطرناک و زیانبار آن در دنیا، هنگام مرگ و در عالم قیامت، از منظر آیات و روایات، چیست؟**

هر فعلی از هر مخلوقی سر می‌زند آثاری را بدنبال خود دارد، برخی آثار وضعی آن، دنیایی می‌باشد مثل نوشیدن آب که اثر وضعی آن رفع تشنگی است و برخی آثار آن دنیوی و اخروی می‌باشد، مانند سهل‌انگاری در نماز، که یکی از آثار دنیایی آن سرگردانی و پوچ‌گرایی و اثر اخروی آن ضلالت و گمراهی است. اما اعمال انسان‌ها علاوه بر اینکه آثاری را به دنبال خود

۱. سوره اعراف: ۷، آیه ۱۷۹.

دارد، پاداش و عقاب‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است. پاداش برای اعمال خوب و کیفر برای اعمال بد. بعضی از این پاداش‌ها و عقاب‌ها در دنیا داده می‌شود و بعضی دیگر از این پاداش‌ها و یا عقاب‌ها در دنیا ظرفیت به فعلیت رسیدن در آن نیست لذا در دنیای دیگر محاسبه می‌شود. در روایت آمده حضرت فاطمه علیها السلام از پدر بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرسید: «ای پدر جان! سزای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟ فرمود: ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌نماید: شش مصیبت در سرای دنیا، و سه مصیبت هنگام مرگ، و سه مصیبت در قبرش و سه مصیبت در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود»<sup>۱</sup>.

۱. خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد. ۲. برکت از عمر و روزی شما گرفته می‌شود. ۳. خداوند عزوجل نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید. ۴. در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود. ۵. دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد. ۶. هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود. ۷. با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد. ۸ و ۹. گرسنه و تشنه جان می‌سپارد، به گونه‌ای که اگر آب تمام رودخانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد. ۱۰. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۸۰، ص ۲۱، حدیث ۳۹، باب ۶ الحث علی المحافظة علی الصلوات و أدائها فی أوقاتها و ذم إضاعتها و الاستهانة بها... ص ۱.

را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند. ۱۱. خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند. ۱۲. قبرش، تاریک می‌شود. ۱۳. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را بر روی زمین می‌کشند. ۱۴. سخت از او حساب می‌کشند. ۱۵. خداوند هرگز نظر رحمت به او نموده و از بدی‌ها پاکیزه‌اش نمی‌گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود

ما در بخش سوم آثار و کیفر کسی که در نمازش سهل‌انگاری می‌کند را در همه عوالم (دنیا، قبر، برزخ و قیامت) همان‌گونه که در روایت فوق به آن اشاره شده، مورد بررسی قرار دادیم. وقتی ما انسان‌ها از آثار وضعی، عملی و همچنین مجازات آن آگاهی داشته باشیم، نسبت به انجام و یا ترک آن عمل احتیاط بیشتری می‌کنیم. همان‌گونه که قرآن در آیات متفاوت به مسلمانان بشارت بهشت و همچنین بیم و ترس از عذاب جهنم می‌دهد: ما تو را به حق، برای بشارت و انذار فرستادیم و هر امتی در گذشته انذار کننده‌ای داشته است.<sup>۱</sup> و یکی از اهداف خداوند متعال از بیان انذار و بشارت آگاهی انسان‌ها و اتمام حجت با آن‌ها می‌باشد، چراکه بعضی از انسان‌ها در روز قیامت اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و خداوند بدین اسباب به آن‌ها پاسخ می‌گوید.

#### راه‌های درمان سهل‌انگاری در نماز چیست؟

برای درمان سهل‌انگاری در نماز باید زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی که موجب سهل‌انگاری در نماز می‌شود را شناسایی و درصدد

۱. سوره فاطر: ۳۵، آیه ۲۴؛ ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾.

برطرف کردن آن برآییم. همان‌طور که بیان شد فرد باید با بررسی جایگاه نماز در قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام و با اهمیت دادن به نماز اول وقت زمینه‌های فردی سهل‌انگاری در نماز را برطرف نماید. یعنی در مرحله اول خودش باید آستین‌ها را بالا بزند و عمق شناخت خود را نسبت به نماز بیشتر نماید. هم‌چنین نقش والدین در تربیت فرزندان نقش بسیار مؤثری می‌باشد. والدین نسبت به مسئله نماز و مسائل اعتقادی هم‌چون دیگر مسائل، حساسیت نشان دهند. اگر والدین و مربیان به سفارش‌ها و سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام و بزرگان دین عمل کنند، قطعاً فرزندان معتقد و نمازخوان خواهند داشت. در این راستا با بررسی سیره اهل بیت علیهم‌السلام این مطلب به‌طور ویژه مشاهده می‌شود، در ادامه در فصل سوم راهکارهایی در جهت زمینه‌زدایی عوامل اجتماعی که موجب سهل‌انگاری می‌شدند به صورت زیر پیشنهاد گردید: ۱. اسلامی کردن جامعه و گرایش به معنویت در بین عموم ۲. آگاهی از روانشناسی نماز ۳. استفاده کردن از کارشناس مجرب در امر تبلیغ نماز ۴. تبلیغات درست در رسانه. با اجرای صحیح همه موارد بیان شده اثر وضعی آن این است که دیگر مکلف احساس نیاز به نماز می‌کند همان‌گونه که احساس نیاز به خوردن و آشامیدن دارد، بلکه بالاتر از این. چرا که نماز را غذای روح خود می‌داند و نسبت به آن اهتمام می‌ورزد. در فصل چهارم نقش دوستان خوب و اهل نماز را به عنوان عامل مهم دیگری در راستای درمان سهل‌انگاری در نماز مورد بررسی قرار دادیم و بیان کردیم که انتخاب دوست مناسب و اهل نماز یک راه عملی مناسب و کلیدی برای درمان سهل‌انگاری در نماز افرادی که چنین مشکلی را دارند می‌باشد.

### نقش رسانه و تبلیغات در درمان سهل‌انگاری در نماز چیست؟

رسانه و تبلیغات در عصر امروز نقش بنیادی و اساسی در زندگی همه انسان‌ها در تمام گروه‌های سنی دارد، بلکه فراتر از آن، این رسانه و تبلیغات است که به‌جای اغلب مردم فکر می‌کند به‌طوری که اهمیت رسانه و تبلیغات، جایگاه و چگونگی تأثیرگذاری آن را می‌توان در زندگانی مردم مشاهده کرد. بنابراین عملکرد رسانه در موضوع مورد بحث ما باید به گونه‌ای باشد که به تحقق اقامه نماز به‌ویژه در وقت اذان کمک کند و برای رسیدن به این هدف و درمان سهل‌انگاری رعایت نکات ذیل ضروری می‌باشد.

۱. طراحی و تنظیم برنامه پخش به گونه‌ای باشد که برنامه‌ها، قبل از اذان مخاطبان را برای نماز آماده کند، همچنین برنامه‌های بعد از اذان نیز متناسب با نماز و حالات معنوی آن باشد و از قرار گرفتن نماز بین دو قسمت جذاب برنامه که فکر و ذهن مخاطب را به خود مشغول می‌کند جلوگیری شود.
۲. به کارگیری خلاقیت‌ها در چگونگی ساختن برنامه‌ها، نوشتن فیلمنامه‌ها، انتخاب مناسب بازیگر، محل و صحنه‌های فیلم‌برداری اهمیت زیادی دارد. مثلاً در رسانه تصویری به هنگام پخش قرآن، به‌جای نمایش تکراری قاری یا صحنه‌های ساختمان و دیوارهای مساجد و غیره با به تصویر درآوردن صحنه‌های جذاب و جالب از اقشار مختلفی که در حال آماده شدن برای نماز هستند مانند کشاورز کنار زمین، کارگر در کارخانه، کارمند در اداره، راننده در کنار جاده، اهل منزل در خانه، دانش‌آموز و دانشجو در محل تحصیل و حتی عوامل پخش و مجریان تلویزیون در محل پخش برنامه‌ها، سبب تحریک دیگران به سوی نماز می‌شود و به هنگام پخش اذان نیز تصویر جذاب همین

افراد در حال نماز نمایش شود. به‌ویژه آن‌که برای واقعی جلوه‌دادن و تأثیرگذاری بیشتر، در تصویرها ملاحظه صبح و ظهر و شب بشود، به گونه‌ای که تصویر حاکی از همان وقت شبانه‌روز باشد.

۳. از بین تفاوت‌های مخاطبان آن‌چه به لحاظ اهمیت اشاره می‌شود یکی توجه به نوجوانان و جوانان و طراحی برنامه‌های اذان و نماز و سایر برنامه‌های تبلیغی برای آنان است که باید با آموزش، جذابیت، بهره‌های هنری و نیز متناسب با روحیات این سنین که برخی از آنان تازه به تکلیف رسیده‌اند همراه باشد.

۴. نکته دیگر این که باید توجه شود در فیلم‌ها و سریال‌ها، نمازگزار از نقش‌های تأثیرگذار فیلم باشد. مثلاً گاهی دیده می‌شود در فیلم‌ها پیرمرد یا پیرزنی نماز می‌خواند که هیچ‌گونه جاذبه‌ای برای مخاطب ندارد. یا در فیلم کسانی از نمادهای دینی استفاده می‌کنند که تناسب و سنخیتی با آن ندارند، مانند استفاده کردن از عبا و تسبیح که در برخی از موارد علاوه بر تصنعی جلوه کردن، موجب تعارض و بی‌ارزشی و فقدان اعتبار نماد مذکور نزد مخاطب نیز می‌شود.

۵. در برنامه‌های مربوط به نماز، نتایج دنیوی آن‌که برای بیشتر مخاطبان اهمیت زیادی دارد بیان شود.

۶. در ساخت کلیپ‌ها به هنگام اذان و اقامه نماز بر رحمت واسعه خداوند و توبه‌پذیری حضرت حق تأکید شود. زیرا به علت مشکلات و مفاسد، افرادی هستند که بسا با انجام گناهان به چندان عظیمی خود را از رحمت خداوند مأیوس بدانند و این امر مانع ادای نماز در آنان شود.

۷. در ترویج نماز و به‌ویژه هنگام اذان و قبل از آن از اشعار و قطعات عرفانی که در ادبیات غنی ما فراوان است استفاده شود و همچنین استفاده از داستان‌ها، تمثیلات و ضرب‌المثل‌های آموزنده درباره نماز در بخش‌های مناسب برنامه‌ها.





## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله؛ شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ۱۰ جلد، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی و کمره‌ای، محمد باقر، الخصال، ترجمه کمره‌ای، ۲ جلد، کتابچی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی و جعفری؛ یعقوب، الخصال، ترجمه جعفری، ۲ جلد، نسیم کوثر، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی و غفاری، علی اکبر؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه غفاری، ۱ جلد، کتاب‌فروشی صدوق - تهران، چاپ اول، بی تا.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱ جلد، دارالشریف‌الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی و بندرریگی، ابراهیم محدث؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه بندرریگی، ۱ جلد، انتشارات اخلاق، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی و صفا خواه، محمد حسین؛ گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، ۲ جلد، فیض کاشانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

۸. ابن بابویه، محمد بن علی - غفاری، محمد جواد؛ *من لا یحضره الفقیه*، ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر، ۶ جلد، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی - کمره‌ای، محمد باقر؛ *الأمالی (للسدوق)*، ترجمه کمره‌ای، ۱ جلد، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *الأمالی (للسدوق)*، ۱ جلد، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. ابن شعبه الحرانی؛ *تحف العقول*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴، ۵. ق.
۱۲. ابن شعبه، حسن بن علی و جعفری، بهراد؛ *تحف العقول*، ترجمه جعفری، ۱ جلد، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. ابن شعبه، حسن بن علی و اتابکی، پرویز؛ *رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)*، ۱ جلد، نشر و پژوهش فرزاد روز، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. ابن طاووس، علی بن موسی و روحی، محمد؛ *ادب حضور* (ترجمه فلاح‌السائل)، ۱ جلد، انتشارات انصاری، ایران؛ قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. ابن فارس، أحمد بن فارس؛ *معجم مقاییس اللغة*، ۶ جلد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. ابن فهد حلی، احمد بن محمد - نائیجی، محمد حسین؛ *آداب راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز* (ترجمه عدة‌الداعی)، ۱ جلد، انتشارات کیا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی و سلیمانی، جواد؛ *نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا*، ترجمه وقعة‌الطف، ۱ جلد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان‌العرب*، ۱۵ جلد، دارالفکر للطباعة

- والنشر والتوزيع، دار صادر، بيروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۹. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ۷ جلد، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۰. اردستانی، ۱ جلد، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانیور، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۲۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم، ۷ جلد، دانشگاه تهران، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ش.
۲۲. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نورالثقلین، سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.، چاپ اول، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ش.
۲۳. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۲۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ۲ جلد، دارالکتب الإسلامية - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ق.
۲۵. بروجردی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، چاپ ششم، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۶۶ش.
۲۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم/الإمام علی علیه السلام)، ۱ جلد، دارالکتاب الإسلامي، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، آیتی عبدالمحمد، الغارات، ترجمه آیتی، ۱ جلد، وزارت ارشاد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
۲۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۲۹. حسینی همدانی، سید محمد حسین، *تفسیر انوار درخشان*، محمدباقر بهبودی، چاپ اول، کتاب‌فروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴ ق
۳۰. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی آرام، احمد، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، ۶ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۳۱. دهخدا، علی اکبر، *فرهنگ لغت*، ج ۱۶، ۱۳۴۲.
۳۲. راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی و صادقی اردستانی، احمد، *النوادر* (لراوندی)، ترجمه صادقی.
۳۳. ستوده، امیررضا، *یا به پای آفتاب*، چاپ ششم، موسسه نشر پنجره، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۳۴. شریف‌الرضی، محمدبن حسین، *نهج‌البلاغه* (للسبیحی صالح)، ۱ جلد، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. شریف‌الرضی، محمدبن حسین، دشتی، محمد، *نهج‌البلاغه*، ترجمه دشتی، ۱ جلد، مشهور، ایران، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.
۳۶. شعیری، محمدبن محمد، *جامع‌الأخبار* (للسعیری)، ۱ جلد، مطبعة حیدریة، نجف، چاپ: اول، بی‌تا.
۳۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی و حسین، جناتی، *آرام‌بخش دل داغ‌دیدگان* (ترجمه مسکن‌الغواد)، ۱ جلد، روح، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۳۸. شیخ بهایی، محمدبن حسین - بسطامی، علی بن طیفور، *منهاج‌النجاح فی ترجمه مفتاح‌الفلاح*، ۱ جلد، حکمت، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ش.
۳۹. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، *تفصیل وسائل‌الشیعة‌الی تحصیل مسائل‌الشریعة*، ۳۰ جلد، مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۴۰. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن و صحت، علی، *جهاد‌النفس و مسائل‌الشیعة*، ترجمه صحت، ۱ جلد، انتشارات ناس، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش.

۴۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن و افراسیابی نهاوندی علی، *جهاد النفس وسائل الشیعة*، ترجمه افراسیابی، ۱ جلد، نهاوندی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۴۲. صادقی اردستانی، احمد، *نیازهای جوانان*، نشر خرم، قم، ۱۳۷۶ ش.
۴۳. طبرسی، حسن بن فضل و میر باقری، ابراهیم، *مکارم الأخلاق*، ترجمه میر باقری، ۲ جلد، فراهانی، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۶۵ ش.
۴۴. طیار مراغی، محمود و حسن زاده، صادق، *أسوه عارفان*، انتشارات آل علی علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۵. طیب، سید عبدالحسین، *تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۴۶. علاءالدین علی بن حسام معروف به متقی هندی، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، چاپ پنجم، موسسه الرساله، بی جا، ۱۴۰۱ ق.
۴۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر - علوی تراکمه‌ای، سید مجتبی، *آینه یقین* (ترجمه کشف‌الیقین)، ۱ جلد، هجرت، ایران؛ قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، مهدوی دامغانی، محمود، *روضه السواعظین*، ترجمه مهدوی دامغانی، ۱ جلد، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب‌العین*، ۹ جلد، نشر هجرت، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۵۰. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۵۱. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، ۷ جلد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۵۲. قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن‌الحديث*، چاپ سوم، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۵۳. قضاعی، محمدبن سلامة، شرح فارسی شهاب‌الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ﷺ)، ۱ جلد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
۵۴. قمی، شیخ عباس، مفاتیح‌الجنان، چاپ دوم، انتشارات اجود، قم، ۱۳۹۱ ش.
۵۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، دارالکتاب، قم، ۱۳۶۷ ش.
۵۶. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۷. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - دارالحدیث)، ۱۵ جلد، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
۵۸. کلینی، محمدبن یعقوب، بهودی، محمد باقر، گزیده کافی، ۳ جلد، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۵۹. کلینی، محمدبن یعقوب کمره‌ای، محمد باقر، أصول الکافی، ترجمه کمره‌ای، ۶ جلد، اسوه ایران، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۶۰. گروهی از مترجمان، ترجمه تفسیر جوامع‌الجماع، چاپ دوم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۷ ش.
۶۱. گروهی از مترجمان، ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، رضا ستوده، چاپ اول، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۶۲. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون‌الحکم و المواعظ (للیشی)، ۱ جلد، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۶۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی،

- بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶۴. مجلسی، محمد باقرین محمد تقی، عطاردی قوچانی، عزیزالله، ایمان و کفر (ترجمه کتاب‌الایمان و الکفر بحار الأنوار جلد ۶۴، ترجمه عطاردی)، ۲ جلد، انتشارات عطارد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۶۵. مجلسی، محمد باقرین محمد تقی، خسروی، موسی، زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام (ترجمه جلد ۴۷ بحار الأنوار)، ۱ جلد، اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۸ ق.
۶۶. مجلسی، محمد باقرین محمد تقی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیهه، ۸ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ ق.
۶۷. مجمع البحرین، طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۶ جلد، مرتضوی - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ ش.
۶۸. مدرس بستان آبادی، محمدباقر، خرد و سپاه او، چاپ اول، انتشارات کلینی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۶۹. مصطفوی، علامه حسن، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، ترجمه مصطفوی، ۱ جلد، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.
۷۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۷۱. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ ۴۵، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۹ ش.
۷۲. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۹ ش.
۷۳. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۹ ش.
۷۴. مطهری، مرتضی، راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام، انتشارات صدرا، قم،

۱۳۸۹ش.

۷۵. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

۱۳۷۴ش.

۷۶. موسوی همدانی، سید محمد باقر، *ترجمه تفسیرالمیزان*، چاپ پنجم، دفتر

انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ش.

۷۷. نراقی، ملا احمد، *معراج السعاده*، چاپ ششم، انتشارات دهقان، تهران،

۱۳۸۵ش.

۷۸. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ۲۸ جلد،

مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

۷۹. موسوی، دکتر سیدرضا، *آخرین نماز سالار شهیدان*، کعبه دل‌ها:

<http://www.kabedelha.rasekhoonblog.com>.

۸۰. منصوری، خلیل، *حالات زمان مرگ*، پژوهشکده فرهنگ و معارف اسلامی:

<http://www.maarefquran.org>.

۸۱. فرهنگ جهاد، بهار ۱۳۸۶، شماره ۴۷، نماز در قرآن:

<http://www.hawzah.net>.

82. Tebyan - zn . ir / News - Article / blest\_family / Family  
\_ young \_ children.

83. <http://www.tebyan.net>.

84. <http://www.hawzah.Net>.

85. khamenei. Ir.

86. <http://film.eshragh.info/portal/home/?news/>.